

کارگران، زحمتکشان، توده‌های مبارز!
سالگرد قیام خونین ۲۲ بهمن را
زیر پرچم سرخ کمونیستها
هر چه باشکوهرتر برگزار کنیم

حقیقت و واقعۀ سفارت را چه کسی به توده‌ها گفت؟

۹ صفحه

کوس رسوائی خلخالی
در فضای جمهوری اسلامی
بصدا در آمد!

۲۴ صفحه

یاد رفیق
پیشمرگه
پیکارگر شهید
صادق بهمنی گرامی باد

۵ صفحه

دو سیاست
روبرویونیستها
در قبال مجاهدین:
در یوزگی
چاپلوسی و کینه‌توزی

۱۱ صفحه

نگاهی به تجارب یکسال ونیمه
کانون شوراهای کارگری
شرق تهران

۴ صفحه

در صفحات دیگر این شماره:

- من میهمان پیشمرگه‌ها بودم ۵ صفحه
- فساد و فحشا در سپاه پاسداران نوشهر ۱۵ صفحه
- "خط سوم": خطی بدنبال ارتجاع حاکم! ۱۳ صفحه
- بیانیۀ گروه انقلابیون مارکسیست-لنینیست (پیکار خلق) ۲۵ صفحه

کیفر خواست انقلاب
علیه ضد انقلاب

در این شماره:
هاشمی رفسنجانی - دکتر یزدی

۱۹ صفحه

اسلام
پیام آیت الله خمینی:
پیام عجز

ساعتی پس از پایان گرفتن سناریوی عوامفریبانه "گروگان-کبری" جاسوسان آمریکائی، پیام مهمی از سوی آیت الله خمینی خطاب به مردم، ارتش و نیروهای مسلح صادر گردید. اهمیت این پیام تنها در مضمون آن بلکه همچنین در شرایط و لحظاتی است که این پیام صادر میشود. صدور این پیام اندکی پس از خروج گروگانهای آمریکائی از ایران و در شرایطی صورت میگیرد که رژیم جمهوری اسلامی را امواجی از بحران اقتصادی و سیاسی فرا گرفته و بیش از هر موقع دیگر عجز و درماندگی خود را از برآوردن خواستههای اساسی توده‌ها به اثبات رسانده است. این پیام در شرایطی از سوی خمینی صادر میشود که تنها پیش از آن، عوامفریبانه "فدا مبریا - لیست بودن" رژیم جمهوری اسلامی به پایان رسیده و خمینی و رژیم حاکم، درنگرانی و وحشت از افزایش نا رضایتی عمومی، اوج گیری مبارزات توده‌ای و سر - نوشت حیات سیاسی خود هستند. این پیام که بیانگر ترس و وحشت رژیم از شدت بایستی مبارزه طبقاتی و اوچگیری جنبش توده‌ای است و بخش اول آن دستورالعملی است برای ارتش و سپاه پاسداران جهت سرکوب هر چه بیشتر جنبش توده‌ای و نیروهای طبقه ۲

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه اول سرمقاله...

انقلابی، اما نکته اساسی وجوه اصلی این پیام که دقیقاً نظارت بر شرایط و موقعیت سیاسی حاکم بر جامعه دارد عبارتست از برخورد کاملاً عاقلانه و ملتسمانه‌خیمینی و رژیم حاکم از نیروهای انقلابی و اتحادیست عقب‌نشینی آشکار از موضع شجاعی گذشته! خمینی در قسمتی از پیام خود می‌گوید:

"این جانب به حسب وظیفه اسلامی و اخلاقی به گروه‌های داخل کشور اعم از تهران و کردستان و سایر نواحی ایران در هر نقطه که هستند پدران و نوه‌ها می‌کنند که به آغوش اسلام و ملت مسلمانی برگردند و سلاح‌های خود را کنار گذاشته با برادران و خواهران خود آشتی کنید، در این صورت این - جانب به همه آنان تا مین می‌دهم که ما دایمی که با صلح و صفا به کشور خودتان خدمت کنید و به جمهوری اسلامی وفادار باشید هیچ‌کس مزاحمتی نخواهد داشت، هر چیز بهتر از این است که در محیط صلح و صفا بر قشرهای ملت دربار بازی کشور عزیزمان که در اشرف حکومت سال‌های طولانی رژیم منحط پهلوی (رژیم جمهوری اسلامی چطور؟ - پیکار) به‌خوابی کشیده است با کار و کوشش اقدامات منمابند و چه تا سفارت‌ها و راست... گروه‌های بازی خورده تحت تاثیر بعضی منحرفین واقع شده و کار شکنی کنند... چه بهتر از مرز که درهای رحمت‌نادرند بزرگ بر روی شما باز است... (که تنها دو نمونه آن محاصره اقتصادی کردستان و جلوگیری از ورود مواد غذایی به شهرها و کشتار و قتل عام زنان، کودکان و پیرمردان روستاهای کردستان نظیر قتلان، ایندرفاش و... می‌باشد - پیکار) بصوف فشرده ملت بی‌پرونده و در پناه اسلام آسوده‌خاطر به زندگی شرافتمندانه خود ادامه دهید." (کیهان اول بهمن ۵۹).

هر کس اندک توجهی به نکات بالا بنماید، بخوبی درمی‌یابد که خمینی و رژیم جمهوری اسلامی تا چه حد در برابر بحران اقتصادی و سیاسی جامعه و فشار جنبش توده‌ای و تشنه‌های درونی هیأت حاکمه دچار ضعف و استیصال هستند، تا آنجا که به گروه‌های انقلابی "پدران" توصیه می‌کنند سلاح‌های خود را کنار گذاشته و با رژیم جمهوری اسلامی کنار بیایند! از زمان قیام مبدعین و در کنار رسیاست عمومی سرکوب، رژیم جمهوری اسلامی تنها یکبار دیگر و آنهم پس از شکست مفتضحانه ارتش و سپاه پاسداران در جریان جنگ اول کردستان، به چنین شکلی در برابر فشار جنبش توده‌ای از خود عاجز و درمانده‌گی نشان می‌دهد. رژیم جمهوری اسلامی که در طول این دو سال، هرگونه مقاومت و حرکت انقلابی را در تمامی نقاط ایران به شدت سرکوب کرده است، هم‌اکنون که بیش از هر زمان دیگر در برابر نارضایتی عمومی و مبارزات او جگر برنده توده‌ها قرار گرفته

سخن از "صلح و صفا" و "رندگی" ارافتمندان - می‌گوید و خواهان باز شدن درهای اصطلاح رحمت بر روی گروه‌های انقلابی می‌گردد! در اینک شما می‌بینید این جمله پر از زبانه‌های آیت‌الله خمینی دروغی بیش نیست و ضمیر دا موکلس رژیم جمهوری اسلامی همچنان بر سر توده‌های زحمتکش ما آویخته خواهد ماند، کوچکترین تردیدی نمی‌توان داشت و اینسرا کارگران و زحمتکشان و خلقهای تحت ستم ما با پوست و گوشت خود در طول این دو سال لمس کرده - اند و با یرنگات مندرج در همین پیام آخر خمینی نیز آنجا که با هتدرا و اخطار به توده‌ها از آنان می‌خواهد که دست از با خطا بکشند و از ارتش و سپاه پاسداران را بر سر و قتلان بفرستند، جملگی در تائید همین مسأله است. اما همان‌طور که اشاره کردیم، نکته برجسته این پیام نه تائید سرکوب، بلکه بر روی جنبه عوام‌فریبانه صلح و شایش و اصطلاح کنار آمدن با رژیم جمهوری اسلامی است. و این نیست مگر در نتیجه اعتلا انقلابی جنبش توده‌ها و ضعف و ناتوانی و عدم امکان رژیم به تثبیت قدرت خود و سرکوب متمرکز جنبش توده‌ای.

ما در گذشته و سیزده در هفته‌های اخیر از این مسأله سخن گفتیم و با تحلیل از شرایط جامعه وضعیت قدرت سیاسی و سطح جنبش توده‌ای، توضیح دادیم که این جنبش توده‌ای در متنی از اعتلای انقلابی بر میسر و هر روز که می‌گذرد توده‌های وسیعی از کارگران و زحمتکشان و توده‌های خلق ما با فرو ریختن توهمشان نسبت به رژیم جمهوری اسلامی، از آن کنده می‌شوند و این بنوبه خود رشد و گسترش با زهم بیشتر جنبش توده‌ای را از یک سو و ضعف و ناتوانی رژیم را از سوی دیگر بدنشال خواهد داشت. هم‌اکنون پیام اول دیماه خمینی و آنچه که در بالا از آن یاد کردیم، مهر تائیدی است بر صحت نظرات گذشته ما و تائید مجددی است بر ناتوانی و درماندگی رژیم جمهوری اسلامی از دستیابی به تمرکز قدرت سیاسی و امکان سرکوب متمرکز و همه‌جانبه جنبش توده‌ای.

پیام اخیر خمینی در عین حال و علیرغم تمام می‌رزخواست‌ها و دستورالعمل‌هایش به ارتش و سپاه پاسداران در باره سرکوب جنبش توده‌ای و انقلابی، حقانیت تائید یک تعرضی ما را نیز در عرصه‌های مختلف جنبش نشان داد و ثابت نمود که در شرایط اعتلا انقلابی هرگونه حرکت تعرضی و تشنه‌جی، همانند آنچه در اول اردیبهشت ۲۳ دیماه در ارتباط با مسئله دانشکده و جنبش انقلابی دانشجویی صورت گرفت دشمن را یک گام به عقب رانده و متقابلاً جنبش توده‌ای و انقلابی را با شتاب بیشتری به پیش می‌راند.

ما زمان ما با حرکت از تحلیل فوق و با

اعتقاد کامل به ضرورت در پیش گرفتن تاکتیک تعرضی و با درس آموزی از تجارب راهپیمایی ۲۳ دیماه، بر آن است تا به همراه دیگر نیروهای کمونیستی، دو مین با لگد قیام را با برکزاری نظرات و راهپیمایی در تهران و شهرستانها هر چه با شکوه‌تر برگزار کنند. این راهپیمایی‌ها نشان قدرت صف نیروهای کمونیستی در برابر صف ارتجاع و تمام می‌نیروهای رویزیونیستی و ضد انقلابی و مشت محکمی است بر دهان باوه - کوبان و رویزیونیستهای رنگارنگ توده‌ای، اکثریتی و سجهانی و گامی است در جهت مطرح ساختن آلترناتیو کمونیستی و خط سرخ پرولتاریائی.

کارگران، زحمتکشان، توده‌های مبارز! با لگد قیام خونین ۲۲ بهمن را زیر پرچم سرخ کمونیست‌ها هر چه با شکوه‌تر برگزار کنیم.

ملاقات مجدد "اکثریتی" های خائن با "سخنگوی دولت"

در ماه گذشته، فرخ نگهدار و علی کشتگر از سرکردگان رویزیونیستهای مرتد "اکثریت" در ادامه آستانوشی شان در "بارگاه" رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و برای اثبات چاکریشان نسبت به جناح ارتجاعی "حزب جمهوری اسلامی" و مذاکره در مورد "ما موریتهای" احتمالی (!؟) (در منزل بهزاد نبوی سخنگوی دولت رجائی مروجع بعدت چندین ساعت با وی ملاقات میکنند رویزیونیست‌ها از جمله با گدائی از ارتجاع قصد دریافت اجازه فعالیت سیاسی "قانونی" را دارند و از قرار معلوم برای انتشار نشریه‌ای

علنی با رژیم به توافقاتی رسیده‌اند. بهزاد نبوی از "اکثریتی" های خائن برنامه اقتصادی خواسته و رویزیونیست‌های "اکثریت" ضمن پیشنهاد دینا به شان خواهان اجرای طرح ۶ ماده‌ای در کردستان (منظور طرح ۶ ماده‌ای خائسانه مشترک با حزب دمکرات برای زیر پا گذاشتن منافع خلق کرد می‌باشد) (کردیده اند که نبوی مروجع پاسخ داده تا قلع و قمع "کامیل گروهها" (بخوانید خلق قهرمان کرد و سازمانهای انقلابی) هیچ طرح و برنامه‌ای در آنجا اجرا نخواهد شد (زهی خیال باطل!)).

رویزیونیستهای مرتد "اکثریت" خیلی زود تجارب ارتجاعی "حزب توده" را در خیانت به منافع زحمتکشان و انقلاب توده‌ها یاد گرفته و بکار می‌پسندند. آنان دشمنان قسم‌خورده خلقهای زحمتکش هستند و با پادشاه و طرد کردند.

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

جنبش کارگری



اخبار کوتاه کارگری

بابل سر:

روز ۵۹/۱۰/۱۵ کارگران کا رخا نه فبیر
با بلسر برای دریافت مساعده خود اجتماع
کردند.

کا رخا نه طبق معمول جنگ را بهانه
کرده و از ترسیدن مواد اولیه صحبت میکند. اما
کارگران که فشا روز افزون مخارج کمزگن
زندگی آنها را بسته آورده بود، فریب او را
نخورده و مصرانه حق خود را طلب کرده و کار فرما
را تهدید نمودند که اگر مساعده شان را ندهد در
کا رخا نه خوا هندا ندوا جا زه خروج به او را هم
نخوا هندا د. با لافخه کار فرما مجبور میشود ۳۵
هزار تومان بودجه "دا دگا ه انقلاب" را به کارگران
بابت مساعده بپردازد. لازم تذکر است که از
چند ماه پیش که مدیر خصوصی کا رخا نه اخراج می-
شود، مدیریت آن بدست "دا دگا ه انقلاب" می افتد،
که بعلت بی توجهی اینها کا رخا نه در آستانه
تعطیلی قرار میگردد و حتی در تاریخ ۱۰/۱ /
کا رخا نه عملاً تعطیل میشود. اما مبارزه کارگران
برای نجات از بیکاری رشتن و دریافت حقوق و
مطالباتشان که کماکان ادا نمیدارد، تاکنون
مانع تعطیلی کا رخا نه گردیده است.

کنسرو سازی قانگ شهر:

اخیرا مدیرعامل کا رخا نه مطرح کرده
است که چون در گذشته بکارگران داشمی، زیادی
سود داده اند، در ماهی (دی ماه)، تعداد رشتند
از حقوقشان کم کنند، به طوریکه از حقوق بعضی از
کارگران تا ۳۰۰۰ تومان کسر میشود. این گفته
موجب اعتراض کارگران میشود. آنها از مدیر -
عامل میخواهند که در جلسه عمومی برای ایشان
توضیح دهد ولی مدیرعامل از ترس کارگران به
بهانه بیماری تاکنون از این عمل خودداری
نموده است. کارگران هم نمابنده ای به تهران
فرستاده اند تا در این مورد تحقیق کنند.

دارو پخش تهران:

فشارشدید کارگران رشتن شیشه شوی این
کا رخا نه موجب گردیده بود که کارفرما به بندی
عقب بپایند. این امر موجب گردید که مدیر-
تولید کا رخا نه اقدام به اخراج ۴ تن از کارگران
زحمتکش شیشه شوی بنماید. اما سایر کارگران با
حمایت قاطع از برادران خود، گوشه ای از
قدرت عظیم طبقه کارگران به نمایش گذاشته و
مدیر را وادار به عقب نشینی میکنند.
(بنتل از "پیکار" روزا "تشریح کارگران
تولیدارو، عبیدی، شیمیکو، دوبا، رای وی آی
(۰۰۰ و

کارخانه بایر: چگونه رویز نویستهای اکثریت مبارزات کارگران را به سازش میکشانند؟

در دوتوبت هر بار یک ماه دستمزد کارگران
تصمیم میگردد به عنوان اعتراض از گرفتن این
مبلغ خودداری نمایند. اما کار فرما که از طریق
عوا ملت از این تصمیم کارگران با خبر میشود
بفیه در صفحه ۸

کارگران کا رخا نه با برخواهان دریافت
۴ ماه سود ویژه هستند. اما مدیریت کا رخا نه
با توسل به قوانین ضد کارگری رژیم جمهوری
اسلامی، عنوان میکنند که فقط ۲ ماه دستمزد
به عنوان پاداش به کارگران خواهد داد. آنهم

کم کردن حقوق کارگران به بهانه جنگ و مبارزه کارگران

● زیرآب:

میخواهند که حقوقشان را طلب نکنند. اما کار -
گران مبارزه موقع به افشای آنها و عوامفریبی-
های رژیم پرداخته میگویند: در جنگ فرزندان ما
کارگران و زحمتکشان کشته میشوند و مخارج جنگ
را ما می پردازیم در حالیکه سرمایه داران نه
کشته میشوند نه از سودشان کم میشود ما دیگر
فریب این حرفها را نمیخوریم!
کارگران اعلام میکنند که اگر خواسته های
را نپذیرند اعتماد نخواهند کرد. خواسته های
کارگران عبارت بودند از: پرداخت ۱۲۰۰ تومان
اجرای طرح طبقه بندی مشاغل به سود کارگران
، گرفتن ۷۲ ساعت اضافه کاری و گرفتن حقوق
دوروز برای پنجشنبه ها

مهندسین رژیم که هشیاری و اتحاد کارگران
را می بینند اظهار میکنند که کارهای نیستند
بنا بر این چندتن از نمایندگان کارگران به
همراه این چهارتن به تهران می آیند و سرانجام
موفق میشوند دولت را وادار به عقب نشینی
نمایند. ولی بعد از مدتی مدیرعامل مسئله
حقوق دوروز در پنجشنبه ها را نمی پذیرد. اما
کارگران همچنان یکپارچه روی خواست خود
پافشاری میکنند و مبارزه شان کماکان ادامه
دارد.

(۳) - لازم به تذکر است که اغلب کمکهای جنسی
مردم به جنگزدگان توسط دولت به آنها فروخته
میشود! سرنوشت کمکهای نقدی هم معلوم نیست
که چه میشود؟

در آغاز جنگ رژیم توانست با سوء استفاده
از توهمات کارگران در عرض ۲۴ ساعت ۱۶ تن
خوا رو با رومبلغ ۱۲۰۰۰۰۰ تومان پول به نام
کمک به آوارگان جنگ (۳) از کارگران جمع آوری
کند. دوما بعد هم صندوقی برای کمک به جنگ -
زدگان گذاشتند که با زهر کارگر مبلغی در آن
ریخت. اخیرا با زبیه بهانه جنگ اعلام کرده اند که
دولت بودجه ندارد و بنا بر این از این به بعد
مبلغ ۱۲۰۰ تومان از حقوق کارگران کم میشود
کارگران که کمکهای مذکور را از روی نوع-
دوستی میدادند و فکر میکردند که بدست هموطنان
جنگ زده شان خواهد رسید، اینبار رمتوجه شو-
استفاده دولت از احساسات نوع دوستانه شان
شده و دهان به اعتراض گشودند. آنها همگی جمع
شده و به رئیس معدن میگویند: اگر تا ۲۴ ساعت
وضع ما را روشن نکنی در معدن را بسته و مانع
ورود تو و همکارانت به معدن میشویم. رئیس
معدن که با خشم و یکپارچگی کارگران مواجه می-
شود از آنها سه روز مهلت میخواهد. بعد از سه روز
چهارمهندس از تهران می آیند (که یکنفرشان
رئیس معدن کرمان میباشند که بعلت اعمال ضد
کارگریش مورد حمله کارگران کرمان قرار گرفت
و در این جریان محافظش کشته میشود. بعدا به
تهران می آید و معاون مدیرعامل ذوب آهن
ایران میشود!)
این چهار نفر هم نظاره کارکنان منتظر میرفت با
صحبت از جنگ و وضع بد مملکت و... از کارگران

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

دریپهای جنش کارگری



نگاهی به تجارب یکساله ونیمهٔ کانون شوراهای کارگری شرق تهران (۱)

"کارگر به تنهایی ناتوان و در مقابل سرمایه‌داران که ماشین را یکبار میگرداند، بی‌دفاع است. کارگر با پدیده هر قیضی که شده است و سائل مقاومت در برابر سرمایه‌دار را باید تا از خود دفاع کند، و این وسیله را در سازمان میابد. او به تنهایی ناتوان است، کارگر و قوتیکه با رفقای سازمان یافت قدرتی میشود و قوا در است که با سرمایه‌دار به نبرد ببرد و زود در مقابل حمله و مقاومت کند." (لنین - اتحادیه‌های کارگری).

رشد سرمایه‌داری در ایران و غلبه مناسبات سرمایه‌داری و وابسته بعنوان مناسبات حاکم بر جامعه، بعد از فرم امپریالیستی شاه در سال ۴۱، موجب رشد طبقه کارگر ایران گردید. دهقانان و ورشکسته‌وی زمین بسوی شهرها روان گشته و مبدل به سپاه ذخیره کارگردیدند. سرمایه‌های امپریالیستی به کشور سرازیر شده و به همراه سرمایه‌های داخلی در صدد استفاده هر چه بیشتر از این نیروی عظیم کارگران، برآمدند کسب مافوق سودهای کلان امپریالیستی از یکطرف و تجاری بی حساب منابع زیرزمینی کشور (بخصوص نفت) از طرف دیگر، لزوم برقراری یک حکومت سرکوبگر و خشن را برای امپریالیستها بیشتر می نمود. بدین لحاظ موجودیت رژیم پاشی چون رژیم شاه‌خان و دیکتاتوری عربانش از ویژگیهای دوران رشد سرمایه‌داری در ایران است. این امر مانع بزرگی بر سر راه آگاهی و شکل طبقه کارگر ایران ایجاد نمود. علاوه بر این ریشه دهقانی داشتن اغلب کارگران و به عبارتی دیگر جوانی طبقه کارگر که از لحاظ کمی رشد چشمگیری داشت، نیز مانع هماهنگی این رشد با شکل و آگاهی این طبقه بود. حال اگر در کنار این عوامل ضعف شدید و انحرافات حاکم بر جنبش کمونیستی ایران را نیز اضافه کنیم علل مبارزات خود بخودی طبقه کارگر در طول سالهای اخیر، بهتر در خواهم یافت.

مع ذلک مبارزات کارگران چه در دوران اختناق رژیم شاه که عمدتاً بصورت منفی بوده و به سرکوبی آن منتهی میگردد، چه در دوران طوفانهای انقلابی اخیر که ضربات زیادی بر

پیکر نفوذ رژیم سلطنتی وارد آمد، ادامه داشت. کارگران در زمان رژیم شاه، غالباً از تشکلات منفی - سیاسی خود محروم بودند. اغلب سندیکاها و اتحادیه‌های آن زمان، تشکلات زرد و فرمایشی ساخته و پرداخته واک بودند. گرچه نیا به تشکلات واقعی روز بروز بیشتر احساس میشد ولی وجود تشکلات ضد کارگری زمینه‌ی اعتمادی کارگران را نسبت به تشکلات کارگری بوجود آورده بود. این امر به پراکندگی طبقه کارگر در زمان زده و بصورت مانعی در مقابل حرکت آگاهانه کارگران در میاید.

اعتلای انقلابی و بعد از آن بوجود آمدن موقعیت انقلابی در جامعه، تا شیزیدای بر روی جنبش کارگری میگذارد. تشکلات مختلف کارگری یکی پس از دیگری در عرصه مبارزه شکل میگیرند و رهبری مبارزات توده‌های کارگران بدوش میکشند. اما نبود سازمانی از انقلابیون کمونیست که رابطه تنگاتنگی با طبقه کارگر داشته باشد و در جریان مبارزات پدید آمده و رهبری مبارزات را برعهده بگیرد، بعنوان علل تعیین کننده و همچنین کم تجربگی و جوانی طبقه کارگر، مانع از آن میگردد که مهر رهبری این طبقه بر پیشانی انقلاب خورده شود. اما بهر حال دوران انقلابی مذکور، دوران شکوفائی جنبش کارگری و دوران رشد سازمانهای کارگری بود. توده‌های کارگر با شور و شوق از تشکلات کارگری استقبال میکنند و پیشروان طبقه نیز به سازمانهای سیاسی جذب میشوند، که این امر بنوبه خود در تقویت تشکلات توده‌ای کارگری موثر واقع میشود چرا که عنصر آگاهی تا حدودی در این تشکلات وارد میشود.

کارگران که طبقه سرمایه‌دار را متزلزل و زخم خورده می بینند دست به تفرعات متفاوت بر علیه آنها میزنند و امتیازاتی کسب میکنند در برخی از کارخانجات کارگران کارفرمایان را از کارخانه اخراج کرده و خود به اعمال نظارت و کنترل کارگری میپردازند. جود سرمایه‌داری و سرمایه‌دار تشدید میشود و اوج خود را در تظاهرات با شکوه اول ماه مه ۵۸ به نمایش میگذارد. رژیم جدید که وظیفه پاسداری و تحکیم سرمایه‌داری

و بسته را برعهده میگیرد، رشد مبارزات کارگری را در مقابل منافع خود پدیده و به انواع طرق در مدد سرکوب و به انحراف کشاندن آن بر میاید. حمله به تجمعات و راهپیمایهای کارگران بیکار و ناغل و دستگیری و کشتن آنان از یکسودا من زدن به تبلیغات عوام فریبانه مبنی بر "فد انقلابی" خواندن کارگران مبارز و نیروهای کمونیست و انقلابی از سوی دیگر، از جمله اعمال سرکوبگرانه و ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی بود که در کنار سرکوب سایر توده‌های انقلابی صورت میگرفت.

مع ذلک کارگران به مبارزات خود ادامه داده و در زمینه ایجاد تشکلات کارگری گامهای قابل توجهی برداشتند، که علیرغم ضعفها و نارسائیهایشان، تجاری گرا نباشد برای طبقه کارگر ایران به حساب میآیند. از جمله این تشکلات، میتوان از "کانون شوراهای متحد"، سندیکای کارگران پروژه‌ای آبپاشان، تشکلات "خانه کارگر" و "کانون شوراهای شرق تهران"، نام برد که بررسی چگونگی روند تشکیل هر یک و نقاط ضعف و قوت آنان بسا لازم و بجا ارزش است. ما در اینجا سعی میکنیم به بررسی تجارب "کانون شوراهای شرق" بپردازیم:

کانون شوراهای چیست و

زمینه پیدایش آن کدامند؟

بعد از قیام و روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی، که کمترین ماهیتی سرمایه‌دارانه داشت بعلمت تدابیر و ممانعت اقتصادی جامعه، علیرغم توهم توده‌ها به نسبت به رژیم منجر به افت نسبی مبارزاتشان گردید، مبارزات کارگران در اشکال مختلف ادامه یافت (اخراج کارفرمایان و بدست گرفتن کنترل بخشی از کارخانجات توسط کارگران، تظاهرات کارگران بیکار و...) ولی رفته رفته این نمونه‌ها نیز مورد سرکوب قرار میگرفت و ضرورت اشکال نوین مبارزاتی و تغییر تشکلات کارگران بوجود آمده به همین دلیل سندیکاهایی بوجود آمد که نام "شورا" بر روی آنها بود. اما از آنجا که این شوراها از دل مبارزات انقلابی توده‌ها برخاسته بودند عناصر مبارز و انقلابی را در خود جمع کرده بودند و لذا رژیم پاسدار سرمایه‌داری و وابسته در صدد سرکوبی آنها و جایگزینی تشکلات دست‌نشانده خود بجای آنها برآمد. بنا بر این با تصویب قوانین ضد کارگری از یکسوی سرکوبی ارگانهای واقعی کارگری از سوی دیگر، رژیم تلاش نمود تا قصد خود را به مرحله اجراء آورد. اما این یورش ارتجاع با مقاومت کارگران و فروپاشی روز - افزون توهما نشان مواجه گردید. مبارزات کارگران اگر چه غالباً اقتصادی بود، ولی کمترین آدا مایافت. این مبارزات اشکال نوینی از شکل طبقه کارگری طلبید، که از جمله آنها اتحادیه‌های کارگری (کانون شوراهای

بقیه در صفحه ۷

یاد رفیق پیشمرگه پیکارگر شهید صادق بهمنی گرامی باد

اطلاع یافتیم که پیکارگر دلیر
پیشمرگه قهرمان رفیق صادق بهمنی
در کامیاران بشاد است رسیده است. ما ضمن
گرامیادداشت خاطره رفیق صادق، مشروح
زندگی پرافتخار و سرشار از مبارزه و جریان
شهادت را متعاقبا به اطلاع خواهیم رساند.
درود بر تمامی شهدای جنبش مقاومت
خلق کرد!

عملیات نظامی پیشمرگان انقلابی پیکار

۵۹/۱۰/۱۶ - یک دسته از پیشمرگان قهرمان
سازمان پیکار (دسته شهید تیمور) در پی چند روز
کمون گذاری در جاده سفر - با سه موفق شدن یک
سئون شامل ۷ کامیون ارتشی را که از سقز
بطرف با سه حرکت ممنوعه کمین بیاندا زند.
اولین کامیون ریل که با نارنجک انداز و سلاح
- های سنگین مورد حمله قرار گرفت از کار افتاد
و تمامی سرنشینان آن کشته و زخمی گردیدند.
درگیری با نیروهای ارتشی و پاسداران از یک
ساعت ادامه داشت و پیشمرگان موفق شدند
ضرباتی دیگر بر نیروهای سرکوبگر رژیم ضد
خلق و اردو وارد آورند. بطوریکه ستون مجبور به
با رگشت به سقز گردید. در این حمله بیش از ۹ نفر
از افراد ارتش مدخلقی و پاسداران ارتجاع
کشته و زخمی گردیدند. تمامی پیشمرگان به
سلامت و با بیگانه های خود بازگشتند و در مسیر
عبور خود مورد استقبال توده های زحمتکش
روستایی قرار گرفتند.

● مهیاد

۵۹/۱۰/۲۵ - عصر این روز یک دسته از
پیشمرگان قهرمان سازمان پیکار به شهر
مهاباد دوازدند. پیشمرگان بیش از یک ساعت
در یکی از مناطق شهر دست به تبلیغ و افشای
زندگی با استقبال اهالی منطقه روبرو شد.
پیشمرگان با هیت رژیم و عملکردهای مشخص آنرا
در شهر مهاباد افشا نموده و پیرامون ماهیت
ارتجاعی هر دو جناح هیات حاکمه و علل اختلافات
آنها توضیحاتی دادند.

سپس پیشمرگان قهرمان حدود ساعت ۹/۳۰
شب به مقر سپاه پاسداران و جانشینان
حمله نموده و با نارنجک انداز و سلاحهای سنگین



خلق ها و مسئله ملی

خاطره تحمین یک ماهه مردم دلاور سنج پشکوه باد

پایان پذیرفت، این پیروزی منت محکمی
بسردها ن ارتجاع حاکم و پاسا بکرفت لایزال
نوده ها بود مردم مصمم سنج در این محسن و
اعتصاب عمومی آبدیده شدند و یکبار دیگر
و غم آهنگین خوش را در ادامه مبارزه و مقاومت
از پیش در مقابل سرکوبگران مدخلقی نشان دادند.
اکنون سنج بعد از تقدیم مژدها شهید و
مخروج در راه پیروزی جنبش مقاومت در ریسر
چکمه مزدوران رنگارنگ رژیم جمهوری اسلامی
همچنان به مقاومت و مبارزه خود ادامه میدهند
ما ضمن بزرگداشت اولین سالگرد جنبش پشکوه
مردم سنج در سال گذشته خاطره نما مژدهای این
شهر دلاور و پیرو را گرامی میداریم و مطمئنیم که
مردم قهرمان این شهر یکبار دیگر غم و اراده
بولادین خوش را در مبارزه علیه ارتجاع حاکم
نشان خواهند داد و سنج را به گورستان
مزدوران آن تبدیل خواهند نمود.
(پیکارگر درستان شماره ۵)

۱۱ دی ماه امسال، اولین سالگرد تحمین
تاریخی مردم دلاور سنج است. سال پیش در
چنین روزی پاسداران ارتجاع مستقر در پاسگاه
امیران سنج در ادامه اعمال ضد مردمی خود
خشمگین از نفرت توده ها نسبت به خود و حضور
پیشمرگان در شهر، بدون دلیل و سبب دست به
تیراندازی بطرف مردم شهر زدند و چهار نفر را
بشهادت رساندند و با عت مجروح شدن عده ای
دیگر گردیدند. این عمل وحشیانه چنان خشم و
نفرتی در میان مردم شهر بوجود آورد که از فردای
آنروز تمام مغازه ها و ادارات شهر تعطیل شد و
مردم به تحمین در استان داری دست زدند. آنها
خواهان خروج پاسداران جنا پشکار از شهر
بودند. به این ترتیب اعتصاب عمومی تمام
شهر را فرا گرفت. تحمین و اعتصاب عمومی مردم
دلاور سنج علیه غم نما مژدها مذبوحانه
ارتجاع حاکم برای به شکست کشاندن آن یکماه
ادامه پیدا نمود و بالاخره نیز با موفقیت آنها

من میهمان پیشمرگه ها بودم

خاطرات یک ارتشی، از دستگیری و اقامت در کنار پیشمرگه های کومله

ولی پیشمرگه ها آنها را به خونریزی دعوت می
کردند و میگفتند "حتما ما باید مثل خودمان مقدس
باشیم".
بعد از چند ساعت درجای دیگری، در دست
کومله بودم، به گذشته و حال خود فکر میکردم.
میگفتم "نما مر سح ها را باید ما قهر سحاره ها
تحمل کنیم" بهر حال آرام گرفتیم و وضع برایم
کمی عادی شد. به علت کمی جا و لکردها و جافو -
کنان و... راه اطاق ما میا آوردند، با آنها به
مهربانی صحبت میکردند و راهمائی تان می -
کردند، دعوائشان را حل و فصل میکردند و این
برای من تارگی داشت. احساس کردم که این
"سازمان" در سن مردم خیلی جا دارد جای من هم
منخص شود و مقررات محلی را هم برایم توضیح
دادند. در یک دره مستقر شدیم و در جاده مکانشان
بقیه در صفحه ۶

"درا و اخرو در دین ماه امسال بعد از آنکه
ارتش سپاه "دعای" از مرزها، کردستان را مورد
تهاجم قرار داد ما را سیر با سوز و کربا برای
"مبارزه با ضد انقلاب و "حک با کفار و "عمل
بعث عراق" روانه کردستان کردند. اغلب سربا
ها و در جاده را ن حاصره گشتا خلق کردند و
فرماندها ن دستور حمله به شهر را میدادند و با
تهدید خواست خود را عملی میساختند. نا هید
بودم که در جاده داری را که حاصره تیراندازی نبود
در سراسر جناح و حش زده ما با سلاح کمری گشتند
اما من سرنوشت دیگری داشتم به دست پیشمرگان
"کومله" دستگیر شدم و در جاده طرا تم بکونه ای
دیگرو قور خوردم. هنگام انتقال به پاسگاه
پیشمرگه ها، از شهر... گذر کردم چهره های
خشمگین مردم را دیدم که با انتقام گشتا ر عزیز -
انسان بدست ارتش میخواستند به من حمله کنند

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



● مریوان

۵۹/۱۰/۴ - دودسته از پیشمرگان سازمان پیکا ربا خمبار و سلاحهای سبک به پایگاه نیروهای دشمن در "تیز تیز" حمله نمودند.

نیروهای ضد خلقی در پی این ضربه پیشمرگان قهرمان، در حالی که وحشتزده شده بودند، بدون هدف مشخص مناطق اطراف را با سلاحهای سنگین کوبیدند.

● سقز

۵۹/۱۰/۹ - ستونی از نیروهای سرکوبگر متشکل از ۷۲ کامیون ارتشی و یک آمولانس که بوسیله ۲ هلیکوپتر اسکورت میگرددند به روستاهای "کوندالان" و "مرخوز" و... در اطراف سقز یورش آوردند. این ستون که با سلاح قصد "پاکسازی" داشت دوتن از روستائیان را زخمی کرد. پیکار در منطقه مستقر میماند به محض شنیدن خبر حمله نیروهای رژیم به روستاها بطرف منطقه استقرار این نیروها حرکت نمودند و در روستاهای بین راه مورد استقبال وسیع بوده ها قرار گرفتند. اما نیروهای سرکوبگر رژیم قبیل از رسیدن پیشمرگان به منطقه روستاها را ترک نموده و به پایگاههای خود عقب نشینی نموده بودند.

در این جریان روحیه مبارزاتی مردم بسیار خوب بود. زنان روستائی همان شب به پختن نان پرداختند، تا در صورت درگیری، مواد غذایی به پیشمرگان برسانند. این امر نشان دهنده پیوند گسترده توده های زحمتکش با پیشمرگان انقلابی میباشد. (پیکا رکردستان شماره ۵)

● حمله پیشمرگان کومله به مقر پاسداران در مهاباد

۵۹/۱۰/۱۵ - در این روز چهار دسته از پیشمرگان کومله به شهر مهاباد وارد شده دست به پخش اعلامیه و خبرنامه زدند که با استقبال وسیع زحمتکشان شهر روبرو گردیدند. پیشمرگان سپس بعد از نیمه شب با سلاحهای سبک و سنگین حمله دلاورانه ای را به مقر پاسداران و ارتجاع مستقر در ماکروبو، رادیو و تلویزیون آغاز نمودند. که پیش از دو ساعت بطول انجامید. در جریان این حمله ضربات سنگینی بر نیروهای سرکوبگر وارد آمد. بعد از این حمله پیشمرگان با روحیه ای عالی در حالی که سرود میخواندند همگی به سلامت شهر را ترک نموده و به پایگاههای خود بازگشتند. (پیکا رکردستان شماره ۵)

● بقیه از صفحه ۵ من میهنان...

اما کساناتی که در اختیارمان بود، البته بطوریکه ن. زندگی در میان پیشمرگه بسیاری از حقایق را که برای ما و رونه جلوه داده بودند، روشن کرد. به صداقت پیشمرگه های میبدم و سعی میکردم از رفتار و گفتارشان بیاموزم. می دیدم انسانهای خوبی که با داشتن مدرک دکتری مهندسی و شغل هایی چون اسنادی دانشگاه، قضاوت و... حقوق های خوب و زندگی راحت را در شهرها ول کرده و با اینجا آمده اند و آستین با لا زده و به روستاها میروند. آنها را معانای در میان میکنند، به درد دلشان گوش میدهند و... به آنها علاقه مند میشدم و در مقابلشان احساس شرم میکردم. با فروتنی در کنار ما کار میکردند، برای ساختن خانه سنگ جمع میکردند، با ما غذا می خوردند. با دیگر قتیتم که خوب زندگی کردن را بیاموزم. برای تهیه غذا، ما میگری میگردیم در و پنجره ها را میساختیم. هر کس چیزی میدادست به دیگری یا میداد کمک های اولیه، یا نسیان و تزریقات را بخوبی یاد گرفته ام اگر پیشمرگه ای کوچکترین خطائی میکردیدون ترس در جلسه انتقادی مطرح میکردیم و پاسخ منطقی دریافت میکردیم.

نظم و ترتیب کارها را مشاهده کرده بود. آنان بر اساسی زبان گویای مردم کردستان بودند و به همین دلیل در دل شهری و روستائی و تمام مردم زحمتکش کردستان جای داشتند. ما از زندگی و مبارزه آنان میاموختیم ما هیئت عملکردهای رژیم کم کم بر ما روشن میشد، زندگی گذشته ما را در ارتش در پیش چشم مجسم میکردم و به بیهوده بودن آن پی میبردیم. در یافتن کشته ارتش دره ای برای ما ارزش قائل نیست. علنا به خانواده من گفته بودند که بهیچوجه حاضر به مبارزه در کواکبها نیستند.

در کلاسهای آموزشی، آگاهی سیاسی کسب میکردیم. واقعیت ها را بهتر درک میکردیم و توانائی های تجزیه و تحلیل گذشته و حال خود

را پیدا میکردیم. حرفهای پیشمرگه ها بدلهایمان می نشست. به ماهیت انقلابی کومله، سازمانهای دیگری پیکار، وحدت انقلابی و... پی میبردیم. از رفتارهای صمیمانه آنها با هم، مفهوم واقعی رفاهت را با دیگر قتیتم و با پی بردن به خواست های مردم کرد و در اثر نزدیکی روزمره با پیشمرگه ها به آنها ایمان میا وریم. می دیدیم که چگونه حزب توده و چریکهای فدائی "اکثریت" با چاپلوسی و قبحا به هیئت حاکمه و فحاشی به انقلابیون کرد، به مردم کردستان خیانت می کنند.

تسلیمات دروغین رژیم و حزب توده در مورد همکاری این سازمانهای انقلابی با عراق برایمان در عمل روشن میشد. پیشمرگه های قهرمان همچنانکه به هیئت حاکمه ارتجاعی کینه داشتند، از دولت های ارتجاعی و از حمله عراق نیز متنفر بودند. حتی شنیدن رادیو عراق را در کردستان تحریک کرده بودند. ادعای یوح هیات حاکمه و خائنین حزب توده در مورد اسلحه گرفتن کومله از بعضی ها "برای هموار کردن راه سرکوب جنش کردستان است. تمام سلاحهای پیشمرگه ها سلاحهای ارتشی بود. آنها را ما دیده کردیم. بودند. حتی در میان آنها توب و تانک هم وجود دارد. من سلاحهای نظامی را بخوبی میشناسم. مقداری هم سلاحهای روسی نظیر کلاشینکف داشتند که از کردهای عراق بقیمت نا زل خریده و علیه رژیم شاه بکار برده بودند.

پیشمرگه ها میگفتند ما همانطور که با ارتش و پاسداران ارتجاع ایران میجنگیم، در مقابل رژیم ارتجاعی عراق هم می ایستیم. در حرفها - نشان جرقه های پیروزی را میدیدیم. بعد از هفت ماه که میمان پیشمرگه ها بودم در حالیکه شناخت واقعیت ها روشنائی بخش آینده ام بود. با اراده ایمانی آهنین به پیروزی زحمتکشان، بر میگشتم تا زندگی نویسی را از سر بگیرم. من از تاریکی و جهل بیرون آمدم و از آزادی و خلق قهرمان کردهستم. ۵۹/۹/۲۴

● بختیهای فاشیست بار دیگر کاروانیان بی دفاع را به گلوله بستند

عراق را به شهادت رسانده اند. همانطور که قبلا به اطلاعات رسانیدیم چندی پیش فاشیست های جمهوری اسلامی روستای "هلوی" را بارت بستند و نفراتشهادت رسانده و نفرات زخمی نمودند. بدنیال این حادثه در دناک عده ای از خمپه به بیمارستان سر دشت برده شدند ولی بنا به دستور فرماندار جنایتکار سر دشت که یک پاسدار است از مداوای آنها خودداری کردند و در همان حال به باج و جوشی از آنان پرداختند.

اینگونه اعمال جنایتکارانه با عیشت رسوائی هر چه بیشتر رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در منطقه است. (بمنقل از خبرنامه کومله شماره ۱۰۵)

چندی پیش عده ای از اهالی روستا های مرزی منطقه سر دشت جهت خریدما بحتاج زندگی به مرز ایران و عراق میروند که در هنگام بازگشت بین روستاهای "کاشی شینگ" و "دیلو" در مرز به کمین مزدوران بعث افتاده و مورد هجوم واقع شدند. در این حمله یک نفر از کاروانیان بنام "احمد ملازه" به توسط مزدوران بعث دستگیر و پس از غارت دارائی و اشیای را همانجا به شهادت رساندند. بقیه کاروانیان موفق به فرار شدند ولی سیران بعث ۲۰ الی ۳۰ را ساقط کرده - نشان را تلف کردند.

بعثت های مزدور در طول ماههای گذشته بارها مرتکب این جنایات شده اند و تا کنون تعداد زیادی از کاروانیان کردستان ایران و



بقیه از صفحه ۴ گاهی...

اما مسئله مهم اینجا است که اتحاد دو تشکیلات کارگران، بعد از زحمات و زحمات بسیار بوده و از جهت عواملی تبعیت میکند؟ البته این موضوع را بزرگ طبقه کارگر میگوید:

"در آغاز فعالیت سندیکا، کارگران هر حرفه در یک سندیکا متشکل میشوند، ولی با رشد سرمایه داری، تمرکز سرمایه و تولید تجمع گروههای مختلف سرمایه داری در بخشهای مهم صنعتی ایجاد کارتلها، تراستها و... انحصارات عمودی و افقی... سندیکاهای مختلفی که بر حسب حرفه های گوناگون بوجود آمده بودند، در سازمانهای صنفی بزرگتری مجتمع گشتند، منطق مبارزه طبقاتی کارگران را بسوی تشکیل سندیکا بر حسب رشته های صنعتی سوق داد." (۱)

بنابراین اولاً با بدو وضعیت مشخص سرمایه داری، تمرکز سرمایه و تولید، را در جریان تشکیل سندیکاها و اتحادیه ها در نظر داشت و ثانیاً با بدو جهت ایجاد سندیکاها و اتحادیه ها بر مبنای رشته های صنعتی حرکت نمود. مثلاً در ایران رشته صنعت نفت شکل خاص خود داشته است که بر اثر ضرورت مبارزه بوجود آمده است. اما رشته های دیگری نظیر حمل و نقل و راه آهن، ساختمان، ماشین سازی و ترمیم سازی، صنایع ریسندگی و بافندگی و... اتحادیه های خود را تشکیل داده اند.

بطور کلی با بدو یک گام از این رشته های صنعتی دارای کارفرمایان متشکل نیز میباشد. یک نظر اجمالی به وضعیت سرمایه داران پس از قیام نشان میدهد که اولاً به علت فراوانی صنایع بزرگ، اکثریت این صنایع در دست دولت متمرکز شده است. ثانیاً دولت در بخشی از صنایع که روبرو ورشکستگی میرفتند و کارفرمایان آنها باقی مانده بودند، سپیم شده است. ثالثاً در بخشهای دیگری مثل دارو سازی که کارگران متعلق به سرمایه های امیربالیستی هستند، مدیران دولتی را بکارگزاران دارند. بنا براین میتوان گفت که دولت هم اکنون بر بیشترین رشته های صنعت و تولید تسلط مستقیم دارد و وحدت و تشکیلات کارفرمایان صنعتی در دولت متجلی است. بنا براین در اکثر مراکز و واحدهای تولیدی کارگران مواجه و در دولت هستند.

چهره رشته های کارگران بخشهای مختلف را بیکدیگر پیوند میدهد؟

با بدو دیدن کارگرانی که از نظر موقعیت اقتصادی و آگاهی طبقاتی در سطوح مختلفی قرار دارند، چه زمینه ای برای اتحاد وجود دارد؟ مثلاً کارگران بعضی زکار خنات توانستند

۵ ماه سود ویژه دریافت کنند در حالی که به کارگران ساختمانی اصلاً سود ویژه ای تعلق نمیگیرد. کارگران کارخانجات هم بیش از حق ممکن، سرویس ایاب و ذهاب، ناهار خوری، بیمه، کار دانه و سایر مزایا استفاده میکنند. در حالی که کارگران ساختمانی از بسیاری از این مزایا محرومند. همچنین بسیاری از ناهارهای دیگر، حال با بدو یک جمع شدن کارگران از واحدهای مختلف صنعتی و تولیدی در یک تشکیلات مانند کانون شوراها از روی چه ضرورتی صورت میگیرد و رشته های پیوند میان این کارگران کدامند؟ مسئله را در مورد مشخص مورد مطالعه قرار میدهم:

۱- مسائل اقتصادی:

اینگونه مسائل را به دو نوع می توان تقسیم نمود: نخست خواسته های اقتصادی که در شرایط مشخص یک کارخانه مطرح میشوند مانند گرفتن حق ممکن ۷۵۰ تومان در ماه، که علی رغم آنکه تحت تاثیر یک طبقه کارگر میباشد، ولی در هر کارخانه بشکل خاصی بروز میکند. نوع دوم مبارزه حول شعارهای است که هر ساله بصورت دوره ای طرح میشوند و جنبه عمومی دارند مانند سود ویژه و افزایش دستمزد.

الف - نوع اول: این مبارزات حتماً روی کارخانجات مشابه اثر میگذارد مثلاً کارگران کارخانجات "ایپا" چون با کارگران "ایران" - ناسیونال - شرایط و اوضاع مشترکی را می یابند، لذا مبارزات اقتصادی آنها را دنبال میکنند و بالعکس.

فرعاً با بالا رفتن حق ممکن در یکی، حتماً روی دیگری تاثیر میگذارد و کارگران این یکی را نیز طلب افزایش حق ممکن می نمایند. اما این افزایش حق ممکن روی کارگران دیگر

نظیر کارگران ساختمانی، بسیار کم اثر است. مثلاً در کارخانهای کارگران تحت تاثیر آشنا شدن با یک کارخانه مواد غذایی که کارگرانش از مزایای نسبتاً بالایی برخوردارند، خواستار حق ممکن بیشتر میشوند ولی تنها پند خود فروخته - شان تحت این عنوان که "اگر در آن کارخانه کارگران ۷۵۰ تومان حق ممکن میگیرند، بنابراین فروش سرمایه و مواد غذایی است و ووشش با کارخانه ما فرق دارد!" کارگران را قانع میکند در صورتیکه اگر کارگران تحت تاثیر هم رشته خود بودند، حتماً با فشار بیشتری برای کسب حق ممکن بیشتر میکردند.

بدین ترتیب با مشاهده ترکیب "کانون شوراها" می بینیم که این تشکیلات کارگری، از کارگران ساختمانی گرفته تا کارگران معدن، کارگر بیکار و کارگران واحدهای صنعتی، همگی را گرد خود آورده بود. بنا براین طبیعی بود که مسائل مشخص و مشترکشان بسیار کم باشد. لذا نمی توانست پیوند مستحکم بین کارگران برقرار کند.

ب - نوع دوم: مسائل مبارزاتی کارگران مانند سود ویژه یا افزایش دستمزد، میتواند کارگران را از هر رشته صنعتی حول خود جمع کند اما مسئله اینجا است که چگونه تشکیلاتی برای سازماندهی مبارزات کارگران لازمست؟ البته کبیر در این باره میگوید:

"تنها سازماندهی توده ها در عرصه جنبشها است که به حد کافی میتواند کارگران را بسیج کند و آنها را برای پیروزی نهایی آماده سازد. اهمیت عمل توده ها تنها در نتایج و شمرات بلاواسطه نیست، بلکه بطور عمده در این است که توده های کارگر را بسیج و متشکل میکند." (درباره سندیکای طبقاتی).

بنابراین این سوال پیش میاید که دلیل وجودی تشکلاتی چون "کانون شوراها" شرقی که از تجمع نامتجان کارگران تشکیل شده است، چیست؟ آیا کانون شوراها میتواند وظیفه یک اتحادیه واقعی یعنی رهبری مبارزات طبقاتی کارگران را با چنین ترکیبی انجام دهد؟ آیا قادر است به تعرض علیه بورژوازی یا بخشهای از آن بپردازد؟ آیا اینک تنها میتواند انداختن تدافعی داشته باشد؟

در برنا عمل بین المللی سندیکاهای سرخ چنین آمده است: "سندیکاهای حرفه ای (ایپا) انجمنها در رده اول افراد یک صنف مشخص را در بر میگرفتند و از همین روشنی گری تشکیلاتی نظرات، نقطه حرکت تشکیل سندیکاهای کارگری شد. (که در طول سالها درازی بوجود آمده بودند تبدیل به ارگانهای دفاعی طبقه کارگر شدند. سندیکاهای در اشکال جنبینی خود مند و قوا

(۱) - درباره سندیکای طبقاتی صفحه ۲۲ - تاکیدها از ما است.

منتشر شد

راهپیمایی سوم دی:
تقریر انقلاب
علیه ضد انقلاب

پیکار

و حیات و اجتماع
روایتی از جنبش
لیکچر
مجاهدین
تسلیم فکلی
راه کارگر

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر



← نگاهی...

انجمنها می بودند که هدفشان تعاون متقابل بود و نه مبارزه طبقاتی. "بطور کلی میتوان چنین گفت که: در ابتدا بعلمت رشدنا کاسی سرمایه داری، عدم وجود موسسات بزرگ صنعتی و نتیجتاً پراکنده بودن کارگران، کارگران بر حسب حرفه خود متشکل میشدند و مثلاً سندیکای قالب گیران را بوجود میآوردند، کارگران قالب - کبریا کارگران تراشکار رشته انداخته زیرا در موسسات جداگانه ای مشغول بکار بودند ولی رشد صنعت تمرکز صنایع را بوجود آورد و کارگران یک حرفه را بناچاراً بهم جدا کرد و مثلاً قالب گیران یک کارخانه ها و رسانی با قالبید کبریا یک کارخانه ها و رسانی، رشته انداخته کسب و کاری در عوض رشته های اتحاد جدیدی بین قالب گیران یک کارخانه ها کارگران فلزکار، تراشکار، برادر خنک را، آبنکار، روپرکار، رهمان کارخانه ها بوجود آمد، بنا براین تشکیلات قدیمی کارگران نیز در گروگون شده های خود را به تشکیلات نوینی داد، در برنام عمل بین المللی سندیکا های سرخ آمده است: "به این ترتیب منطقی تکامل سرمایه داری و بخصوص آن سرمایه داری که به درجه عالیتری از تکامل رسیده بود، نوده های کارگری را بسوی ایجاد تشکیلات جدیدتری از تمرکز سندیکا می سوق داد."

اما کارگران شوراهای شرق به براساس تمرکز تولید و نه براساس حرفه، بوجود آمده بود، بنا براین باید دید که این اتحادیه ها حیاتی چه نقشی در پیشبرد دور هری مبارزات کارگران میتوانست ایفا کند؟ با اصولا مبارزات طبقه کارگر و با اتحادیه های سرمایه داران مختلفه نا حیاتی است؟ چه رشته هایی بین کارگران یک منطقه اتحاد دوزهای برقرار میکنند؟ با توجه به این مسائل درمی یابیم که اگر تشکیلاتی چون کارگران شوراهای ما نتدیک شکل گذرا بر خورد بشود و اگر در جهت ایجاد تشکیلات مناسبی که از یک طرف براساس وضعیت سرمایه داری در کشور و از طرف دیگر براساس وضعیت مبارزات طبقه کارگر طرح ریزی شده باشد، حرکت نکند، اینگونه تشکیلات نخواهند توانست با سخگوی مبارزات اتحادیه ای کارگران باشند، اما از آنجا که ممکن است گفته شود جزئیات سیاسی رشته پیوند بین کارگران این بخش مسئله نیز پیروا زیم است به بررسی این بخش مسئله نیز پیروا زیم.

۲- مسائل سیاسی:

آنچه که از بررسی شرایط جامعه بعد از قیام مشاهده میشود، وجود جو سیاسی حاکم بر جامعه است اما سیاست جناری، سیاست طبقات ضد انقلابی است مبارزات طبقه کارگر نیز بعلمت عدم وجود حزب طبقه کارگر،

نظام سرمایه داری قربانی
دیگری گرفت

با ردیکر نظام پیوسیده سرمایه داری یکی از کارگران زحمتکش را قربانی نمود. "حسن - صدیقی" کارگر مونتاز کار کمیلکس اسکلت فلزی که دارای ۱۰ سال سابقه بود در اثر عدم وجود وسائل معنی جان خود را از دست داد. میلما این اولین بار نیست که کارگران و زحمتکشان فدای سودجویی بیشتر سرمایه داران میشوند و آخرین بار هم نخواهد بود. ولی آنچه مهم است ضرورت نجات ستمدیکان از بندهای حاکمه طبقاتی است و این هم بدست نخواهد آمد مگر با مبارزه یکپارچه و آگاهانه توده ها تحت رهبری طبقه کارگر، برای برقراری سوسیالیسم!

ما ضمن تسلیم به مازمانندکان "حسن - صدیقی" و شما می کارگران، بیمن می بندیم که تا پای جان در راه آزادی طبقه کارگر بیکار کنیم!

مبارزات سیاسی این طبقه نبوده و کمالکان با اقتضای است و با اینکه از سیاست طبقه خود محروم است، در اینجا لازم است که نمونه هایی از حرکات سیاسی کارگران را مورد بررسی قرار دهیم:

در جریان اشغال سفارت آمریکا و موج راهپیمایی ها بسمت سفارت، کارگران نیز تصمیم گرفتند که راهپیمایی بسمت سفارت را ترتیب دهد. حدود دوهزار کارگر از ۱۴ کارخانه در این راهپیمایی شرکت کردند و شعارهایی برای طول راه پیما می در نظر گرفته شده بود، اما پس از آغاز راهپیمایی، هدایت و شعارهای آن کاملاً از دست ترتیب دهندگان آن خارج شد و بدست توده های کارگران افتاد که آنها هم را شعارها و جویو بورژوازی (و خرده بورژوازی) برجا میآوردند و بدین ترتیب همونی آنها، شروع به تکرار این شعارها کردند. صرف نظر از اشکالات فنی راهپیمایی که طبیعتاً نمیتوانست نقش تعیین کننده ای داشته باشد، مسئله اینجا است که کارگران بین کارگران و رژیم هیچ تفاوتی حس نکردند و حتی براساس توهمی که در آن زمان در میان توده ها درازده شده بود، تعداد کارگران کارگران بعد از راه - پیما می افزایش یافت. واضح است که تا زمانی که سیاست طبقه کارگران بر آن حاکم نباشد، تحت تاثیر دنیای لبروسا ستها می بورژوازی خواهند بود. بنا براین تحت چنین شرایطی (که هنوز طبقه کارگر از حزب رهب - ری - کننده خود محروم است)، مسائل سیاسی نیز نمیتوانند به شکل طبقه ای نظیر کارگران شوراها باشند. مگر آنکه به نفی ضرورت استقلال سیاسی طبقه کارگر پیروا زیم و این چیزی نخواهد بود مگر روبرو پیونیم، بطوریکه روبرو پیونیم های اکثریت و توده ای و به جایی این چنین میکنند (ادامه دارد)

بقیه از صفحه ۳ کارخانه...

طبق معمول شروع به توطئه چینی جهت تفاق - افکنی در میان کارگران می نمایند. با لایحه بعلمت عدم وجود اتحادیه دور هری اتحادیه ها در میان کارگران، آنان در دست توطئه مدیران افتاده و بطور غم هنگام در دلد با یکدیگر به تشبیه رژیم کنونی با رژیم جنا بیکار شده میگردانند و کارگران آگاه می صحبت از بهتر بودن رژیم شاه میکنند. این مسئله بهانه ای بدست عوام کارگران را فراهم میآورد که فردای آنروز کارگران را که غالباً کارگران مبارزی بودند، اخراج میکنند.

کارگران به اخراج عت از دست نشان اعتراض کرده و حتی یکساعت اعتصاب میکنند. اما عناصر خدکارگری که در میان کارگران بودند، بخصوص روبرو پیونیم های اکثریت شروع به فعالیت میکنند. تا کارگران را از مبارزه ای فاطما نه و یکپارچه برای بازگشت به کار دستان نشان، منحرف نمایند، آنها تحت این عنوان که اگر اعتصاب نکرده و بهتر کار نکنیم، احتمال بازگشتن ۶ نفر اخراجی، بیشتر میشود، در واقع کارگران را در مقابل کارفرما خلع - سلاح کرده و او میدانشن به "لطف و مرحمت سرمایه داران را موعظه میکنند. متأسفانه بعلمت ضعف نیروهای انقلابی در کارخانه و کم تجربگی اغلب کارگران، روبرو پیونیم های اکثریت موفق به اجرای نقشه خائنه خود شده و مبارزات کارگران را عملاً به نازش میکشاند.

کارگران اخراجی نیز که از حمایت فعال سایر کارگران خود را محروم میدهند، از طرفی تحت فشار تهدیدهای عوامل خدکارگر (که از طرف شوراهای امنیت آمده و عکس و آدرس کارگران اخراجی را گرفته بودند) و از طرف دیگر بعلمت افتادن در دام وعده و وعید مسئولین دولتی کارخانه، از مبارزاتی جهت بازگشت بکار ربه نیروی خود را بکارگران، خودداری کرده و بنا نباشد بکارخانه، چشم امید به "پا لا" (یعنی همانها می که اخراجشان کرده بودند) دوخته بودند و این در حالی بود که کارگران منتظر عکس العمل اخراج شدگان بودند و در صورت مشاهده مبارزه آنها به بارش می شتافتند. کارفرما هم می بیند بر این توطئه است چند تن از کارگران مبارزان که همواره به افشای توطئه های اودریان کارگران میپرداخته اند اخراج کند، فشار کار را افزایش داده و اختناق را در کارخانه ها می میرند.

کارگران مبارزان

تجربه فوق الذکر که نظام بر آن ممکن است در هر کارخانه ای روی دهد، بطور غم انگیز موقتی کارگران، بیانگر در سهای با ارزشی برای ماست که با استفاده از آنها خواهیم توانست شکستهای کوچک را به پیروزیهای بزرگ تبدیل کنیم!

نخست اینکه میبایست صفوف خود را فشرده تر با حته و تشکیلات واقعی خود را برپا سازیم.

بقیه در صفحه ۳۰

دانشجویان خط امام چه کسانی بودند؟ (واقعۀ سفارت بدست جناح حزب)

سا زمان ما مرعوب جا روجنا لهای دروغین خدا میریایستی حضرات نگشته و بد رستی بیان داشت که این واقعۀ توسط یک جناح از رژیم عملی گشته است ما گفتیم که بتکا را این عملیات درست خرده بورژوازی مرفه سنتی قرار داده حزب از آن پشتیبانی نموده و مادانشجویان خط امام را بعنوان بازپچه های حزب معرفی کردیم. ما گفتیم "دانشجویان پیرو خط امام" این دگمان سیاسی نیز که برایشبوهی از اسناد دسترسی دارند تنها وقتی به اصطلاح به افشای ستوری از آنها می پردا زند که صرفا در خدمت منافع جناحی از روحانیون قدرتمند و پانند حاکم بر کشور باشد" (پیکار ۸ بهمن ۵۸)

اکنون حقانیت آنچه گفته ایم در "مجاهد" آشکار میشود:
"... بهرحال، بدین ترتیب با حمایت سپاه (پاداران)، به وسیله قبحی های آن بر زنجیرها را پاره کرده و بدلاخل ریختیم" (مجاهد ۱۰۲)... البته کار ما چندان کار مشکلی هم نبود به اشغال در آوردن این محل، تحت حمایت سپاه و زیر نظر و با هدایت برخی مسئولین... (۱۰۳) "حزب جمهوری اسلامی... به ایادیشان درجا سوسفانه یعنی شورای هماهنگی دستور داده بودند... (۱۰۴) "درواستگی سران شورای هماهنگی به حزب همین بس که "مطابق با سیاست... های کلی" [و بنا برخواستهای لائی ها] افشاکری تهیه کنند، مثلا هنگامیکه "موسوی سردبیر روزنامه جمهوری اسلامی مراجعه کرده و خواستار تأیید حزب و روزنامه جمهوری اسلامی شود و متمسکانه استدلال کرده حزب در یک نقطه ای کیفی نزول محبوبیت قرار دارد و بسیاری از شعبه های آن در شهرستانها تعطیل شده و... با رنگ آمیزیهای این سند افشا شد که "روزنامه جمهوری اسلامی... آمریکا شایترین روزنامه هاست!!" (۱۰۴)

۲- سفارت چرا اشغال شد؟

مادر آن هنگام قاطعانه گفتیم هراس خدا انقلاب از رشد انقلاب، جنبش خلق کرد، اوگیری مبارزات کارگران بیکار، جنبش دانش آموزی، صیادان انشائی و... سوار شدن بر مواج جنبش توده ها برای، تثبیت و تحکیم حکومت ارتجاعی جمهوری اسلامی از یکطرف و تفا دمعین جناحی از قدرت با آمریکا و لیبرالها از سوی دیگر خدا انقلاب حزبی "را به آنها ذاتا بین تاکنیک واداشته است، شکست تاکنیک سرکوب، تفا دهای اساسی موقعیت هیئت حاکمه و پیشرفت و موفقیتهای

حقیقت واقعۀ سفارت را چه کسی به توده ها گفت؟

نامه مستندی یکی از دانشجویان پیرو خط امام به مجاهد:

سندی زنده در اثبات حقانیت نظرات ما و تنگ دیگری برای رویزونیستها و همه مرتجعین



و دیگر نیروهای سیاسی انقلابی نیز تا ما هها پس - از این واقعۀ همچنان انحرافات بسیاری را در این زمینه با خود حمل میکردند، مثلا مجاهدین - خلق و رفقای فدائی (اقلیت) نبرد، رزمند. - گان و راه کارگر بنوعی عملکرد خدا میریایستی برای این جریان قائل میگشته اند تحلیل - سا زمان در بر خور دیه واقعۀ سفارت علیرغم برخی انحرافات راست، در چارچوب عمومی منطبق بر منافع انقلاب و خط مشی مارکسیستی بود. ما چه در واقعۀ سفارت و چه در تشنیهج دیگر تاریخی یعنی جنگ، عمدتا مسیر صحیح و مارکسیستی حرکت جا معه را گم نکردیم و نشان - دادیم بکارگیری خلق مارکسیسم - لنینیسم چگونه میتواند شناخت حقیقی و درست جهان را بتوده ها معرفی کند. ما در آن هنگام از ما چرا سی پشت پرده گروگان گیری، بصورتی که اکنون مجاهد "افشا کرده است، اطلاع نداشتیم اما در کانونمند از طبقات اجتماعی و حرکات و تاکنیک - های خدا انقلاب موجب شد، حتی علیرغم وجود یک گرايش انحراف بر راست در سا زمان، ما شناختی مارکسیستی از واقعۀ سفارت بدست دهیم. ما ضمن مقایسه نظرات خود با آنچه امروز از اقدامات دانشجویان خط امام افشا شده است، تحلیل - سا زمان در واقعۀ سفارت را بعنوان حقیقتی اثبات شده، بهما به یک دستاورد درخشان برای جنبش کمونیستی میهنمان ازبای می کنیم.

چهارده ماه و نیم از واقعۀ گروگان گیری در جاسوسخانه آمریکا میگذرد و جمهوری اسلامی با خفت و سازش تمام گروگانها را آزاد میکند. امروز نگرین به مسئله گروگانها برای بسیاری امری ساده است. اکنون بسیاری از گروههای انقلابی اهداف حزب جمهوری اسلامی را از این گروگان گیری دریافته و ترا بهیچوجه مبارزه - میریایستی نمیشناسند. تفا و تاست میان امروزه تشنیه رسوائی جمهوری اسلامی در قضیه گروگانها ازبایما افتاده است و آنها که مکتب تزلزلات رویزونیستی و لیبرالی بسیاری از نیروهای انقلابی تشنیه یافته و آب به آسباب رژیم میریختند. تفا و ت کمونیستهای پیگیر با دیگر نیروها نیز در همین جاست. آنها بقدرت سلاح عظیم و ترگ مارکسیسم - لنینیسم قادر به تشخیص واقعی پدیده های اجتماعی هستند. "علم انقلاب ورهائی بشر" یعنی مارکسیسم به آنها این امکان را میدهد، در زمانیکه دیگران قادر به تشخیص صحیح مسائل نیستند، راه نشان دهند و حقیقت را آشکار گردانند.

تغییر تاکنیک خدا انقلاب بختهای نا پیگیر - ترا انقلاب را دچار انحرافات ساخت که در نهایت منجر به در غلطیدن و ترویج سیاسی یعنی فدا ثیان (اکثریت) و اتحادیه کمونیست - ها به منجلا ب خدا انقلاب و رویزونیسم گردید و

آزادی گروگانهای آمریکایی، مقدمه ای برای وابستگی بیشتر به آمریکاست

قطع پخش مذاکرات مجلس از تلویزیون نشانگر وحشت از پنداری توده‌ها!

علیرغم کلیه تبلیغات کرکننده و سرام‌آوری که در باره «حقانیت» جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی و غیره می‌شود یا زعم توده‌های مردم به حقیقت پی برده و مشت دروغ‌گویان جمهوری اسلامی باز می‌شود.

پخش علنی جلسات مجلس در تلویزیون، به دلیل آنکه «پته» مجلس فرمایشی جمهوری اسلامی را بیش از پیش روی آب می‌انداخت قطع گردید و «نما پندگان» تصمیم گرفتند بدور از نظار مردم نشست و برخاست کرده و تصمیمات «انقلابی» در مورد نحوه اداره و بازسازی سیستم سرمایه - داری وابسته بگیرند.

مجلس بجای آنکه وسیله‌ای تبلیغاتی برای سرمداران جمهوری اسلامی بشود که به مردم بگویند، «ما چنان کردیم و چنین شد» - برعکس حماقت و بلاهت این نما پندگان را بر ملا ساخته و اختلافات هر دو جناح را رومی نمود. هر جناح برای حفر کردن حفره، قسمتی از «پته» را رومی کرد. و این باعث میشد مردم تا چندی «پته روی آب» هر دورا ببینند. و بیش از پیش اعتماد خود را به رژیم زدست بدهد. در حقیقت پخش مذاکرات مجلس خود افشای زنده‌ای بود که توده‌ها به رأی العین میدیدند چگونه قانئون پشت قانئون بنفع سرمایه‌داران و زمینداران گذرانده می‌شود و چگونه جناح غم‌غمه‌تیره شدن روابط با امپریالیسم را خورده و آشکار می‌گوید «ما با آمریکا جنگی نداریم!» و جناح دیگر در ترکتازی و سرکوب خلق و ایجاد وحشت از انحصاری رستاخیز، حتی به رقبای لیبرال نیز مهلتی نمی‌دهد!

و خلاصه اینکه این به اصطلاح نما پندگان مردم چگونه در باره همه چند منظری دهند و قانئون می - گذرانند، الا در باره منافع مردم.

باری، زمانیکه اصل ۶۹ قانئون اساسی توسط «خبرگان» وضع گردید و در آن به صراحت گفته شده بود «مذاکرات مجلس باید علنی باشد» «از ما بهتران» فکر اینرا نکرده بودند که ممکن است پخش مذاکرات مجلس به ضرر خودشان شود و مجبور شوند برای رعایت مصالح مملکتی! از پخش آن جلوگیری کنند.

بهر حال قطع پخش مذاکرات مجلس از تلویزیون با ردیگرشان می‌دهد که رژیم جمهوری اسلامی تا چه حد از آگاه شدن توده‌ها حتی نسبت به آنچه که خود می‌گوید هراسناک است.

سفارت، لازمست که به باب لایتن نظرات خود بپردازند مبارزه طبقاتی به پیش میرود و حقایق روز بروز آشکارتر می‌شود. در این میان تنها با بر - خوردن و مبه‌خراقات خود میتوانیم تمام قوا در خدمت توده‌ها قرار بگیریم.

نکنیم، (۱۰۲)

بدین ترتیب در مورد مسئله اسناد نیز آنها تا آنجا که توانستند اسناد را از زمین بردند مانند اسناد مربوط به روابط سران ارتش و حرس جمهوری (رفستجانی و بهشتی) با آمریکا و اسناد لیبرالها را نیز در ارتباط با جنگ قدرت آنهم بسیار محدود و روگرداندن بقول نامه‌دانان خود مذکور:

«هرگاه ارتجاع، در مشکلات اجتماعی و سیاسی لشک می‌ماند و راه چاره دیگری باقی نمی‌ماند، سندی متناسب با اوضاع و احوال و برای روحی تازه بخشیدن به کالبد آنها افشا می - شد.» (مجاهد ۱۰۴)

۳ - حقانیت با چه کسی بود؟

پس بدین ترتیب مشخص است، اشغال سفارت اگر چه بیان تضاد جناحی از حکومت با آمریکا بود (البته تضادی با ماهیتی ضد انقلابی) اما اساسا با خطری جلوگیری از رشد انقلاب، - برای بدست آوردن بیشترین قدرت و انقیاد لیبرالها منحرف کردن مبارزه ضد امپریالیستی توده‌ها، فریب خلق وسیعی در کشیدن آنها بسوی خودیسا تکرار شعارهای بی محتوا بود.

بدین ترتیب هیئت حاکمه از یکطرف به باز سازی سیستم سرمایه داری وابسته می‌پرداخت و از طرف دیگر به حفظ و حراست منافع امپریالیسم و سرکوب انقلاب می‌پرداخت و آنگاه برای فریب توده‌ها، با روجنا لهای دروغین ضد امپریالیستی برآمده می‌انداخت، همه آنچرا که گفتیم، خاطرات دانشجوی خط امام در مجاهدان نشان میدهد آری موضع ما درقبال سفارت گیری و خاطرات فوق نشان میدهد که حقانیت با سازمان ما بوده است. ما با رویزیونیستهای خائن که اشغال سفارت را مبارزه‌ای کبیر بر علیه امپریالیسم که آمریکا را به لرزه درآورده است، کاری نداریم چرا که این خائنین روز بروز بیشتر رسوا میشوند بلکه روی سخن ما با نیروهای انقلابی است.

دوستان مجاهد! مگر شما نبودید که پس از اشغال سفارت، برای اشغال کنندگان هورا کشیدید برای تاشیدن در تظاهرات شرکت کردید و توده‌ها را نسبت به آن بعنوان مبارز - ان علیه امپریالیسم متهم کردید؟ و مگر شما نبودید که ما را «چپ رو» معرفی کردید؟ چگونه است اکنون حاضر نیستید در پیشگاه خلق نسبت به اشتباهات خود اعتراف کرده از خود انتقاد کنید یا این حقایقی که در مجاهدات پ کرده‌اید تا درستی برخورد شما را به واقع سفارت و تطهیر رژیم نشان میدهد پس چرا به برخورد دیگری انحرافی خود اثاره نمی‌کنید. همینطور دیگر نیروهای کمونیست، آیا با توجه به این حقایق لازم نیست در مورد آنچه گفته اند اکنون نادرستی - اس آنکا ر شده است. به خود برخورد کنند؟ به اعتقاد ما برخورد های نادرست فدائی (اقلیت) رزمندگان، نیرو دوارها که گردان زمین - نشانه انحراف ایدئولوژیک آنها نبوده است. ب' نگرشی دوباره به نظر نشان در مورد واقع

جنبش توده‌ای هیئت حاکمه را ناگزیر از تغییر تاکتیک نمود. این جناح خرده بورژوازی مرفه سنتی و نماینده معتبر آن آیت الله خمینی بود که بدلیل شرایط مشخص کنونی و بحران سیاسی جامعه میتوانست در نقش مبتکر و خلال مشکلات هیئت حاکمه جلوه گر شود تا از فرو ریزی فزاینده توهم توده‌ها و انفراد هیئت حاکمه جلوگیری در جناح خرده بورژوازی مرفه سنتی ضد انقلابی پس از ماهها مقابل به پیشرفت و سرکوب مبارزات دموکراتیک و ضد امپریالیستی توده‌ها، «مبارزه ضد امپریالیستی» خود را در چهار چوب حفظ هیئت حاکمه شروع میکند. (ضمیمه - پیکار ۲۶ ذر)

اکنون به نام یکی از دانشجویان خط امام بنگریم: او ابتدا به مسائل و مشکلات اجتماعی و سیاسی قبل از سفارت می‌پرداخت و با آوردن سندی از سفارت اثبات میکند که رشد انقلاب (مبارزات کارگران و جنبش خلق کرد، جنبش دانش آموزی و...) که شاخه‌ای به توده‌های حزبها و نیز مجلس خبرگان را زمینه اشغال سفارت توسط عمال و وابادی حزبها بود (۱۰۱) و نیز:

«الف - الف... پس از مراجعت از شورای انقلاب طی سخنانی در جمع دانشجویان گفت: «الحق شما با این کار خود را اعتماد با ت ج ل سو - گیری کرده و باعث شدید که قانئون اساسی برای زیا تصویب شود...» این ضربه گافتی بود که بسیاری از رویاهای مرا فرو بریزد، آیا ما خا سوسهای آمریکایی را به گروگان گرفته بودیم که قانئون اساسی تصویب شود یا صدای مردم را خاموش سازیم؟! این سئوالات با وضوح بیشتری در ذهن من مطرح میشد که آیا ما با زیچه‌های بازی - های پشت پرده سیاسی نشده بودیم؟! یا ما را بعنوان وسیله‌ای برای ازمیدان بسدر - کردن رقبای به کار نگرفته بودند؟...» (۱۰۲)

بنا بر این با مشاهده عواقب این حرکت آیا من حق ندارم که اینطور قضاوت کنم که بزرگترین سرمایه‌ی این جریان عوام فریبی آن بود، آیا برای سرمداران این حرکت دکانش نبود که در آن برای خود اعتبار و رواجت کسب کنند و سپس...

(۱۰۵) در اینکه واقع سفارت منافع اساسی امپریالیسم در ایران و وابیگه‌های اصلی سرمایه داری وابسته، ارتش و... را مورد حمله قرار ندادن دشمنی نیست. جالب اینجاست که گروگانگیرندگان سفارت در افشای اسناد جاسوسخانه نیز کوشش لازم را نکردند و تا آنجا برخی از اسناد را افشا نکردند که به ضرر جناح رقیب یعنی لیبرالها بود.

«در اینجا فقط به سخنانی اشاره میکنیم که نیت گردانندگان این جریان در آنها بخوبی پیداست، آقای موسوی خوشنویس ها چند روز پس - از اشغال سفارت، هنگامیکه از جانب بچه‌ها مورد سؤال قرار گرفتند که چرا اسناد مهم را افشا نمی‌کنید، گفتند: «ما از ابتدا برنامه‌ای برای افشای اسناد ندا شتیم و این اسناد هم بطور تصادفی به دست آمده و املا شایع آنها را افشا

**دوستیاست رویونیستہا
در قبال مجاہدین:
دریوزگی - چاپلوسی و کینہ توزی**

به مبارزه علیه آنان (رویزیونیستها) بپردازد،
در این باره لنین میگوید:

”خطرناکترین افراد در اینمورد کسانسی هستند که نمیخواهند به این نکته پی ببرند که اگر مبارزه علیه امپریالیسم بطور لایتنکی با مبارزه علیه بورژوازیسم توأم نشد، جز عبارت بردازی بوج و دروغ چیزی نخواهد بود. (امپریالیسم به با لاترین مرحله سرمایه داری تاریخ جنش کارگری و کمونیستی جهان و ایران این واقعیت را بطرح نشان میدهد که چگونه ریزوینیستهای فرانسه بر سرکردگی موریس تورز، در کشتار و سرکوب خلق الجزایر، با رژیم فرانسه همکاری می نمودند. چگونه ریزوینیستهای عراقی با بعثتیه ی جلا در سرکوب خلقهای کرد و عرب عراق همکاری می کردند. چگونه ریزوینیستهای افغانستان در یک دوره با همکاری با ”محمد داود خان“ در سرکوب خلق افغانستان دست داشتند و اکنون چگونه به کمک اربابان روسی اشان با تمام قدرت خلق افغانستان را سرکوب میکنند. دورروم بیسیم که چگونه حزب خا شن بوده، با خیانتی یکمور تاریخی بویژه در سال ۳۲، با ارتجاعی خواندن جنش انقلابی سال ۴۲، با ”مترقی“ خواندن رژیم شاه، با او نمودن ختن جنش تیریزبغوان کار ساواک و... دشمنی خود را با جنش انقلابی خلق نشان داده است و اکنون نیز چگونه پی شرمانه در مبارزه علیه تلابلون، در دفع مبارزه طبقاتی کارگران و خلقها، با دشمنی با جنشهای انقلابی خلق کرد، ترکمن و... در دفاع از حاکمیت ضد انقلابی و... این دشمنی را تشدید نموده است. تشدید دشمنی ریزوینیستها با انقلاب و کمونیستها، زمانی صورت میگردد که بویژه جنش اوج گرفته باشد.

چه هما نظور که انگلس میگوید :

«برسبب اساسی آن‌ان خوف از انقلاب است» (۱) بهمین دلیل است که حزب خائن توده‌رایی اوچگیری جنبش درگردستان بودکسه «گولمه» را آمریکا ئا میدوچنیش خلق کردا تخطئه نمود، انقلابیون ایران را تخطئه نمودو وقیحا آن‌ان را عامل ایجا دفا شیم خواند و بالاخره ه‌را که جنبشی بودومبارزای هم‌جنبش وهما انقلابیون را تخطئه نمود، اگرکا رگران دست به مبارزه برنندحزب توده، آنسرا «اخالگری ضدانقلاب میخواند». اگرکمونیسته‌ها تظا‌ه‌راتی ترتیب دهند، بادیوزگی تمام رززم میخواند که آن‌ان را سرکب کندودرمیتینگ حزب جمهوری کدرآن خواستار انحلال مجا‌ه‌دین می‌شوند، شرکت میکنند....

۱۔ بہ نقل از اہورتونیم و ورشکستگی
انترناسیونال دوم

آنها برای ترک میدان مبارزه و پدیسر ش
حاکمیت موجود و اخیرا با زهمه مه پراکنی مجد
حزب توده و اکثریت برای مجاهدین نمونه های
بارزی از توطئه های خائنانانه دشمنی آشکار
رو بسوی سیاست «کمینه مرکزی حزب توده»
کدرسوی عامو خاص است، گوشیده است با تقلید
از آنچه ما، تحت عنوان پیام کمینه مرکزی به
مجاهدین منتشر ساختیم، ایان نیز تحت عنوان
جنگجوی کمینه مرکزی «حزب توده» با مجاهدین
آخرین کوششهاشان را برای جذب مجاهدین
نجام دهند.

کمونئیستها برخلاف رویزیونیستها، امپریالها و جزئیها، بدور از هرگونه عوامفریبی، ضمن حمایت از امتیازات خدا میرایستی مجاهدین تا پیگیریهی آنان را افشا و خسته و خوار نموده، مبارزندی کامل مجاهدین با ترلزلاتشان بویژه در برخورد به امپریالها میباشند. سازمان ما با پیروی از این سیاست مبارزه بدشلولویزیک فعالی را بر علیه دشمنان مجاهدین و کمونیستها بویژه رویزیونیستها، این روشنفکران و چاکران بورژوازی که بقول رفیق لنین بیش از خود بورژوازی بها و کمک میکنند براه انداخته است. در زیر میکوشیم تا دیدگر رویزیونیستها را رسوا کرده، ترلزلات مجاهدین را افشا نموده حمایت خوارانه مجاهدین بمنابیک نیروی ضد امپریالیست را اعلام نمائیم.

۱- رویزونیستها نه تنها دشمنان پرولتاریا، بلکه دشمنان خلق و کلیه انقلابیون نیز هستند!

رویزونیم، که بیان نفوذ بورژوازی در
مخوف پرولتاریا و مولودا میریا لیم است نه
تشه دشمن پرولتاریا، بلکه دشمن خلق نیز می-
باشد، چه وظیفه روئیز یونیستها تشهر بورژوازی
امیریا لیستی و جلوگیری از مبارزه پرولتاریا
علیه امیریا لیم است. و از آنجا که در جوامع
تحت سلطه نظیر جوامع ما، نه تشه پرولتاریا،
بلکه خلق نیز روئیز پرولتاریا لیم قرار
دارد، و بدین ترتیب که روئیز یونیستها که حافظ
منافع امیریا لیم هستند و اصولاً بیانگر منافع
بورژوازی میباشند، با خلق و انقلاب نیز دشمنی
میورزند. لیکن طبقا بر خود آنها، به کلیه نیرو
های انقلاب پیکان نخواهد دید. دشمنی آنها
با انقلاب، پرولتاریا را و کلیه نیروهای انقلابی
را موظف میکند که مبارزه علیه امیریا لیم

مدت زمانی است که با گسترش مجدد جنبش انقلابی و تشدید پروسه فروپاشی توهم‌نوده‌ها نسبت به رژیم‌ناستوار جمهوری اسلامی و در رابطه با آن، قوت گرفتن رادیکال‌یسم در جنبش انقلابی خلق، و بویژه مجاهدین، رویزونیست‌ها این دشمنان کمونیست‌ها و انقلابیون، حملات خود را بر علیه مجاهدین افزایش داده‌اند.

همه نیروهای ضد انقلابی مانند رویزیو-
نیستها، لیبرالها و حزب جمهوری، برآنند که
مجا هدين را با استفاده از تزلزلاتشان بسوی
خویش بکشند. حزب جمهوری اسلامی که سرکوب
مجا هدين و دیگر کمونیستها، سیاست اصلی و
همیشگی اوست پس از ازاجگیری مبارزات
توده ها و قوت گرفتن رادیکاليسم در مجا هدين به
دست و پا افتاده و بهشتی دبیر حزب راى قریب
توده ها و کشانندن مجا هدين بطرف خود، آنان را
"پاره تن، خود میخوانند!

آیت الله منتظری که با زنجهدست حزب و تحت هدایت آن است نیز مجاهدین را عزیزی خوانده است که مسلماً تندو این درست عکس حرفه های قبلی اش میباشد که در باره مجاهدین گفته بود که "منافقین بدتر از کفارند".

سیاست لیبرالها نیز تلاش برای بر خسی حمایت های کوچک ونا چیز از مجاهدین و کشاندن آنها زیر پرچم دودستوان نیروی ذخیره ای در مقابل حزب و... است. دودوزه بازی لیبرالها وگاهی شکوه ولایت از دیت و آزار مجاهدین، که خود عملا در کلیه سرگوب ها فعالانه دست داشته اند، بیان چیزی جز باکاری و فریبکاری نیست.

اما تنها حریفها و لیبرالها نیستند که میکوشند با قریبکاری و دودوزه بازی، از مبارزات مجاهدین جلوگیری کنند. رویزونیستها، این دشمنان طبقاتی انقلابیون نیز فعلا لیث خود را در دست، بد حملاتشان و در عین حال چابلووسی از مجاهدین افزوده اند. آنها نیز میکوشند با دودوزه بازی، از مبارزات ضد امپریالیستی مجاهدین جلوگیری کرده و مجاهدین را زیر پرچم بورژوازی حزبی بکشانند. سخن پراگنی - های مدامی که توسط "حزب توده خائن این رویزونیستها" کههنه کار بر علیه مجاهدین صورت میگرفت، تا مه پراگنی رویزونیستها ی فدائیان اکثریت است معلوم از چابلووسی و کینه توزی علیه مجاهدین و دعوت

رویزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

اقدامات انقلابی فرهنگیان آواره برای تهیه مسکن

فرهنگیان مبارز مناطق جنکرده در ادا مه مبارزات خود برای روشن شدن وضع حقوقی و مسکن خود، روز چهارشنبه ۵۹/۱۰/۱۷ در ساختمان وزارت آموزش و پرورش اجتماع کردند. آنها در این اجتماع ضمن توضیح بی نتیجه بودن تمام اقدامات خود از مراجه به وزیر آموزش و پرورش گرفته تا خمینی و بنی مدرسه افشای سیاستهای ضد خلقی رژیم پدراختند. در ضمن این افشاگرها یکی از عناصه خود فروخته رستاخیزی که به حمایت از رژیم جمهوری اسلامی و ارگانهای سرکوبگرش برخاسته بود مورد تنقید و عتاب فرهنگیان قرار گرفت. در ادامه تجمع، آنها نتیجه گرفتند که راه رسیدن به حقوق خود، اقدامات انقلابی و قاطعانه آنهاست. به همین خاطر آنها برای تهیه مسکن برای خود، بطرف دهکده المپیک شروع به راهپیمایی کردند. این راهپیمایی که با شرکت حدود ۶۹ نفر از فرهنگیان مبارزان انجام گرفت در مسیر خود از

بقیه در صفحه ۲۷

از این ترو بود که حزب خا شن توده دریا سخ به اعلامیه انقلابی فدا ثیان بمناسبت سالروز شهادت خور و روزی که را روزنا مه یور و والیرالی خواندند و افکار آنها را "ما ثویشتی" قلمداد نمودند (۲) و از آن مهمتر در مقابل اعلامیه انقلابی ۲۹ اردیبهشت پیشگام که "حزب توده" را ضد توده و ضد طبقه کارگر و روزنا مه مردم "را ضد مردم خوانده بود، "توده" آنها "پیشگام اعضا ارکستری که رهبرش امیریا لیم است "خواندند (۳) اما بتدریج که مواضع فدا ثیان را ست ترمیکشت حزب خا شن توده، تعریف و تمجید را از فدا ثیان بیشتر نمودند آنجا که امروزه خواهان پیوستن فدا ثیان اکثریت به حزب توده است! حزب توده در برخورد به مجاهدین نیز عینا همین سیاست دوگانه را در پیش گرفته است از یک طرف در راه پیما ثی ها ثی که در آنها انحلال مجاهدین در خواست میشود شرکت میکنند و از طرف دیگر آنها را "دوستان" مجاهد، مترقی... میخوانند رویز یونیستها میکوشند با حمله به مواضع انقلابی مجاهدین و طردن و با تکیه بر تزلزلات وضعیای مجاهدین آنها را بسوی خود بکشند در این راه حزب خا شن توده و رویز یونیستهای خا شن اکثریت با یکدیگر مسا بقه گذاشته و با چا بلوسی و چرب زبانی، عا جزا نه از مجاهدین نقادانی ترک مواضع انقلابی شان را دارند. ولی کدا مضعقا و انحرافات مجاهدین باعث میگرد که امید رویز یونیستها قطع نگرده؟ ادا مه دارد.

۲۳ و ۲۴ خرداد ماه مردم شماره ۱۷، سوم خرداد ۵۸

تا ریح نیز سر را را این نمونه های دشمنی تمام عیار رویز یونیستها با کمونیستهای انقلابی است. مبارزه منشوبیکا با بلشویکیا در روس و در نمودن فرمان دستگیری لنین به جرم "خیانت"، کشتار کارگران و زمینکشان آلمان توسط رویز یونیستهای خا شن چون "شیدمان" و یویزه قتل عا کمونیستهای آلمان حتی رهبران برجسته آن چون رفیق کارل - لیبکنخت و رورا لوزکا مبورک "کشتار کمونیستها در اریتره"، تیویپی، افغانستان و... نمونه های گویای دشمنی سرخا نه رویز یونیستها با کمونیستهاست. از این ترو عجبی نبا بد کرد که دارودسته حزب خا شن توده نیز کمونیستهای انقلابی را آمریکا ثی وفدا انقلابی بنا مد.

ب- در برخورد به نیروهای نا پیگیر جنبش کمونیستی و انقلابی خلق، سیاست رویز یونیستها دودوز بازی است. از یک طرف مواضع انقلابی آنها را مورد حمله قرار میدهند و از طرف دیگر با تکیه بر تزلزلات و نا پیگیریها شان میکوشند آنها را بطرف خویشا نند. شیوه برخورد به بخش منشعب (م.ل) فدا ثیان و مجاهدین کثونی نیز از همین سیاست ناشی میشود.

در برخورد به بخش منشعب (م.ل) مجاهدین، از آنجا که هنوز مواضع سازمان در قبال سوسیال - امیریا لیم کاملاً روشن نبود، و تحولات مبارزه طبقاتی و انسجامی گرایشات گوناگون (که امروزه کاملاً روشن گشته است) دقیق نگشته بود حزب خا شن توده در برخورد به بخش منشعب از یک طرف آنرا در درون جنبش قلمداد میکنند و "رفقا" خطاب میکنند و از طرف دیگر به سیاستهای انقلابی بخش منشعب، شدیداً حمله میکنند و آنرا "خرافه های ما ثویشتی" و "خرده بورژوا ثی" میخوانند. لیکن علیرغم آن، قطع امید نکردند و به همین دلیل در بررسی انتقادی مواضع جدید مجاهدین خلق ایران (بخش م.ل) میکوبند. روی سخن ما نه تنها با سازمان مجاهدین خلق ایران (بخش م.ل) بلکه با همه آن عناصری است که در درون جنبش هنوز از خرافات ما ثویشتی رها نشده اند. " (بسی حزب شماره ۱۱)

آنها در این نوشته شان میکوشند مواضع انقلابی بخش منشعب را در قبال سرگردگسی پرولتاریا در انقلاب، علیه بورژوازی لیبرال و حزب توده، در جبهه و اخذ فدیکتا توری و... طردنمایند؛ اما سیاست دوگانه آنها بتدریج که مواضع سازمان در قبال سوسیال امیریا لیم هبات کامه و حزب توده دقیق تر و روشن تر میگردد و با تحولاتی که در عرصه قدرت سیاسی روی میدهد اینان در دفاع از حاکمیت فدا انقلابی، حمالت خود را نسبت به سازمان تندید کرده و مزورانه آنرا "فدا انقلابی و آمریکا ثی" و... میخوانند. در برخورد به فدا ثیان نیز اینان کسه تزلزلات رویز یونیستی فدا ثیان را دریا فته بودند، با تکیه بر این تزلزلات میکوشند آنها را بسمت خود جذب کنند و در عین حال مواضع انقلابی آنها را مورد هجوم قرار دهند.

و در این راه از هیچگونه دروغ و غیبه داری، فرصت - طلبی، و نا شناسی... رویگردان نیست. تشدید حمالت کثونی آنها علیه مجاهدین نیز ناشی از رشد جنبش و تقویت را دیکا لیم در مجاهدین است. اما این بدان معنی نیست که رویز یونیستها به کلیه انقلابیون یکسان برخورد میکنند.

۲- رویز یونیستها در برخورد به انقلابیون دوسیا ست را در پیش میگیرند!

رویز یونیستها روشنفکران نقاب زده بورژوازی هستند، از این ترو در برخورد به طبقات و نیروهای سیاسی جامعه، سیاستهای متفاوت و "سنجیده" بورژوا ثی را بکار میگیرند! آنها در حمالت خود را بنا بر مقتضیات تشدید کرده و با تخفیف میدهند و در برخورد به نیروهای انقلابی آنها دوسیا ست متفاوت را در پیش میگیرند.

الف: اندسته از نیروهای کمونیستی و پیگیر که فاقد تزلزل بوده و سرخا نه در راه انقلاب میروند، مورد تنقید آنهاست. رویز یونیستها آنها را با پیرو حمله میکوبند و از هیچ دروغ و کثونی شان رالتا نیز موبور خوردهای ماکیا ولیستی رویگردان نیستند. بدین دلیل است که آنها سازمان ما، کومله و برخی دیگر را فدا انقلابی میخوانند و بیشتر ما نه تراز آن ما را "سیا خته و آمریکا ثی" قلمداد میکنند. برای آنها لجن - پراکنی، فحاشی، دروغ و غیبه داری - خرج ندارد. چه آنها ماکیا ولیست هستند، برای اینان هدف وسیله را توجیه میکند. به همین دلیل برای رسیدن به اهداف فدا انقلابی شان از هیچ دروغ - پردازی و لجن پراکنی خودداری نمیکنند. چه آنها برای رسیدن به اهداف بورژوا ثی شان طبعاً شیوه برخورد بورژوا ثی را نیز در پیش میگیرند. ببینید حزب خا شن توده با چه حرا رسی، و فضا نه خواهان سرکوب نیروهای انقلابی نظیر ما و کومله... میباشند. ببینید با چه وفاحت و بی شرمی میکوشند ما را "سیا خته و آمریکا ثی" جلو ده دهند.

چنین است که آنها در برخورد به کمونیستها و انقلابیون پیگیر، لحظه ای از کینه تیزی، دروغ و غیبه داری، لجن پراکنی و... دست بر نمی دارند. و بدتر از آن ما ننجدنا سوسان، به لودان کمونیستها و انقلابیون پرداخته و خواهان سرکوب کامل آنها میشوند.

رویز یونیستهای نوپای فدا ثیان اکثریت نیز که تازه بدوران رسیده اند، هنوز تمام و کمال این شیوه کینه کاران رویز یونیست را فرانگرفته اند اما بتدریج همچنانکه مواضع رویز یونیستی شان منسجم تر میشود، آنها نیز شیوه برخورد "حزب توده" ای با پیما رتی دقیقتر - ماکیا ولیستی را بیشتر و بیشتر در پیش میگیرند. بدین ترتیب سیاست رویز یونیستها در مقابل انقلابیون پیگیر و یویزه کمونیستهای پیگیر، سیاست دشمنی تمام عیار و طرد و حسی سرکوب کامل انقلابیون است.

خط سوم: خطی بدنبال ارتجاع حاکم!

جناح در شیوه تحقق اهدافشان اختلاف دارند. آنان برای رسیدن به هدف واحدشان از روش های گوناگون استفاده میکنند. آنان خط ضد-انقلاب بوده و در مقابل آن چیز خط انقلاب که با سادار مانع توده ها است و از در هم کوبیدن خط ضد انقلاب میگرد و وجود ندارد. خط سوم "در چهار-چوب همان خط ضد انقلاب است، برای شناخت از

اگرچه در بررسی درک "امت" از مناسبات خارجی که کمابیش درکی همانند ریزونیستهای خروشنجی است، سخن بسیار میتوان گفت، لیکن آنچه در اینجا مورد نظر ماست، بررسی دیدگاه "راه سوم" در برخورد به مبارزه طبقاتی حاد درون جامعه و افشای این نظرها و فریبکارانه میباشد.

ببینیم مبنای اساسی تفکر "راه سوم" امت چیست: "حفظ وحدت جبهه خلق علیه امپریالیسم تحت رهبری امام خمینی" و با آنکه به قانعان اساسی مرحله ای، پرهیز از تضادهای فرعی و فرافراش کردن دشمن اصلی، مبارزه سیاسی-ایدئولوژیک با جریانهای سازشکار و لیبرال و قشری و فرصت طلب، تنگ نظرها و انحصارگر، تشدید مبارزه ضد فئودالی و ضد سرمایه داری و... (امت شماره ۹۱) امت نظرات خود را چنین فرموله

مسئله آنجاست که "امت" طریقه اختلاف سلیقه های پیشما را طریقه تضاد های جانبی در یک روند عمومی خواهان یکسری رفرم در چهارچوب همین نظام موجود است. این راه نه از طریق انقلاب، بلکه بصورت گام به گام و با رفرم در ماشین دولتی خواستار اهداف غویس است. امت از راه سوم سخن میگوید ولی اگر منظور وی راه انقلاب است، باید پرسید چرا در نشریات امت سخنی از ضرورت نابودی ماشین دولتی حاکم نیست؟

میکند که "امپریالیسم آمریکا، خط امام را بزرگترین دشمن خود میداند و در برخورد به انقلابیون امت چنین نظر میدهد: ایل-نیرو-های کمونیستی چون سازمان پیکار را قیقا نه "ضد انقلابی" میخواند و حرکت نیروی ضد امپریالیستی چون مجاهدین را بفتح "آمریکا" میخواند (امت شماره ۹۱)

تحلیل از دیدگاه امت از یکسور برخورد به ضد انقلاب و بخصوص خط امام خمینی و از سوی دیگر در برخورد به نیروهای انقلاب مشخص کننده جایگاه واقعی امت است.

خط امام: بزرگترین دشمن امپریالیسم یا حافظ منافع امپریالیسم؟

نیروهای ضد انقلابی گوناگونی میکوشند خود را پیرو خط امام "جلوه دهند تا بتوانند از طریق آن به منافع ضد انقلابی خویش ناشل گردند. حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی خود را امیل ترین نیروی پیرو خط امام میداند و حزب خائن توده و فدا شیان اکثریت خائن نیز، خود را طرفدار امام میداند. لیبرالهای ضد انقلابی نیز برای عقب نهادن از غا ثله وینا بر مفا صد فرصت طلبانه ضد انقلابی شان هرگاه اوضاع را پس ببینند خود را پیرو امام و خط آن میخوانند! سه جبهانی های مرتجع نیز حساب امام را از حزب حاکم جدا کرده و خط او را خط استقلال طلبانه "نه شرقی نه غربی" میخوانند! اکنون دیر زمانی است که "امت" نیز خود را پیرو خط امیل امام میخواند! اینک چه خطی و چه کیسه گل و گشادی است که کلیه ضد انقلابیون خود را پیرو آن می-خوانند و شوالی است که با سخنان و راه امت انقلابی

را سوم با بدیدگاه این راه در خدمت کدام طبقه اجتماعی و کدام سیستم اجتماعی... اقتصادی قرار دارد و موضع آن در قبال نیروهای انقلابی و کمونیست چیست؟ مسئله آنجاست که "امت" علیرغم اختلاف سلیقه های پیشما را علیرغم تضاد های جانبی در یک روند عمومی خواهان یکسری رفرم در چهارچوب همین نظام موجود است، این راه نه از طریق انقلاب، بلکه بصورت گام به گام و با رفرم در ماشین دولتی خواستار تحقق اهداف خویش است. امت از راه سوم سخن میگوید ولی اگر منظور وی راه انقلاب است، باید پرسید چرا در نشریات امت سخنی از ضرورت نابودی ماشین دولتی حاکم نیست؟ نکند امت خیال دارد همچون ریزونیستهای کهنه کار حزب توده و فدا شیان اکثریت از "بالا" و بتدریج، جامعه را به راه رشد غیر سرمایه داری "سوق بدهد"!

نوشته های امت سراسر آکنده از این طرز تفکر است. اگر امت از یکسور ضرورت قطع مناسبات با آمریکا، افشای لیبرالها، صحبت میکند از سوی دیگر از نزدیکی به شوروی، گسترش مناسبات با "اردوی سوسیالیستی" و "جبهه" با یاری عرب "هکاری با احزاب مترقی" همچون اکثریتی های خائن حرف میزند! امت ادعا میکند که علیه امپریالیسم میخواند مبارزه برخیزد، لیکن نمیداند و نمیداند و نمیداند! نمیتواند اندک مبارزه با امپریالیسم هرگز به معنی تقویت مناسبات با شوروی و سوسیال امپریالیستی نیست مبارزه با امپریالیسم گسترش مناسبات با رژیمهای ضد انقلابی مانند سوریه نیست سوسیال امپریالیسم امروز بخشی از جهان امپریالیستی را تشکیل داده و سوریه جزئی از کل ارتجاع جهانی بشمار می آید.

او جگیری محددمبارزات دمکراتیک - ضد-امپریالیستی خلقهای قهرمان مینمان و ناتوانی رژیم جمهوری اسلامی توهانات افشار و وسیعی را نسبت به هر دو جناح هیئت حاکمه، لیبرالها و بیوز حزب جمهوری اسلامی فروخته است و توده ها در زیر فشارهای سنگین اجتماعی اقتصادی، بدنبال آلترناتیو جدیدی برای رهایی از چنگال فقر و استثمار و اختناق موجود در جامعه اندام دهشتناک بحران اقتصادی - سیاسی و ناتوانی جبری رژیم جمهوری اسلامی در پایشگوشتی به کشتن بحران از یکسو و عدم توانائی در مفا بله با کشتن ناراضا ییسی و اعتراضات توده ها از سوی دیگر بروخامت اوضاع افزوده است بخوا متی که کمونیستها و انقلابیون با ارا ثیر توده انقلابی و بسج توده ها بگرد آن میکوشند، بر فرا زویرانه های کاخ ستمگران حاکم بدان پاسخ کوبند و ضد انقلاب نیز میکوشد با سرکوب توده ها و با زسازی سیستم زخم خورده سرمایه داری وابسته ما به بحران پاسخ گوید. بدین ترتیب دورا به بیشتر برای پاسخگوئی به بحران کنونی وجود ندارد. یکی پاسخ انقلابی که با نابودی سیستم سرمایه داری وابسته و رژیم حافظ آن میسر است و دیگری پاسخ ضد انقلابی که جز با مفا بله و سرکوب انقلاب و با زسازی سرمایه داری وابسته و کلیه نهادهای حافظ آن میسر نیست.

بنابراین راه عمومی وجود ندارد و همما با رژیم پدیده سرکوب خلق پرداخت (راه ضد انقلابی) و با بر علیه آن برخاست و آنرا به گورناریخ سپرد (راه انقلابی) راه سوم، راهی بین انقلاب و ضد انقلاب وجود ندارد با انقلاب علیه ضد انقلاب، و با ضد انقلاب علیه انقلاب.

این حکم جبری تاریخ است. لیکن مدتی است که مزه های "راه سوم" از جانب برخی نیروها بگوش میرسد. اینانی-شرما نه میکوشند و لیبرالها و راه حزب جمهوری را دورا به جز از یکدیگر نشان داده و سپس راه دیگری که با مطلق همما لیبرالیسم "غرب گرا" و همما "انجمن طلبان مرتجع" مرز بندی دارد، را ارا ثه دهند. برخی از این نیروها که خود از کرا یشات متفاوت طبقاتی برخوردارند، تحت عنوان خط امیل امام "برخی دیگر تحت عنوان خط مکتب"، راه سوم "را عرضه نموده اند" امت آن جریان فکری است که راه سوم را "خط امیل امام" میخواند. ما در اینجا به بررسی "راه سوم" از دیدگاه "امت" می پردازیم.

امت چنین وانمود میازد که لیبرالها یک راه و حزب جمهوری راه دیگری را عرضه نموده و حال آنکه خود با هر دو مرز بندی داشته و راه سوم را راه مینماید. اما آیا چنین است؟

اگر ما نظور که با راه گفته به ما هیت طبقاتی این "راه" ها توجه نمائیم روشن میشود که اولاً حزب جمهوری و لیبرالها هر دو راه واحدی را طی میکنند و آن عبارت است از راه سرکوب انقلاب و با زسازی سرمایه داری وابسته لیکن این دو

ترکمن ... را تشقیب نموده است .
اکنون با ردیگر می برسم آیا میتوان ضد
انقلابی بود و در عین حال ضد امپریالیست ؟
آیا میتوان رهبری بورژوازی (چه حزب ، چه
لیبرالها) را پذیرفت و آنها و بیوزده حزب را
مورد تأشیه قرار داد و دوسرما به داروفاضد امپریا-
لیست بود ؟ آیا میتوان منافع فئودالها ،
زمینداران و طبقه سرما به داروفاضد امپریا-
لیست بود ؟ آیا میتوان ضد امپریالیسم
نمود و با زهم ضد امپریالیست بود ؟ آیا میتوان
کلیه دستا وردهای دموکراتیک فیا مرا سرکوب
نمود و با زهم ضد امپریالیست بود ؟
آیا میتوان سلطه سیاسی ، اقتصادی امپریالیسم
را برمیهمان حفظ نمود و با زهم ضد امپریالیست
بود ؟ آیا میتوان توده های ضد امپریالیست
و انقلابیون ضد امپریالیست را سرکوب نمود و

با منع مصادره "خودسرانه" زمین توسط دهقانان
بر علیه انقلابی ترین طبقات جامعه برخاست ؟
مگر جناحهای مترجع حاکم در پرتو رهبری همین
خط امام موباستفاده از نفوذ آن ، توده های
میهمان را تحمیل نمودند و مباد زهم با هر جنبش
اعتراضی و مباد زهم با هر نیروی انقلابی را مباد زهم
علیه امپریالیسم نخواهند ؟ مگر همین "خط امام"
و خود امام ضرورت سرکوب انقلابیون چون مجاهدین
و کمونیستها را اعلام نکرد ؟ و مگر بهرکت همین
رهبری ، آزار دینهای دموکراتیک سرکوب نگشته
است ؟ آیا بداند مت برسد مگر همین حزب "انصار
- طلب" مترجعی که شما خود را مخالف آن می -
خوانید ، به هرکت همین خط بر سر کار نیا مده
است و مگر مورد حمایت همین خط و رهبری آن
نیست ؟ مگر ...

*** بدین ترتیب در راه بیشتر برای پاسخگویی به بحران کنونی وجود ندارد . یکی پاسخ
انقلابی که با عود ناپودی سیستم سرمایه داری وابسته و رژیم حافظ آن میسر است . دیگری
پاسخی ضد انقلابی که جز با مقابله و سرکوب انقلاب و بازسازی سرمایه داری ، وابسته و
کلیه نهاد های حافظ آن میسر است .**

با آنها دشمنی نمود و با زهم ضد امپریالیست بود ؟
ممکن است بگوئید خط امام اقدامات ضد
امپریالیستی نظیر مباد زهم با آمریکا ، دفاع از
اشغال سفارت و ... ، داشته است و آمریکا با این
خط و رهبری مخالف است و این است نشانه ضد
امپریالیست بودن این خط ! در جواب ما می -
گوئیم اگر هر مخالفی با امپریالیسم آمریکا
نشانه ضد امپریالیست و مترقی بودن طرف
مقابل است بنا بر این "ایدی امین" از "امام"
ضد امپریالیست تر است ، چه اگر خط امام "سفارت
را اشغال نمود و بر آن صدها گداشت ، ایدی امین ،
این مترجع تاریخ در دینیت با امپریالیسم
انگلیس ، انگلیسها را مجبور نمود تا وی را بر
دوش خود حمل نمایند ! ولی آیا این نشانه ضد
امپریالیست بودن آن است ، خیر !
بنا بر این اگر چه "خط امام" نشانه های با
امپریالیسم آمریکا دارد ، لیکن این تضاد از
مقوله تفا درون ضد انقلاب است و هیچگونه
ماهیت مترقیانه و دموکراتیکی ندارد ،
و خلاصه کلام آنکه "خط امام" نه تنها بزرگترین
دشمن امپریالیسم جهانی نیست ، بلکه در هم -
دوشی با بورژوازی ایران (حزب جمهوری)
لیبرالها (حافظ سیستم سرما به داری وابسته
لیسم جهانی است .

جبهه متحد امت جبهه متحد ضد انقلاب

جلوتبرویم جبهه خلق شما که تحت رهبری
ضد انقلاب قرار دارد از چه کسانی تشکیل میشود ؟
ضد انقلابیونی نظیر حزب توده و اکثریت و حزب
جمهوری و "امت" و ... جبهه ای که در دشمنی با
دموکراتهای انقلابی و کمونیست ها دست رژیم

اگر بخوانیم ، یکا یک اقدامات ضد انقلابی
مترجعانه و ضد دموکراتیک که توسط این خط و ضد -
البته تحت هدایت حزب جمهوری اسلامی صورت گرفته
است ، مثنوی هفتاد و دو کاغذ شده ، امت ما ننشد
ما کیا ولیست های حزب خا شن توده ای و اکثریت
"خط امام" را شیرینی بال و دم و او شکم کرده و سپس
بدلیل مخالفت ضد انقلابی خط امام با آمریکا
آنرا خط ضد امپریالیستی جا میزند ، در اینجا است
که ماهیت خط امت روشن میگردد : خط امت خطی
است که مشاطه گرد ضد انقلاب حاکم بوده و نه در پی
مباد زهم با رژیم بلکه اساسا در سازش با رژیم می -
باشد در اینجا است که با یدیه امت گفت که خط شما
نه خط ضد امپریالیستی و مباد زهم جویانه ، بلکه
خطی ضد انقلابی است چرا که خط شما :

۱ - توده ها را دعوت به پذیرش رهبری خرده -
بورژوازی مرفه سستی که مدتهاست ضد انقلابی
گشته ، می کند .
۲ - توده ها را به زیر پرچم بورژوازی فرا میخواند
چرا که خط امام در خدمت بورژوازی حاکم است
و همواره خواهان ایجاد تفا هم بین لیبرالها و
حزبیها ، (که تفا قانگوباشما به اردو مخالفید ،)
میباشد و خط امام موبیوزده و عموما از حزب ارتجاعی
حمایت میکند !
۳ - خط امام بدنبال خطی است که همدست با
بورژوازی ، سلطه امپریالیسم را بر میهمان
حفظ نموده است از طبقه سرما به داروفاضد امپریا-
لیست می کند و اصلی ترین ابزار سرکوب امپریا-
لیسم (ارتش دست پرورده) را حفظ و حراست
می کند .

۴ - خط امت بدنبال خطی است که در خدمت
سرما به داری وابسته بزرگترین سرکوب را در
طول بعد از قیام بر علیه انقلابیونی چون
مجاهدین و کمونیستها انجام داده است و فعلا لانه
سرکوب کارگران ، دهقانان ، و خلقهای کرد و

نما "با یدیدهد ، آنطور که پیدا است "خط امام"
خطی است که از پیروان شما رنه شرقی نه شرقی "
(لیبرالها و سجهانی ها) ، تا آنکه پیرو شما
نه "غریبی" ، نه "غریبی" (اکثریت و حزب توده و ...)
و آنکه پیرو شما رنه شرقی ، هم غریبی ! هستند
را در بر میگیرد ، آیا برآستی این خط جز خط ضد
انقلاب است ؟

الف : رسالت خط امام معانعت از در هم شکستن
سلطه امپریالیسم است . این خط حافظ سیستم
سرما به داری وابسته است ، اگر خط را حتی به -
طرزی عامیانه ، همان چیزی بدانیم که خود گفته
و عمل کرده است ، می بینیم : که این خط در مقطع
قیام مانع از پیروزی قیام توده ها گشت ، مانع
از آن شد که ماشین دولتی سرما به داری وابسته
و اصلی ترین ابزارش (ارتش) دغان شود ، این
خط با بردار دغان ارتش در زند توده ها و با
خلع سلاح آنها ، مانع از در هم شکستن ارتش
ضد خلقی گشت از خبا نتهای خط امام حمایت
از سازش بهشتی و هو بیوزده حمایت از بازگشت و
تشکیل دولت موقت بود ، خود خمینی بازگشت خا شن
را محبوب خوانده و دشمنی با دولت موقت را ضد
انقلابی ، حرام و کفر خواند !

مگر "امام" نبود که از سرما به داران وابسته
دعوت نمود که بر سر کار بازگردند و کارگران را
دعوت به کوشش و تلاش بیشتر برای سرما به داران
نمود ؟ مگر "امام" نبود که دستور غفوم منع محاکمه
عوامل سرسپرده آمریکا (از جمله ارتشی ها و
ساواکی ها) را اعلام نمود ؟ مگر به هرکت رهبری
امام ارتش آمریکا بی ایران بازسازی نشد و
سرسپردگانی چون باقری ، فلاحی ، علوی ، و
مدنی این "دست نیرومند" "امام" به فرماندهی
ارتش گمارده نشدند ؟ مگر به هرکت خط امام نبود
که لیبرالهای خا شن چون بازگشت ، یزدی ، قطب زاده
طباطبائی و دهها نفر دیگر به قدرت رسیدند ؟ و
با لاف و مکر در کشاکش جنگ قدرت به هرکت همین
رهبری و همین خط "نیست که حزب ارتجاعی
جمهوری اسلامی بر ارگانهای اساسی قدرت تکیه
زده است ؟ آیا چنین خطی بزرگترین دشمن
امپریالیسم است ؟!

ب : رسالت خط امام سرکوب دموکراسی و انقلاب
است مگر به هرکت همین رهبری ، جلوی تسد و م
مبارزات ضد امپریالیستی ، ضد ارتجاعی توده -
های میهمان گرفته نشد ؟ مگر همین خط به سر -
کوب کارگران و زحمتکشان ، این بزرگترین
دشمنان واقعی امپریالیسم دست نزد ؟ مگر
فرماندهی لشکرکشی به کردستان قهرمان توسط
همین "رهبری" صورت نگرفت ؟ مگر مسلح نمودن
خوانین و فئودالها در اقصی نقاط کشور از
کردستان گرفته تا شمال و فارس ، در پرتو چنین
"رهبری" حاصل نیامد ؟ مگر خود همین "رهبری"
با حذف بندج^۱ از فرام رخی دست بخت خودشان
، حفاظت از منافع فئودالها و زمینداران بزرگ
را بر عهده نگرفت ؟ مگر با تهدید کارگران و
دهقانان منع اعتصابات و تحمیل وظایف و

آیا زحمتکشان ایران به هدف‌هاییکه بخاطر آن‌ها، آیت‌الله خمینی را به ایران برگردانند، رسیده‌اند؟

زحمتکش به ایران برگشته بود، زمان بسیار کوتاهی پس از بازگشت، با زرگان لیبرال‌سازش - کار را به نخست‌وزیری برگزید، فرماندهان مزدور ارتش شاه را تظہیر کرد و عفو نمود. دستور یورش به آزادیهای دیکتاتیک را صادر کرد، مهره‌ها و مزدوران رژیم شاه و از جمله جلال‌الدین ساوکی را مورد عفو قرار داد، شکم دستور حمله به کردستان قهرمان را اما در کرد، بدترین تهمت‌ها را به کمونیست‌ها و انقلابیون دیگر که سالها در سخت‌ترین شرایط بخاطر رهایی زحمتکشان مبارزه کرده بودند، وارد کرد، کشتار خلق عرب خوزستان را بدست مدنی مزدور تاشید کرد و...
و آ را م را خلقهای زحمتکش ما دریا فتنه (ومی یا بند) که آنچه از بازگشت "آیت‌الله" انتظار داشتند، سرا بی بیش نبود.

آری زحمتکشان ایران با دستان پرتوان خود، شرایط بازگشت آیت‌الله خمینی را به ایران فراهم ساختند ولی ایشان بنا به ماهیت طبقاتی اش قدرت و تمایل با سگوشی به نیازهای توده‌های ستکشان را نداشت و مردم‌پهرمان ایران با درک این واقعیت مبارزه خود را برای تحقق خواسته‌های انقلابی‌شان ادامه میدهند.

۱۲ بهمن امسال، دو سال از بازگشت آیت‌الله خمینی از تبعید ۱۵ ساله در خارج ایران میگذرد، دوازده بهمن ۵۷، در اوج مبارزات خلق - های ایران علیه رژیم دست‌نشانده شاه، زحمتکشان ایران آیت‌الله خمینی را که در راس جنبش مردم‌دوار گرفته بود با ایران برگردانند و یکی از پرشکوهرترین استقبال‌های تاریخ را از وی بعمل آوردند. توده‌های زحمتکش آیت‌الله را با ایران بازگردانند و دیگران این استعمار - های سیا گذشته با این خواهد گرفت، استثمار وستم‌طبقاتی از بین خواهد رفت و چهره زندگی زحمتکشان بکلی تغییر خواهد یافت، خلقهای قهرمان ایران انتظار داشتند که با بازگشت آیت‌الله خمینی خواهند توانست حاکمیت انقلابی خود را اعمال کرده و جامعه‌ای نو سازند توهما توده و تبلیغات آیت‌الله خمینی و اطرافیان که رهبری مبارزات مردم را بدست گرفته بودند و نیز نبودن یک آلترنا تیو پر قدرت انقلابی در جامعه، شرایطی پدید آورده بود که توده‌ها در چهره آیت‌الله خمینی، حلال همه مسائل و مشکلات خود را میدیدند و به همین جهت در اثر مبارزات انقلابی‌شان ایشان را به ایران برگردانند، اما وی که به همت توده‌های

شاه را از پشت بسته اند، برایستی جبهه خلق شما برهبری "امام خمینی" چه تفاو تی با جبهه متحد خلق "حزب فدا انقلابی توده‌دار" ترکیب نیرو - های آن که یکسان است، پذیرش رهبری ضد انقلاب که در هر دو یکسان است، دشمنی با کمونیست‌ها و انقلابیون که در هر دو یکسان است، تبلیغ ضرورت نزدیکی با اردوی سوسیال - امپریالیسم که در هر دو یکسان است، آری به درستی آنچه شما در فکر تشکیل آن هستید نه جبهه متحد خلق، بلکه جبهه متحد فدا انقلاب است جبهه - ای که تنها جای لیبرال‌ها در آن خالی است! آری دیدگاه سوم "که در فکر تشکیل جبهه فدا انقلاب تحت رهبری فدا انقلاب است، مبنای فعالیت خود را نیز پذیرش حاکمیت جمهوری اسلامی و قانون اساسی مرحله‌ای قرار داده است آیا مگر روشن نیست که قانون اساسی کنونی، قانونی در جهت برسمیت شناختن مناسبات سرمایه داری، قانونی ضد دیکتاتیک و فدا انقلابی است؟ چگونه میخواهید پذیرش چنین قانون اساسی - ارتجاعی، مبارزه انقلابی کنید، چه فرقی بین مبارزه شما و مبارزه لیبرال‌ها در دوره شاه‌ها شن که با برسمیت شناختن قانون اساسی، فعالیت میکردند، وجود دارد. واقعیت این است که شما میخواهید پذیرش قانون اساسی فدا انقلابی با تشکیل جبهه متحد فدا انقلابی، با پذیرش رهبری فدا انقلابی و با ضدیت با نیروهای کمونیست و انقلابی در چهار چوب پذیرش حاکمیت ارتجاعی جمهوری اسلامی عمل کنید. دیدگاه سوم شما، چیزی جز فدا انقلاب بزرگ کرده نیست، راه سوم شما علیرغم تمامی شعارهای پوچ و تو - خالی و ادیکال شما یا نه "شما، راه سوم - نیست، بلکه راه فدا انقلاب است راهی که امکان نخست‌وزیر شدن ریاست جمهوری و وزارت امور - خارجه... را برای سردمداران امت در رژیم ارتجاعی کنونی مهیا ساخته است. قرار گرفتن در راس چنین مقاماتی ماهیت واقعی کما نسی چون دیکتاریسم آن آشکارا بر ملا خواهد شد.

بقیه از صفحه ۱۲ مرگ...

خوابی را که در اختیار داشتند در برابر درویشان کنند و این مسئله موجب میشود که - زحمتکشان آوارده در شرکاء زگرفتگی به وضع دردناکی کشته شوند.
این زحمتکشان تا زمانی که در مناطق جنگی بودند توسط توپخانه و هواپیما مزدوران عراقی کشته میشدند و امروز بعین نداشتن مناسبات و دیگر نیازهای اولیه زندگی در واقع بدست رژیم جمهوری اسلامی این چنین جان خود را از دست میدهند. این واقعیت دردناک لکه‌نگ دیگری است بر دامن رژیم جمهوری اسلامی و مهربانان - شعراهای فربکارانه اش در مورد ادعاهای حمایت از زحمتکشان میزند.
نقل با ختم از "فرا دوارگان" ۱۱

کمیته خوزستان

فساد و فحشا در سپاه پاسداران نوسفر

شدن "قرصهای فدا ملکی" داستانها میرايد و شب و روز از هذو تقوادم میزند، در دامن خود چنین پاسدارانی را پرورش میدهند که برادر "مکتبی" و آنهم پاسدار با خواهر مکتبی‌شان روابط آنچنانی برقرار میکنند! زهی بر شرمی! در حالیکه کمونیست‌ها با پیروی از اخلاق و فرهنگ کمونیستی در مورد مسائل مربوط به روابط زن و مرد با تبلیغ روابط با لم و انقلابی با هرگونه لا با لنگری و فساد می‌آرزوه کرده و در جهت از بین بردن علل پیدایش آنها پا بمردی میکنند. در حاشیه این واقعیت باید اشاره‌ای هم به رویزیونیست‌های "اکثریت" (فدا شیان) کرد که در دفاع از پاسداران "گاسه داغ تراش" شده بودند و این مسئله را "تا به پراکشی" بی اساس "فدا انقلاب" قلمداد میکردند... رویزیونیست‌های مرتد چه زود و ازده‌های معمول حزب جمهوری اسلامی را با دگر گرفته‌اند. اما ارجاع پرونده - دادگستری و آفتابی شدن این ماجرای رسوا در نوزدهم مردم شهر، این مدافعین جدید ارتجاع را نیز آفتا کرد.

دراوا ثل دیما هیکتفر از پاسداران بحرمد داشتن "روابط نامشروع" با یک دختر پاسدار! دستگیر شد، این دختر پاسدار با کدام یک از مامور شلاق زدن زنان بدکار بود (۱۱) آتستن هم شده بود، زعمای پاسداران نوسفر برای جلوگیری از در زخیر به بیرون به پاسدار مذکور فشار می - آورند که با دختر پاسدار ازدواج نماید. ولی او نمی پذیرد. "وجدان" این پاسدار که هم "مکتبی" و هم "تقوا" بود، او را وادار به فاش ساختن حقیقت می نماید. وی اعتراف میکند که علاوه بر وی چهار پاسدار دیگر (که لابد آنها هم مکتبی بودند) با این دختر پاسدار "مکتبی" (که ما مور تنبیه زنان بدکار بود!!) رابطه داشته اند. در نتیجه هر پاسدار با داشت شده و پیرونده به دادگستری ارجاع میشود.

رژیم جمهوری اسلامی که روزی نامه‌هایش را از فحاشی و ناسزا های پلید پر میکند و همان رژیم شاه بدترین و کثیف‌ترین اتهامات را به انقلابیون و کمونیست‌ها در مورد با ملاح دانستن روابط نامشروع وارد کرده و از با ملاح پیدا

★ ★ ★

اخبار جنگ

کمکهای جمع آوری شده برای آوارگان در کجا خرج میشوند؟

خواهد بود. می خواهد بخورید، سازها باید
خدا را هم بگره زار باشد. آری از نظر رژی می که
هاشمی رفیقانی یکی از مردم دارانش در یک
قلم ۲۰۰/- میلیون تومان خرج خرید سلاح
برای پاسدارانش میکند و ۸۲ میلیون تومان به
روحانیون سنی و تبعه برای تحمیل مردم میدهد
و میگوید این جنگ خانمان برانداز خیرات
بسیار داشته است حتما این ها را همه حساب
خیرات جنگ میگذارد، غافل از اینکه ما با اتحاد
خود و با افتای سیاست های ضد مردمیست نخواهیم
کذاشت بیش از این بما اجاف بکند.

متحد شویم و حقوق حقه خود را از حلقوم رژیم
بیرون بکشیم!

آوارگان جنگ هوا داران را بیکار
در راه آزادی طبقه کارگر - شیراز -
۱۳۵۹/۱۰/۱۹

روی "شیر و خورشید" شمس پهلوی را سفید کردند!

رفیقی به ما گزارش کرده است که:
در خیابان گرگان میدان شریا درجا درجه ۴
سازندگی به مردم پیوسته فروشد، راجد و رنیل
این پتوها به قیمت ۱۶۰ تومان و به هر نفر ۴
پتو فروخته میشود، ولی به تازگی به خاطر استقبال
مردم به هر نفر یک پتو با در دست داشتن کارت
نفت و به قیمت هر پتو ۲۰۰ تومان میفروشند. این
پتوها همان پتوهاست که مردم به جنگ رده ها
کمک کرده اند. در ضمن یکی از همسایه های ما
یک کیسه برنج خریداری میکند و بعد در موقع
مصرف نامهای در کیسه برنج پیدا میکنند که روی
آن نوشته شده بود "این کیسه برنج را به جنگ...
زدگان هدیه کرده ام" گریه مصرف دیگری برسد
ما حجت آن را می نیست.

از مذاکرات محرمانه مجلس!

روز ۲۴ دی ماه در مذاکرات محرمانه مجلس
 مطرح میشود که "شهرها و از نقاط مختلف آن
کاملاً تحت محاصره است. ضمانت شهر هویزه، در
حوالی سوسنگرد، جنگ تن به تن جریان دارد و
تمام نواحی که طرف ۱۰ روز گذشته، رژیم از
جنگ نیروهای عراقی بدر آورده و آنهمه حول آن
تبلیغات کرده اند از طرف نیروهای عراقی باز
پس گرفته شده است!"

راستی مذاکرات "نمایندگان مردم" چرا
از "مردم" مخفی نگاشته میشود؟ آیا نه این
است که رژیم از روند حقایق وحشت دارد؟

حمایت از آوارگان با خرید و فروش آنان

درستاً بیوریا مداری به مردم پیشنها میکند
که میتوان از ۴۰ زن و بچه ای که آوارگان
جنوب میباشند و در نیشا بورسا کن هستند سرپرستی
کنند و در مورد شرایط این "معامله" میگوید که
هر کس در مقابل پرداخت ۱۰ هزار تومان می -
تواند یک زن و سه کودک را برای سرپرستی تحویل
بگیرد. پس از تحقیق معلوم شد که زن و مردی که
بچه ها داشته اند، در مقابل پرداخت ۵ هزار تومان
یک پسر بچه را تحویل گرفته اند.

رژیم خاشاک در حرف دم زدن حمایت از آوارگان
جنگ میزند، اما در عمل نه تنها مزارات آنان
بغاظر خواسته های اولیه و سرخشان سرکوب
نمیکنند بلکه از فروش آنان در آمدی را به
جیب میزنند!

ننگ برجین رژیم که سراپای آن دروغ
فریب است!

★ ★ ★

آوارگان زندان را بر چادرهای خارج شهر ترجیح میدهند

آوارگان جنگ زده در شهر شوشتر نیز چون
دیگر شهرها با مشکلات فراوان از نظر غذا، مسکن
پوشاک بهداشت و... بسر میبرند و جز از رودرد -
سرچیز دیگری از عوام رژیم ندیده اند.
عده ای از این آوارگان در شرایط سختی
در مدرسه مطهری بسر میبرند ولی رژیم بجای
بهبود وضع آنها سعی کرده تا با تهدید و ارباب
آنها را با خارج شهر و به زیر چادرها منتقل کنند،
که با مقاومت شدید آوارگان روبرو میشوند.
مزدوران رژیم آنها میگویند که اگر برای رفتن
به چادرها امضاء ندهند، کمبند را بر آغشان می -
فرستند. مردم زمختش و آوارها اظهار میدارند:
"ما حاضریم به زندان برویم ولی به چادرها
نخواهیم رفت."

عوام رژیم که در مقابل مقاومت آوارگان
خود را زیون می بایند و زیان همیگی رژیمهای
ارتجاعی آنها را تهدید به سرکوب میکند. آوارگان
زمختش که می بینند علیرغم زندگی در شهر و هم -
بستگی مردم، رژیم جمهوری اسلامی با آنها -
چنین رفتار میکند بخوبی آگاهند که در خارج شهر
نه تنها هیچ کمکی به آنها نخواهد کرد بلکه دوران
چشم پوشی و همچنان آنان را در شرایط طاقت -
فرسا نگهداشته و به سرکوب و آزار آنها خواهد
پرداخت ولی این را نیز با مقاومت رزمجویانه
نوده های آوارها روبرو شد.

آوارگان زمختش، مردم مبارز انزلی
با خلع سلاح و انحلال گروه ضربت "بره سر"
توسط مردم مبارز و متحد و فرهنگ راجح کریمی مرتجع
معروف رئیس گروه ضربت، معلوم شده است که
مبلغ ۷۰ هزار تومان که برای کمک به آوارگان
جنگ از مردم جمع شده بوده، صرف ساختن زندان
گروه ضربت و بقیه خرید یک اتومبیل با نام و برای
رئیس گروه ضربت گردیده است. در ضمن مقادیر
زیادی تاید، سیگار، روغن برنج احتکار شده
در گروه ضربت بدست مردم افتاده است.
مردم مبارز زمختش!

هم اکنون آوارگان انزلی که قربانیان
جنگ سرمایه داران ایران و عراق هستند در -
تربس برابط بسر میبرند. در حالیکه جمهوری
اسلامی کمکهای مردم را صرف ساختن زندانها و
خرید ماشینهای لوکس میکند. اینست ما هیئت
رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی. این حق عادلانه
توده ها است که با مداره انقلابی هلیا، ویلا -
های سرمایه داران و اجناس احتکار شده توسط
رژیم و سرمایه داران را، بدست آورند.
گسترده یاد جنبش او گبیرنده تعرضی توده ها!
با تمام قوا آوارگان جنگ نا عادلانه
حمایت کنیم!
مرکز برامیرالیم و راجع داخلی حامی آن!
برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!
سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر
(حوزه انزلی)

آش کشک خالته - بخوری پاته نخوری پاته!

پنیرها کیک زده است، در آش ها کرم پیدا
شده و اغلب بومیدهند! اغلب خرما ها کرم زده
هستند. در غذای دویباز به میخ پیدا شده است.
آب کوشت ها بومیدهند و قابل خوردن نیستند.
عده ها کم هستند و دیر داده میشوند. تاکنون این
عده ها با عت مسمومیت و بیماری تعدادی از
جنگ زدگان شده است. اما رژیم در پاسخ اعتراض
مردم میگوید مرکز طلبکارید، همس که هست، می -

جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده های ایران و عراق

”آواره زندانی آزاد باید گردد“

ما هشیور: رژیم جمهوری اسلامی با ادا محنت غیر عادلانه کنونی که به نفع سرمایه داران است باعث تشدید خائنه خرابی، فلاکت، فقر، گرسنگی و آوارگی شده های زحمتکش گشت. رژیم که به دروغ خود را حامی ”مستضعفین“ جا میزند، در طی این مدت آوارگی نه تنها خود کمکی به آنان نکرده بلکه کمک های مردم به موطنان جنگ زده را نیز دزدیده است.

زحمتکشان آواره از فشار گرسنگی، در بدی بی چیزی و برای گرفتن حقشان در کمپ ”ب“ نما پندگانی انتخاب میکنند رژیم که قصد ندارد حق آوارگان را بدهد سعی میکند قربانیان را در هر کجا که هستند خفه کند. بی شرمانه تنها پندگان واقعی را که مردم آواره انتخاب کرده بودند دستگیر و روانه زندان میسازد به همین منظور در تاریخ ۵۹/۱۰/۹ از طرف زحمتکشان آواره کمپ نظراتی صورت میگیرد. نظرات هر کتنگان در حالیکه برای اطلاع بقیه آوارگان در کمپ دور میزدند شعارهای ”آواره زندانی آزاد باید گردد“ ”نما پند کمپ آزاد باید گردد“ ”نمایند، نما پند حماقت میکنند“ ”حرف ها، حرف سما پند ما است“ ”اتحاد، اتحاد، آوارگان اتحاد“ را میدادند.

جمعیت پس از تجمع در محوطه و روی روی دیستان ”بها آزادی“ ما شهرنو، در حالیکه شعارهای بالا را تکرار میکردند بطرف ما شهر کهنه براه افتادند. راهیما بی زحمتکشان آواره شده توانسته بودیم رژیم را بیش از پیش در بین کلیه آوارگان کمپ و مردم ما شهر با زکند و نشان دهنده رژیم بجز یک مشت دروغ چیزی به آوارگان ننمیداد. باعث وحشت رژیم و پاسداران سرما شد. آنان بخاطر آنکه از رسیدن قریب آوارگان به گوش دیگر زحمتکشان جلوگیری کنند بهمانند از رسیدن نظرات به اول بیسان ما شهرنو- ما شهر کهنه با زد کردن جاده مانند سگان دریده به جمعیت حمله ور شدند.

پاسداران چند نفری را دستگیر کردند که تعدادی از آنان با مقاومت مردم زحمتکشان آزاد شدند. پاسداران که ابتدا ”اللها کیمزویان“ به آوارگان حمله کرده بودند زبونی و بیشرمی خود را به منتها درجه رسانده و شروع به تلبیک هوانی میکنند.

پاسداران بعد از مدتی در کمبری توانستند ۶ دختر و پسر آوارگان را دستگیر کنند. نظرات کتنگان بعد از این در کمبری دست به دست بطرف کمپ بازگشتند.

رژیم که با رها و بارها دشمنی خود را با زحمت کسان به اثبات رسانده است برای خفه کردن

نگاهی به جنبش آوارگان جنگ در سراسر ایران

تربا در زحمتکشان آواره به ایجاد جو حقان در کمپ مبادرت میکنند. رهی خیال باطل پاسداران و جاسوسان رژیم بعد از تمام شدن راهیما بی در محل کار (در ورودی کمپ) ایستاده بودند تا مردم آواره ای را که در راهیما بی شرکت کرده بودند دستگیر و با تعقیب نما پند تا در فرصت مناسب دستگیر و زندانی کنند.

آوارگان مستغیر در کمپ با این حرکت اعتراضی خودشان دادند که اهست اتحاد و همبستگی را به خوبی درک کرده و صف دوستان و دشمنان خود را تشخیص میدهند.

مختصر شده از ”قربا دآوارگان“ ۱۰ (کمیته خوزستان)

زحمتکشان عراقی:

قربانیان بمبارانهای

ارتش جمهوری اسلامی

از آغاز جنگ ارتشائی کنونی کمونیستهای راستین ادعای یوح سردمداران رژیم جمهوری اسلامی را که کوبا ”نیروی هوانی جمهوری اسلامی هدف های غیر نظامی را بمباران نمیکند“ را با دلایل و ارائه سند فنا کرده اند و نشان داده اند. هما بطوریکه ارتش مردور بیت عراق زحمتکشان ایران را با خاک و خون کشیده و بمبارانهاست. مدارس، محل تجمع زحمتکشان و... وادار آبادان هوا، زخم آباد، کرمانشا و... بمباران منعا بد در اثر بمبارانهای ارتش جمهوری اسلامی بیش از همه زحمتکشان عراق هدف حمله های وحشیانه قرار میگیرند. عکس با لاکه در روزنا میسران



بمبارانهای جمهوری اسلامی، با کتنگان زحمتکشان عراقی، ”انقلاب“ ما در میکنند!

چاپ شده بخوبی واقعیت را نشان داده و صدق گفته های کمونیست ها را همکار ردیگر اثبات مینماید. سند فوق بروشنی نشان میدهد که قربانیان بمباران بغداد توسط ارتش ایران را زحمتکشان عراق تشکیل میدهد.

آری، در جنگ غیر عادلانه بین رژیمهای ارتشائی ایران و عراق، زحمتکشان ایران و عراق قربانیان اصلی میباشند و از این جنگ ارتشائی جز مرگ و نیستی، درماندگی و در بدی چیزی عایدشان نمیشود.

مرگ دردناک ۵ زحمتکش آواره

لکه ننگ دیگری بر دامان رسوای رژیم

در اردوگاه جادری آوارگان واقع در ۶ کیلومتری تبریزها نندیساری نقاط دیگر زحمتکشان آواره در شرایط بسیار بدی بسر می- برند. ریزش برف در اطراف بهمنان و سرد تر شدن هوا زندگی را بر آنها سخت تر نموده است. در تاریخ ۶ دیماه یک خانواده جنگ زده برای گرم کردن خانه خود مجبور میشوند چراغ نفتی

شماره در صفحه ۱۵

نمونه ای از دزدی پاسداران

پس از مصاحبه با یوزیون فارس با آوارگان ساکن خوابگاه ها را مونت ساکنین متوجه میشوند که کمک مالی به این خوابگاه مبلغ ۴۰۰۰۰ تومان و سه انگشتی طلا بوده است و با ادعای پاسداران که کمک مالی را ۱۲۰۰۰ تومان با ضافه پول انگشتی اعلام کرده بودند تمام داد. پس از بر ملا شدن دزدی پاسداران سرما بهوا اعتراض ساکنین پاسداران که قصد دستگیری معترضین را داشتند در اثر اعتراض مردم عقب نشینی میکنند.

اما روز بعد پاسداران یوزی بدست به خوابگاه ریخته و غافل از آن را دستگیر میکنند که پس از گرفتن تعهد آزادشان میکنند.

این نمونه ای از ”اخلاق اسلامی“ پاسداران ”مکنی“ است. رژیمی که بر پایه منافع سرما به داران و جاسوسان موجودیت پیدا کند جز با دزدی و... نمیتواند تدریسیت کند.

به نقل با اختصار از ”قربا دآوارگان“ ۱۱ کمیته خوزستان

مبارزه علیه جنگ را به اهرمی برای گسترش انقلاب بدل کنیم

درباره اتحادیه ریزونیستها

برخی از رفقا در مورد اتحادیه ریزونیستها از ما سوال کرده اند، که نظرها در باره آنها چیست و چرا به لجن پراکنی ها و فحاشی های آنها نسبت به سازمان جوامعی نمیدهم. در مورد اول یعنی ما هیت "اتحادیه با بد بگوئیم که بنظر ما این نیرو، یک دارو دسته ضد انقلابی و ریزونیست میباشد، چه اینان با حمایت از رژیم جمهوری اسلامی و کینه ورزی نسبت به کمونیستها و انقلابیون، بعنوان سدی هر چند بسیار ناچیز و حقیر در برابر برداشتم انقلاب دمکراتیک - خدا مهربا لیستی خلقهای میهن را قرار گرفته و بنا بر این از طریق افشا و طرد با بد لایروبی شوند.

اینان خدمتگزاری و چاکرمنشی در آستان بورژوازی و دشمنی با کمونیستها (بویژه سازمان ما) را با دنیا کشا ندیده اند که به منظور خوش خدمتی به رژیم و بزم خودشان افشای ما برای افراد بسیج کلان گذاشته و آموزشند پیکاری میدهند (درخواستن) مردم را جمع کرده و بزم خود با افشای مواضع ما، ما را خیانکار به انقلاب جلوه میدهند.

اینان در دشمنی و لجن پراکنی به کمونیستها و خدمتگزاری بورژوازی دست پدرخوانده رنجبر - پشان را از پشت بسته اند و با حرارت دوسد - چندان به اشتراک همپا لکی های اکثریتی و رنجبری از ضد انقلاب حاکم دفاع میکنند. ممکن است عده ای بگویند آنها هنوز کما ملا رویز - نیست نشده اند چه فی المثل علیرغم کرات قوی به جانی هنوز سه جانی نشده اند، در پاسخ به این دسته از رفقا باید گفت: اشکال رویز - نیسم در رویز نیسم خروشچی و سه جانی خلاصه نمیشود، همانطور که رفیق لنین میگوید رویز - نیسم پدیده ای بین المللی است که در اشکال بی نهایت متفاوت ظاهر میشود، لیکن علیرغم دوری و نزدیکی اشکال آن به یکدیگر، ما هیتا یکی هستند و آن عبارت است از تجدید - نظردرما رکسیسم - لنین نیسم و نفوذ ایدئولوژی بورژوازی در پرولتاریا.

اساسی ترین مقوله ای که ما رکسیسم با آن سروکار دارد، دولت و مبارزه طبقاتی است. تجدید نظردرما رکسیسم در این دو مقوله اساسی به اشکال گوناگون و پیچیده آشکار میشود.

"اتحادیه ریزونیستها" در این دو عرصه اساسی کما ملا تجدید نظر نموده و با ملی خواندن دولت ضد انقلابی، حمایت فعال از آن و دشمنی با جنبش کمونیستی و انقلابی خلق، ما هیت رویزونیستی خوبی را به نمایش گذاشته است. آنها جنگ، این رویز نیسم پوشیده "اتحادیه ریزونیستها" را همچون "فداشیان اکثریت" به سویال شوینیسیم آشکارا رومی برده تبدیل نموده است؟

اینکه بپنداریم رویز نیسم در چند اصل



ما نند قبول ثنوری سه جهان و با قبول راه رشد غیر سرما به داری، همزیستی ممالمت آمیزو... خلاصه شده است، سخت دچا ره ساد اندیشی کشته ایم و بدین ترتیب مظاره گوناگون آن را نمیتوانیم توضیح دهیم. فی المثل آنها "اکثریت" بعد از کار ۵۹، علیرغم آنکه رسماً راه رشد غیر سرما به داری را قبول نکرده بود، می با بست گفت چون این ترویزونیستی را کما ملا قبول نکرده است، پس رویزونیست نیست؟! آنها که اگر دچا رچنین ساد - نگر می گشتیم، فرامیسم ضد انقلابی، ارتداد ایدئولوژیک و دشمنی آنها با جنبش کمونیستی و خلق را چگونه توضیح میدادیم؟! اگرچه بدلیل آنکه دوسیم عمیقاً منجمد رویزونیستی (خروشچی و چینی) وجود دارد، اما اشکال دیگری از رویز نیسم میتواند وجود داشته باشد که نسبت به دوسیم فوق از ویژگیهای برخوردار است. دارو دسته اتحادیه ریزونیستها نیز که همخوانی بسیاری با پدرخوانده نگان رنجبری خود دارند، در حال حاضر مدافع با مطلق "برداشت انقلابی" از ترسه جهان است، سرانجام احتمالاً به پذیرش کامل ثنوری ارتجاعی سه جهان تن خوا هداد، اگرچه هم اکنون ترهات رویزونیستی این ترزا در عمل و درجا معما پیدا نمیکند. دفاع از حکومت ضد انقلابی کنونی به عنوان کشوری مستقل و در برابر بردوا بر قدرت "تمونه ای از این ترهات است.

اما در جواب به قسمت دوم سوال که چرا ما با این جریان برخورد نمیکنیم. با بدبگوئیم که از آنجا که این نیرویک جریان ورشکسته سیاسی است که در صف دشمنان خلق و کمونیستها قرار دارد، و آنقدرنا چیز است که بعنوان یک نیروی مخرب با ساسا نقشی در جنبش خلق ندارد.

از اینرو ما رزه ایدئولوژیک با این - جریان هیچ تا شیر محسوسی در جنبش کمونیستی و انقلابی ندارد و لذا از هیچ اهمیتی برخوردار نبوده و افشای آن تا شیر قابل ملاحظه ای در جنبش باقی نمیگذارد و جز خرده کاری و بازماندن از مسائل اصلی، هیچ نتیجه ای در بر ندارد. بالعکس "چریکهای اکثریت" گرچه در صف دشمنان جنبش کمونیستی و انقلابی قرار دارند، لیکن بدلیل نفوذ نسبتاً توده ای که دارد، ناشی بس مخرب و ضد انقلابی را در جنبش باقی میکنند و به همین دلیل افشای این جریان و شرکای توده ای، از اهمیت حیاتی برخوردار است و با بدبگوئیم که ما رزه ایدئولوژیک ضروری نیستم متوجه این نیروهای ضد انقلابی رویزونیست با شد.

رفیقان از دانش آموزی غرب ته - ران بر سیده است آنها شار "رژیمهای که خلقهای خود را سرکوب میکنند، نمیتوانند در جنگی بنفع مردم شرکت کنند" شعار غلطی نیست؟ رفیق! نظر تودوست است، این شمار از آنجا که حکم کلی ما در نموده است که کلیه رژیم های ارتجاعی نمیتوانند در جنگ عادلانه شرکت کنند، اشتباه است. جنگ فدوا پنی در چین، جنگ جهانی دوم و نمونه های دیگر شاد این مدعا هستند که رژیمهای که خلقهای خود را نیز سرکوب میکنند، شرکتشان در یک جنگ عادلانه میتواند عملاً بنفع جنبش تمام شود. اگرچه آنها از موضع ضد انقلابی خودشان و برای منافع خویش در جنبش جنگی شرکت میکنند، در این مقطع، منافع خلق و رژیم ضد انقلابی همو میشود.

از اینرو اگرچه بطور عموم رژیمهای سرکوبگر نمیتوانند در جنگی بنفع مردم شرکت کنند، اما این اطلاق مطلق نیست و به ما هیت جنگ وسیع استی که منجر به جنگ شده بر میگردد، اما در مورد خاص ایران و عراق این شمار درست است، چه جنگ کنونی، جنگی ارتجاعی است و رژیمهای ایران و عراق که خلقهای خود را سرکوب مینما یند، اهداف و سیاستهای ارتجاعی را در این جنگ دنبال میکنند و نمیتوانند در جنگی بنفع مردم کشور خویش شرکت کنند. این شمار در این مورد مشخص صحیح است و ما شعار قبلی را بدلیل اینکه جنبه ای کلی داشت حذف کردیم.

رفیق ع - ه طی نامه ای خواستار روشن نمودن درک سازمان نسبت به ساختار معما، مرحله انقلاب، مضمون انقلاب دمکراتیک و مرز بندی با نظرات دیگران شده است سپس پرسیده است چگونه در روسیه انقلاب دمکراتیک بدون رهبری پرولتاریا تحقق یافت و آیا امکان گذار به انقلاب سوسیالیستی بدون عبور از مرحله دمکراتیک امکان پذیر است یا نه؟ ما در مورد مسائل فوق در آتیه نظرات خود را بیان خواهیم نمود اما در مورد انقلاب دمکراتیک فوریه روسیه بصورت مختصر در اینجا پاسخ میدهم:

رفیق، جا معروسیه یک جا معسرما یه - داری بود، که تحت سلطه امپریا لیسم نبود، بلکه خود یک کشور امپریالیستی محسوب میشد و لی از آنجا که در روسیه بقایای نیرومند مناسبات فئودالی برقرار بود و بدلیل آنکه بین زیر بنا و روبنا آن تفا وجود داشت یعنی طبقه مسلط اقتصاد بورژوازی و طبقه مسلط سیاسی فئودالها بودند، مرحله انقلاب دمکراتیک بود. در آن شرایط هنوز سرما به جاییگاهها ملا ارتجاعی نیا فته بود (پس از سال ۱۹۱۴، دارای چنین جایگاهی گشت) از اینرو لنین در دوتا کتیک از دورا ه برای تحول دمکراتیک انقلاب سخن



دکتر ابراهیم یزدی

اسم: دکتر ابراهیم یزدی
ایدئولوژی: لیبرالیسم بورژوازی ضد انقلابی
تابعیت: تبعه آمریکا (تا قیام بهمن ۱۳۵۷)
شغل: معاون سابق نخست وزیر در "امور انقلاب"
وزیر پیشین امور خارجه نماینده ویژه "ام" در امور
استانهای سرد بهر سابق روزنامه کیهان، نماینده
مجلس شورای اسلامی
جرم: توطئه علیه انقلاب خلقهای ایران، حفظ
مبازسازی سرمایه داری وابسته و محیثت به
منافع خلقهای ایران

● در این ایام خفان، آنگاه که معیار مبارزه و
انقلابی بودن در میان مبارزه محک زده میشد،
آسوده بال به آمریکا رفته و در آن کشور مقیم میشود.
● با داشتن تیترو دکتر در روسا در شهر هوستون
(تگزاس) بکار بردن آتش و با اشبات "لیاقت"
و "شایستگی" اش، "افتخار" "تبعیت کشور"
آمریکا را پیدا کرده و دارای گذرنامه آمریکا شد
میگردود و برقراری جمهوری اسلامی و قبول
مسئولیت اجرایی وی رسماً آمریکا شد "بود و
موظف به دفاع از منافع امپریالیسم آمریکا!
(میگوید) و هنگامی که سپورت آمریکا شد که
به کمک یکی از سنا توره های لیبرال فراهم شده
بود آقای یزدی طبق مرسوم پرچم آمریکا را
بوسیده و بدین سو کند و وفاداری یاد کرده است!
● او جگیری فعالیت های انقلابی مسلحانه
در ایران از سال ۵۵ به بعد و افتادن نظام
مجاهدین خلق بر سر زبانه ها و وچمران و قطب -
زاده را بفکر سو استفاده از نام مجاهدین
انداخت، آنها گمان می بردند با اصلاح
حمایت از مجاهدین و چسباندن خودشان به آنان
میتوانند در میان مجاهدین تاثیر گذارده و لا آتیا
را از هم کاری با کمونیستها باز دارند و دیگر
آنکه آنان را از سیدما رکیسم لنینیسم بعنوان
"علمرهای خلقها در مبارزه با امپریالیسم"
منصرف سازند، یزدی کوشید با انتشار نشریه ای

گفیرخواست انقلاب علیه ضد انقلاب

افشای ماهیت سران لیبرالها و حزب
جمهوری اسلامی در پیشگاه خلق

ما رژیم شاه را در آستانه نابودی قرار داده بودیم
● عضویت در شورای با صلاح انقلاب که مرکز
تجمع ضد انقلابیون لیبرال و حزبی و اهرم
گرداننده سرکوب انقلاب و توده ها بوده است.

● تلاش برای منحرف کردن مبارزه ضد امپریا-
لیستی توده ها به سمت ضدیت با کمونیستها و سر-
کوب آنان، رفسنجانی پس از ترور مطهری به
وسیله گروه فرقان، آن اقدام را وقیحانه به
کمونیستها نسبت داد، اینرا در یک سخنرانی
در مراسم که با حضور آیت الله خمینی بهمین
مناسبت در قم برپا شده بود ایراد کرد (روزنامه
۱۳ اردیبهشت ۵۸) این عنصر عوام فریب
کمونیستها را به "ترور" متهم میکنند تا توده های
نا آگاه را به دشمنی علیه کمونیستها - ایمن
دشمنان آشتی نا پذیر سرمایه داری - برانگیزد
اما حوادث بعدی مشت اورا باز کرد و نشان داد
که تروریست و آدمکش، رژیم جمهوری اسلامی
بویژه حزب ایشان است. ترورهای که رژیم
جمهوری اسلامی تا بحال علیه انقلابیون
کمونیست و مجاهدان زحمتکش ترورچهار رهبر انقلابی
خلق ترکمن (توابع، مخنوم، جرجانی، واحدی) و
پیکارگران شهید طیب نجم الدین، معبود
مالچی را و غیره به اجرا درآورده ماهیت جنایت
- کارانه و تروریستی آقای رفسنجانی و حزبی
را بخوبی نشان میدهد.

● از بنیانگذاران حزب ارتجاعی جمهوری
اسلامی: حزب جمهوری اسلامی که آقای رفسنجانی
از اعضای اصلی شورای مرکزی آن است خیانت
های بی شماری مرتکب شده که یکی از آنها مانع
از اقدام انقلاب، تلاش برای سرکوب انقلابیون
و کمونیستها، ترور و آدمکشی و قتل عام در
کردستان و دیگر مناطق، ایجاد جو خفان و نفی
عقاید و دستجات مبارزه با احزاب سازمانهای
سیاسی، برهم زدن میتینگها با چاقو دران حزب
الهی - که رفسنجانی بویژه در زمان تصدی
وزارت کشور در آنها نقش فعال به عهده داشته است.
● ایفای نقش فعال در اجرای انتخابات
قلابی مجلس و رفتار دودمان قانون اساسی ولایت -
فقیه که "تصویب" آن ضربه بزرگی به انقلاب
بقیه در صفحه ۲۲



علی اکبر هاشمی رفسنجانی
(حزبی)

اسم: علی اکبر هاشمی رفسنجانی
ایدئولوژی: "مکتبی" مکتب سرمایه داری
شغل: زمیندار، بازرگانش، عضو شورای
اسلامی.

جرم: شرکت فعال در مبارزات سرمایه داری
وابسته به امپریالیسم سرکوب و کشتارگران
و زحمتکش و محیثت به خلقهای قهرمان ایران

● حجت الاسلامها شمی رفسنجانی در حالیکه
بورس بازاری و زمین خوار ناشی از رشد سرمایه-
داری وابسته و دسترنج میلیونها تن از
زحمتکشان ما را و خبیانه می بلعید و صدها هزار
تن از کارگران و زحمتکشان در محبوسیت با دها و
طلبی آبادها در حرکت خانه های محقر بسر میبردند
به شغل انگلی و برادر مدیسا و بفرشی مشغول
بود. در اواسط سالهای ۴۰ زمینهای وسیعی در
خیابان آزادی (جول و جوش مسجد صاحب الزمان)
را ساخت و فروخت، در کرج همه همین کار
مشغول بود، منجمه ساختن بانک صادرات
مقابل شهرداری کرج را و ساخت، همچنین در
زمینهای "سالاریه" قم نیز به شغل بازاری و بفرشی
مبپردازت، داشتن باغهای پسته در رفسنجان
نیز یکی دیگر از افتخارات ایشان است که
معروف همگان میباشد. آقای رفسنجانی طی
سفری به خارج کشور در سال ۵۴ کوشید امتیاز نمایندگی
برخی از شرکت های ژاپنی را نیز کسب کند، بنا بر
شواهد فوق و یک سرمایه دار و زمین خوار میباشد.

● طبق اسناد مکشوفه در سفارت امپریالیسم
آمریکا رفسنجانی به همراهی رجبی خود بهشتی
بطور مخفیانه و دور از چشم خلقهای بیباک
ایران در سال ۵۷ قبل از قیام با ارتش
"فره باغی" و سپهبدان مرقم "رئیس ساواک شاه
ملاقات کرده است (نامه دانشجوی سابق "پیرو
خط امام" به نشریه مجاهد ۱۴۰۴) آقای رفسنجانی
زمانی به ملاقات و مذاکره و سازش با جلادان خلق
- های ایران مشغول بود که توده های زحمتکش

علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد پیکار توده ها!

جناب رقیب قرار گرفت. (مدالیت "انتقاد" حزب جمهوری اسلامی از موضع ارتجاعی و در جهت تقویت مواضع خودش صورت می گرفت). وی و بازرگان در این ملاقات وعده های "شیرینی" برای امیرالایم آمریکا داده بودند.

● پس از اشغال "سفارت" امیرالایم آمریکا در آبان ۵۸ و تشدید جنگ قدرت بین لیبرال های خائن و "حزب" یزدی خائن تلاش زیادی برای آزادی فوری ۵۲ گروگان آمریکائی نمودولی موفق نشد.

● با جریان اشغال سفارت "دولت موقت" بازرگان استعفا داد. اما دکتر یزدی فرصت دیگری برای ادا مخیلات ها پیش پیدا کرد. در این مورد، خود این خائن میگوید: "به خدمت ما رسیدیم ایشان تا شید کردند که من حتما مسئولیتی داشته باشم. و وزارت امور خارجه که بعنوان وزیر، چند ماهی در آنجا خدمت کردم مورد تائید ایشان هست." (با مداد ۲۶ آبان ۵۸). دکتر یزدی از طرف آیت الله خمینی بعنوان نماینده ایشان در امور استانی انتخاب شد.

اولین ماموریت وی در این مقام، سفر به بلوچستان بود که با نظرات و اعتراض شدید مردم زاهدان مواجه گشت. (رجوع شود به مقاله "یزدی دزدی که" "آمین قافله" میشود). پیکار ۲۵ مورخه ۳ دی ۱۳۵۸.

● در انتخابات "مجلس شورای اسلامی"، یزدی خائن بعنوان "نماینده تهران - سراز صندوق های رای" درآورد.

● از طرف آیت الله خمینی به سرپرستی روزنامه کهان انتخاب شد و آن روزنامه به یکی از ارگان های لیبرال های خائن تبدیل شد.

● در ادامه تشدید جنگ قدرت در بلا، آیت الله خمینی برای روزنامه کهان فرد دیگری که از نزدیکان "حزب جمهوری اسلامی" است انتخاب کرد. این خائن همچنان مورد تائید آیت خمینی است و با آیت الله خمینی ملاقات کرد. (میزان شنبه ۲۵ دیماه ۵۹).

آیا خلق قهرمان ما خیانتهای یسزدی لیبرال، دوست و همدست امیرالایم آمریکا را خواهد بخشید؟ طبیعی است که توده ها با انقلاب پیروزمندان آنچنان تودهنی به لیبرال ها و حزبیها نخواهند زد و آنچنان درسی به دوستان نشان بدهند. امیرالایم خواهد داد که برای خلق های دیگر نیز سرمشق گردد.



بقیه از صفحه ۲۳ چیاک چینگ...

چیاک چینگ میباید چرا که از این مبارزه طبقاتی جاری وحشت دارد. او میداند که مبارزه ما رکنست لنینیست خشم توده ها را فروخته تر خواهد ساخت و آنرا بی باکانه ترسوی مبارزه انقلابی علیه بورژوازی حاکم سوق خواهد داد. تنگ از ادا چیاک چینگ وحشت دارد و در چگون چیاک چینگ سمبولی از مبارزه طبقاتی جاری در چین است.

اسناد و اک در اختیار وی قرار گرفت (اسنادی که هرگز فاش نشدند).

● در نخستین روزهای قیام، عسدهای از انقلابیون، "سفارت" امیرالایم آمریکا را اشغال و "سولیوان" سفیر آمریکا را با سارت گرفتند. یزدی خائن همراه سرهنگ توکلیس مزدور شتابزده در آنجا حاضر شده و سسه "داد" آمریکا شیان جاسوس رسیده و سفارت را با لیمه آنها بازگرداندند و همسویی منافع خودشان را با امیرالایم آمریکا در عمل به ثبوت رسانیدند.

● در اوایل بهمن ۵۸، از طرف دکتر یزدی و به دستور آیت الله خمینی هیئتی که شهریار روحانی (داماد یزدی و سردبیر سابق کهان) و دکتر جلیل - ضرابی (از همدستان یزدی در آمریکا) و... در آن عضویت داشتند به سرپرستی سفارت ایران در آمریکا انتخاب شدند. آنها با سرمداری یزدی اسناد روابط ایران و آمریکا را از آنجا خارج کردند ولی هرگز معلوم نشد که این اسناد به کجا رفتند.

اسناد جنایات آمریکا در ایران و دیگر کشورهای منطقه که در سفارت ایران دروا شکستن و نیز سفارت ایران در بیروت بود، همه در اختیار یزدی بوده است. او در خدمت به آمریکاها و در خیانت به خلق های ایران و منطقه ای - اسناد را پنهان یا معدوم کرده و یا بهتر بگوئیم به ربا با نش رد کرده است!

● پس از استعفا دکتر سنجابی از وزارت خارجه دکتر یزدی خائن، بجای او منصوب شد تا همه خیانت هایش در باغ دگسترده تری ادا مدهد.

● دکتر یزدی بی اعتنا به شورش انقلابی مردم و پشتیبانی و همبستگی آنان با انقلاب خلق های منطقه، خائنه از "یوسف العلوی" کفیل وزارت خارجه سلطان نشین عمان در تهران استقبال کرد (روزنامه های ۶ تیر ۵۸) و با ردیگر دشمنی اش را با انقلاب خلق های منطقه و همسویی اش را با رژیم ارتجاعی و وابسته عمان نشان داد (پیکار شماره ۱۰ مورخه ۱۱ تیر ۵۸).

● یزدی خائن برای آرایش چهره امیرالایم آمریکا و تقویت روابط ایران و آمریکا و معرفی آن در میان نگ بعنوان "دوست خلق فلسطین" این نماینده امیرالایم آمریکا را به ایران دعوت کرد (کهان ۳ شهریور ۵۸ و پیکار ۲۰ مورخه ۱۹ شهریور ۵۸).

● این لیبرال خائن، هنگام تمدد وزارت امور خارجه در کنفرانس کشورهای با مصالح غیر متعهد در کویت شرکت کرده و در باب زکشت طی توقیف در آمریکا با مقامات آمریکا ملاقات و قرارداد خرید ۲/۵ میلیون دلار اسلحه از آمریکا را امضاء نمود.

● او که همواره با پشتیبانی آیت الله خمینی و با استفاده از توهم توده ها در مقابل افشاگری های انقلابیون و کمونیست ها با فحاشی و توطئه موقعیت خود را حفظ کرده بود پس از ملاقات با برژینسکی (مشار و یوزکا رتر) (که با تفاسی بازرگان در الجزیره صورت گرفت) مورد انتقاد

بها مها همدرد را با مصالح پشت جبهه مها همدین معرفی کند ولی بخش خارج از کشور مها همدین که در آن موقع بوسیله رفقای ما اداره میشد همدین را نه و در حدی که توان ایدئولوژیک و سیاسی آنان در آن زمان اجازه میداد مانع چنان سوء استفاده ای شد. (رجوع شود به پیکار ۲۸ مورخه ۲۴ دی ماه ۱۳۵۸).

● دکتر یزدی با انتشار ربا مها همدین آمریکا (که آن را قطب زاده دربار ریس تکثیر میکرد) با ادعای طرفداری از مها همدین برای خود را و - دسته ای برای انداختن ولی شیروهای انقلابی را هرگز نتوانست بفریبد. رقیب شهید مرتضی - خاموشی یکی از گمانی بود که یزدی آنها را رها کرده با زمان مها همدین پیوست (پیکار ۴۴ مورخه ۸ اسفند ۵۸) تلاش یزدی برای منحرف کردن و مشغول نمودن هواداران مها همدین در آمریکا و جمع آوری امکانات مالی فراوان بنا مها همدین صرف آنها به میل خویش داستان طولانی دیگری دارد.

● نقش ضد کمونیستی یزدی بویژه پس از تحولات درونی سازمان مها همدین در سال ۵۴ و انشعاب عربیان ترکشت و او با مصالح حمایت از "مجا همدین اصل"، "منافقین" یعنی کمونیست ها را می گویند حق بقی پس از دوران قیام بخوبی نشان داده است که این با مصالح حامی "مجا همدین اصل" تا چه حد به اندیشه انقلابی مها همدین وفا دار بوده است! یزدی از فردای قیام که در دولت موقت قرار گرفت هرگز کینه توزی خود را بحکم موضع طبقاتی علیه مها همدین خلق نتوانست است لاپوشانی کند. "حمایت" و در گذشته فرصت طلبانه و مصلحت گرانه به بود و این را هم و وهم چمران و بسیاری دیگر بوضوح نشان داده اند.

● نشریه "پیا" مها همدین "دکتر یزدی و شرکا" در قبال جنبش خلق فلسطین با حمایت به بدریغ از "حرکت المحرومین" موسی صدر نقش خائنه ای ایفا میکرد (برای نمونه به شماره تیر - مرداد - شهریور ۵۵ این نشریه مراجعه شود).

● یزدی تا اوگیری جنبش توده ها در سال های ۵۷ - ۵۶ بزدگی "رام" به برکت تا به نسبت آمریکا شایع مشغول بود. وی با اوج مبارزات توده ای برای پیاده کردن نقش های ضد انقلابی و خیزدن به "قدرت" به حرکت درآمد.

● دکتر یزدی در پائیز ۵۷، هنگام خروج آیت الله خمینی از عراق و پس از مقدماتی شکست انگیز به عراق رفت و اولین قدم را برای طی "نردبان ترقی" برداشت.

● امیرالایم یزدی هنگام اقامت آیت الله خمینی دربار ریس از مشاوران ایشان بسودودر اغلب مصاحبه ها نقش مشاور (ظاهرا مترجم) را بازی میکرد. وی در بهمن ۵۷ با تفاق آیت الله به ایران بازگشت.

● با انتخاب مهدی بازرگان از سوی آیت الله خمینی به نخست وزیر، دکتر یزدی به "معاونت نخست وزیر در امور انقلاب" انتخاب شد و تمام

۸ بهمن ۵۷

توده‌ها فریاد

می کشیدند:



رهبران ما را مسلح کنید! اما رهبران صلاح نمیدانستند!

۲ سال پیش در چنین روزهای توده‌های زحمتکش و انقلابی خلقهای ما، در روند اوگیرنده مبارزات خویش تدارک قیام پیرشکوه بهمن را می دیدند، بختیار مزدور، آخرین "نخست وزیر" شاه جلاد با مشت های آهنین زحمتکشان مواج شده بود. بحران انقلابی جا معه هر لحظه اوج و شدت بیشتری می یافت، ارتش شاهنشاهی در مقابل استواری و پایداری توده‌های انقلابی به ستوه آمده بود. در چنین شرایطی بود که روز هشتم بهمن ماه ۵۷، زحمتکشان و جوانان انقلابی در تهران و... حماسه‌های پرشکوهی از عشق به رهائی زحمتکشان، خلق کردند و نمایش های شور انگیزی از کینه و نفرت طبقاتی به مزدوران امپریالیسم و ارتجاع داخلی بپا کردند. بختیار خاش که "زادخواه" نمائی های فریبکارانه اش نتوانسته بود کوچکترین خلیی در اراده انقلابی مردم زحمتکش ایجاد نماید، چهره واقعی خود را نشان داده و با ارتش تا به دندان مسلح و با گلوله های آمریکائی و سراسیمگی به سیل خروشان توده‌ها که فریاد آزادی سرداده بودند، یورش برد. توده‌های انقلابی در مقابل شلیک بی امان مسلسل های ارتش آمریکائی شاه، با تکیه به تجربه یکساله مبارزه و رهنمودهای انقلابی، خواهان پاسخ انقلابی و قهرآمیز بودند. آنها در اطراف دانشگاه با خشم فریاد برآوردند که: "رهبران ما را مسلح کنید"، "گلوله، پاسخ گلوله" و... و... و... رفسنجانی اعتراف میکند که، پاسخ آن به اصطلاح رهبران این بوده است که: "لا صلاح نیست! درست است مسلح شدن توده‌ها به صلاح آمریکا و همدستان مرتجع اش نبود! چه شورانگیز بودند! جام انقلابی توده‌ها به مزدوران گارد جاویدان و خلق سلاح مزدوران ارتش درمیدان "انقلاب"! توده‌ها، امید چندانی به "رهبران" نداشتند، خود در صدد مسلح شدن برآمدند. آری در چنین لحظاتی با رهبران سازگار، بهشتی ها رفسنجانی ها، موسوی اردبیلی ها، بازرگانها... در توافق با خمینی با ژنرال هویز آمریکائی

بگفتگو نشسته و با ارتش بد قره باغی، بختیار و تیمسار مقدم مزدور را سازش را می جستند. توده‌های انقلابی در برابر ارتش مزدور شاه مهرمانا نه با نفشائی میکردند، مسلسل مزدوران را بقیامت جان خود، از دستهای تبهکاران خارج میکردند، تیمسار "مدری" مزدور را با وجود محافظان نظامی مسلح اش، خلع کرده و مجازات انقلابی مینمودند...، قریباً دمسلم شدن بر- میا آوردند، ولی "رهبران" نردخیانت میباختند و تدارک سازش خاشانه خود را می دیدند. در روزهای تاریخی بعد از ۸ بهمن نیز فریاد "رهبران، ما را مسلح کنید! توده‌ها، از جانب آنان بی پاسخ ما ندو جز این نمیتوانست باشد در فقدان سازمان انقلابی سرتاسری و آهنین زحمتکشان که مبارزه انقلابی توده‌های زحمتکش را رهبری کرده و به سرانجام پیروزی برساند، توده‌های انقلابی دست به ایستار انقلابی زده و در صدد مسلح شدن برآمدند. آنان در اوج قیام حماسه آفرین بهمن نیز به چشم دیدند که در برابر مارش انقلابی و پرشور آنان به سمت سربازان- های ارتش شاه و خلق سلاح آنان از ناحیه "رهبران" قریباً دسر داده میشد که: "اما م، حکم جها دنداده!" رژیم کهرهبران نش به مذاکره با هویز را میپزداختند تا مانع قیام توده‌ها گردند و قیام خونین توده‌ها و خون شهدا را با مال کرده و اکنون نیز به سرکوب و کشتار توده‌ها و بند و بست با امپریا- لیسم و بازاری سرمایه داری وابسته مشغول است، بیپهوه می کوشد خود را میراث دار شهیدان مبارزات توده‌ها بر علیه شاه جلوه دهد.

و اکنون ادا مه دهنده سنت انقلابی توده‌ها در ۸ بهمن...، توده‌های انقلابی خلق های ما هستند که در گردنشان و... با میا رزه بر علیه حافظان جدید سیستم سرمایه داری وابسته، پرچم خونین مبارزات را درست گرفته اند. با دقهرمانانی های توده‌های انقلابی را در ۸ بهمن ۱۳۵۷، با ادا مه راه سرخ انقلاب گرامی می داریم.

★ ★ ★

بقیه از صفحه ۱۸ پاسخ...

میگوید، یکی تحت رهبری پرولتاریا و دیگری تحت سیاست خرده بورژواشی و بورژواشی که البته بهترین راه، راه حل اول بود. تحولات روسیه چنین میشود که در انقلاب فوریه بورژوازی جا نشین تزاریم میگردد. از این لحاظ انقلاب دمکراتیک تحقق میپذیرد. چاهلی ترین تفا دیغنی تفا دیغین زیر بنا (طبقه مسلط اقتصاد) و روبنا (طبقه مسلط سیاسی) حل میشود. و در حقیقت با یک انقلاب سیاسی، تغییر ماهیت قدرت سیاسی و... صورت میگیرد. لیکن وظایف دمکراتیک آن دست نخورده باقی میماند که پرولتاریا در طبقه انقلاب سوسیالیستی اکثریت بعد از آن به حل این وظایف میپردازد.

اما در عمر کنونی (امپریالیسم) در جوامع تحت سلطه، انقلاب صرفاً سیاسی معنی و مفهوم ندارد، چه جا بجائی قدرت سیاسی هیچ مسئله ای را به تنهایی حل نمیکند و آن جا معرادر دو اردوگاه سرمایه به جابجائی باقی نگه میدارد. جوامع طبقه مسلط سیاسی و طبقه مسلط اقتصاد برهم منطبق بوده و مضمون اصلی انقلاب را اهداف دیگری تشکیل میدهد. در مورد آخرین نکته یعنی امکان گذار به انقلاب سوسیالیستی بدون عبور از مرحله دمکراتیک با بدگفت که بنظر ما اگرچه روند عمومی جا معه ما چنین راهی را به بعد میسازد، اما غیر ممکن نیست و این امر نه فقط در جا معه ما، بلکه اصولاً در ساجوامع تحت سلطه نیز میتواند صادق باشد، یعنی مرحله دمکراتیک سیری گرد و دوا پیروزی انقلاب سوسیالیستی وظایف انقلاب دمکراتیک در دوره سوسیالیسم به آنجا میرسد، اما نباید فراموش کرد که شرایط عینی و ذهنی لازم برای گذار به انقلاب سوسیالیستی، در جا معه ای که مسائل دمکراتیک در آن حل نگشته است، به سختی ممکن است فراهم آید و در واقع برای گذار به مرحله سوسیالیستی بطور عموم باید از مرحله دمکراتیک عبور نمود.

■ - با بررقائی که برایمانا مه فرستاده اند: رفیق س، الف شیراز - حمید - ط - ه، کافیروز - آبا د فارس، م، ط - د، آمل - رفیق مصطفی مشهد - غ، الف تبریز - ن، تبریز - ع، ل، تبریز - فواد - م - ر، تبریز - حبیب از تبریز - مهناز - نسرين - محلات جنوب تهران - ج - م، ع - س، ب - فیروز تبریز - رفیق ارا هواز - افسانه آبادان - ع، پیشمرگه - ماز شیراز - ف - از معلمان تهران - هواداران - قم - یکی از مروجین دانشجویان و دانش آموزان پیکار - الف جهرم - P تهران - م، کاهواز - احمد - الف دزفول - کمیته غرب تهران - م، ع، اهاواز - محسن بلوچستان - ف، م، سراوان - آ، بروجرد - م، ب - مازندران - هشت "پاران جت" اندیشک.

هجوم وحشیانه پاسداران به خوابگاه دختران دانشجو

پس از مدتها درگیری وزدو خورد بین اوباشان جمهوری اسلامی و دختران دانشجو خوابگاه شماره ۳ واقع در ۱۶ آذر که توسط مردم حمایت میشدند و عدم موفقیت اوباشان برای بیرون راندن دختران دانشجو، روز جمعه بعد از ظهر اوباشان و پاسداران جمهوری اسلامی به خوابگاه دختران حمله کرده و بعد از مدتی درگیری وزدو خورد و مجروح کردن دختران دانشجو، آنان را از خوابگاه بیرون کرده و مکان زندگی را نیز از آنان گرفتند؛ پاسداران مردمی را که از دختران دانشجو حمایت میکردند، دستگیر کرده و میکوشند با این اعمال مانع حمایت توده ها از دانشجویان شوند؛ زهی وقاحت وی، شرمی! رژیم جمهوری اسلامی با این اعمال ضد انقلابی تنها ساعت مرگ خود را نزدیک میکند. رژیم جمهوری اسلامی با این بهانه که خوابگاه را به آوارگان جنگ اختصا میدهد به آنجا حمله میکند اما این فریبی بیش نیست مردم زحمتکش میپرسند: اگر رژیم و اقا برای آوارگان دل میسوزاند چرا هتلها و ساختمانهای که عاقل مانده اند برای سکونت به آنها نمیدهند؟ حمله به خوابگاه ها توطئه ای دیگر برای سرکوب دانشجویان انقلابی و آواره و سرگردان نمودن آنها در غیاب آنهاست.

میلیون نفر از مردم مناطق جنگ زده آواره و گرسنه شده اند، دزدانه و بدو از چشم توده های گرسنه ۲۰۰ میلیون تومان از بیت المال مردم را به جیب امپریالیستها میریزد؛ دانشا: آقایی رفسنجانی با این پول که از خون دل کارگران و زحمتکشان و از طریق استنفا آنها توسط سرمایه داران بدست آمده برای پاسداران الحده می خرد تا پاسداران در حفاظت از سرمایه داران مبارزات کارگران، زحمتکشان و خلقهای ستمدیده و نیروهای انقلابی بویژه کمونیستها را شدید تر و مجهز تر از پیش سرکوب کنند.

حجت الاسلام رفسنجانی نیز همچون دیگر باران جنایتکارش، دستش بخون کارگران و زحمتکشان و انقلابیون آلوده است. این عنصر فریبکار که معمولا محبت خود را با رنگ و لعاب عوامفریبانه و با جملات لفظی به امپریالیسم می آراید در عمل خاشاکه، با امپریالیستها عقدا تحا دوستی بسته و به سرکوب انقلاب و کمونیستها می پردازد. رفسنجانی از باران آیت الله خمینی بوده و در زیر چتر حمایت او بر آریکه قدرت تکیه زده است او با جمع کردن مفت - خوران و عوامفریبان به دور خود در مجلس ارتجاعی به تحمیل مردم زحمتکش پرداخته و ضمن سرکوب انقلاب کارگران و توده های زحمتکش را به تن دادن به استثمار سرمایه داران دعوت میکند.

★ ★ ★

عوامفریبانه از "مبارزه ضد امپریالیستی" دم میزنند. اما وقتی پای منافع طبقاتی در میان می آید دست تیار و اتحادیوی امپریالیستها دراز میکنند تا بر علیه دشمنان شمار یک و آشتی - نا پذیر سرمایه داری یعنی کمونیستها را ستین متحد شوند. دعوت رفسنجانی از امپریالیستها چیزی را نشان نمیدهد جز حمایت پلین شخص و دارو دسته حزبی اش از امپریالیستها و استثمار کارگران و حتی اروپا در مقابل کمونیستها بگذریم از اینکه عنا صری مثل ایشان شوروی امپریالیستی را نیز جزو کمونیستها حساب می آورند! (رجوع شود به افشاگری پیکار شماره ۶۹)

● - شرکت فعال در بازسازی نظام تنگت باز سرمایه داری وابسته: اوباشان و یکی از مهره های اصلی رژیم جمهوری اسلامی جده رشورای - انقلاب چه وزارت کشور و چه در مجلس ارتجاعی فعالانه در بازسازی سرمایه داری وابسته شرکت کرده و هرگونه حرکت انقلابی برضای سیستم را به همراه دیگر جناحهای رژیم سرکوب کرده است. ● - شرکت در تمام مخیانتها و جنایاتی که بهشتی و امثال او انجام داده است بطور مثال روشن است که ملاقات بهشتی و موسوی اردبیلی با جاسوسان امپریالیسم آمریکا (قبلا افشا شده است) هرگز بدون اطلاع آقای رفسنجانی نبوده است.

● - رفسنجانی مزورانه ادعا میکند که در نظام جمهوری اسلامی افراد ملت با یکدیگر برابرند و در سرفیه خارج نخست وزیر شدن رجائی را به رخ میکشد که از معلمی به نخست وزیری رسیده است ولی هیچ سخنی از بازسازی و قوم و قبیله پرستی رایج بمیان نمی آورد. هم اکنون آقا زاده ها، دامادها و ویراده ها بانوان حضرات بمسورت شخصیتهای معتبر جمهوری اسلامی درآمده و از امتیازات پادآورده و البته معجزه های انقلاب استفاده میکنند سند حقوق ۱۴ هزار تومان یکی از برادران رفسنجانی را که از فردای قیام به او پرداخت شده ما در پیکار افشا کردیم. محمد هاشمی رفسنجانی برادر رئیس مجلس به معاونت وزارت کشاورزی و بعد بعنوان مشاور سیاسی نخست وزیر منصوب شده است.

این "خاصه خرجیها و پارتی بازی ها" درست در حالی صورت میگیرد که کارگران انقلابی و دست و دست از هواداران نیروهای کمونیست و انقلابی را از کارخانه ها، مدارس، دانشگاهها و ادارات دولتی بیرون میریزند و بی فرصت طلبان بوقلمون مفت، ساواکیهای دیروز و رویونیستهای خاشاک را با آغوش باز و البته زیر چتر حمایت یکی از "مکتبی ها" می پذیرند.

● - ریختن ۲۰۰ میلیون تومان از دسترنج زحمتکشان به جیب امپریالیستها با بت خرید - اسلحه برای سپاه پاسداران (سند این اقدام ضد خلقی رفسنجانی توسط سازمان ما افشا شد) آقای رفسنجانی اولاد در شراپتی که میلیونها نفر از مردم زحمتکش بیکار مانده اند حتی نان خالی برای خوردن ندارند و در حالیکه بیش از ۱/۵

رفسنجانی...

بقیه از صفحه ۱۹
دموکراتیک ضد امپریالیستی مردم ما بوده
● - رئیس مجلس شورای اسلامی: آقایی رفسنجانی ریاست مجلس را به عهده دارند که مرکز تجمع عوامفریبان، مفتخوران، ساواکیها و سرمایه داران لیبرال و حزبی و ضد کمونیستهای مرتجع و سرکوبگران کمونیستها و انقلابیون در تمام شهرهای ایران میباشد. مجلسی که ساواکی و سرمایه دار بودن افرادی از آن همچون عسگر - اولادی و معین فرسا و اکی فخرالدین حجازی مجبوزگی شاه، خلخاللی جلاد، دیلمه چماقدار و... بارها به اثبات رسیده و خلقهای زحمتکش از ماهیت آنها بخوبی اطلاع دارند، بنا بر این رفسنجانی کارگردان مجلسی است که توده ها را تحمیل کرده و به استثمار هر چه بیشتر میکشاند.

● - رفسنجانی از جمله کسانی است که در جریان قیامها تمام قوا را تلاش کرد و نیروهای سرکوبگر رژیم شاه را دست نخورده نگهدارند و خود اعتراف میکند که در برابر خواست توده ها که فریاد میزدند "رهبران ما را مصلح کنید" میگفته است "حالا وقتش نیست (!)" (توده ها را از در هم کوفتن قدرت نظامی دشمن ممانعت نمیکرد است. رفسنجانی و دیگرها مطلق "رهبران" مسئول ضربات دردناکی هستند که در نتیجه دست نخورده ماندن ابزارهای سرکوب رژیم سرمایه داری وابسته بر پیکار انقلاب خلقهای ما وارد آمد. این موضعگیری رفسنجانی جزئی از برنامه وسیع سازشی است که بین جناحهای ارتجاعی داخلی از یکطرف و منافع امپریالیسم جهانی از سوی دیگر در جریان انتقال قدرت از رژیم شاهنشاهی گذشته به رژیم کنونی صورت گرفت.

● - دشمنی با کارگران و دهقانان و زحمتکشان بنا به ماهیت طبقاتی خود با تصویب لوایح و قوانین ضد کارگری و ضد دهقانی در مجلس آقای رفسنجانی در مقام ریاست مجلس شورای اسلامی قوانین و لوایحی را که بر ضد کارگران و دهقانان و به نفع سرمایه داران و فئودالها میباشد از تصویب خود و همپالکی های حزبی و لیبرال خود میگذراند.

● - تلاش برای تامین رفاه ساواکیها و آدمکشان و جلادان رژیم ضد خلقی شاه: حجت الاسلام رفسنجانی گفته است: "ساواکیها هم باید آسایش و رفاه داشته باشند. آنها همانسان هستند" (پاسخ به شئون دگا را دیوبعد از ظهر ۲۲ تیر ۵۹) این جناب جلادان ساواکی را به چه مجوزی مورد لطف و محبت خود قرار داده است. آنها در شراپتی که زحمتکشان ستمدیده ما خواهان مجازات و اعدام جانیان ساواکی و جلادان ارتش شاهنشاهی بوده و هستند؟

● - دعوت از امپریالیستها ی غربی برای انعقاد در مقابل کمونیستها: رفسنجانی در ملاقات با سفیر ایالتا، بلژیک، هلند و ژاپن گفت: "امروز دول غرب در برابر کمونیسم احتیاج به اتحاد و همکاری دارند" (کیهان سه شنبه ۲۸ مرداد ۵۹) رفسنجانی و دارو دسته اش شب و روز

کنفرانس ارتجاعی اسلامی واهداف آن

کنفرانس سران کشورهای اسلامی بزودی در مکه (عربستان) تشکیل میگردد و دستور کار این کنفرانس عبارت از بررسی تهاجم شوروی به افغانستان، برخورد به جنگ ایران و عراق، رسیدگی به مسئله اشغال سرزمینهای اعراب و... میباشد. ما پرواضح است که هدف قطعی این کنفرانس فراتر از موارد تعیین شده فوق میباشد.

درواقع برگزاری این کنفرانس تحت رهبری وهژمونی کشورهای مرتجع طرفدار امپریالیسم آمریکا هدف تحکیم نفوذ آمریکا و منفرد کردن امپریالیسم شوروی را تعقیب میکند. امپریالیسم آمریکا از طریق رژیمهای سرسپرده ای چون عربستان و پاکستان... میکوشد تا کشورهای وابسته به امپریالیسم غرب را متحد - تر ساخته و کشورهای متمایل و یا نزدیک به شوروی را بسوی خود متمایل سازد. در دستور قرار دادن بررسی تهاجم و سوسیال امپریالیسم به افغانستان، نقطه اتکای بسیار مهمی است که به آمریکا اجازه میدهد تا از طریق رژیمهای وابسته به خود سیاست خویش را در مقابل جوشی با شوروی پیاده کند. در واقع امپریالیسم آمریکا میکوشد تا شوروی را منفرد ساخته و محیطه عملکرد نفوذ خود را گسترده نماید. دورنمای رشد جنبش خلقها و رقابت هر چه افزونتر شوروی و آمریکا می طلبد تا هر یک از این دو قدرت امپریالیستی به وسیله امکانات خود پیردازند. اگرچه اعضای این کنفرانس ۴۲ کشور اسلامی میباشد، اما در این کنفرانس اخیر مصر، لیبی، چاد و ایران شرکت نمیکند. عضویت مصر پس از انزارداد صلح با رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۷۹ به حالت تعلیق درآمد. شرکت لیبی و چاد در این کنفرانس مواجه است با اعتراض وسیع کشورهای شرکت کننده، چرا که اکثر آنان مخالف "اتحاد لیبی و چاد" میباشد و این "اتحاد" را بتفصیل سوسیال امپریالیسم رزبایی می نمایند و بالاخره باید از عدم شرکت ایران در کنفرانس یاد نمود. اگرچه اکثر کشورهای شرکت کننده میکوشند تا از طریق طرح مسئله جنگ ایران و عراق و طرح راه حلهایی جهت خاتمه دادن به جنگ ایران را به کنفرانس بکشانند، اما ایران ورود خود به کنفرانس را موقوف به عدم حضور مدام حسین نموده است. البته در ایران لیبرالها علیرغم حضور مامواها در شرکت میباشد، اما مخفیانه مخالف این شرکت است. البته خمینی و حزبیه نیز مایل به شرکت در این کنفرانس است. آمریکا میباید، اما نمیکند و در شرایط فعلی که از نظر نظامی در موضع ضعف هستند در کنار ماموا قرار گیرند. تحریم این کنفرانس از جانب ایران نه به لحاظ ماهیت ارتجاعی



کنفرانس میباشد، بلکه فقط بخاطر موقعیت کنونی ایران در جنگ با عراق است. ناگفته نماند که رژیم مرتجع سوریه که در کنفرانس قبلی شرکت نکرد این بار شرکت کرده است. شرکت سوریه در این کنفرانس آمریکا را یکبار دیگر ماهیت ارتجاعی رژیم اسد را برملا کرده و نشان میدهد که رژیم سوریه اگر در کنفرانس قبلی شرکت نکرد بخاطر ماهیت "مترقی" اش نبوده است. در ضمن سازمان آزادیبخش فلسطین نیز آما دگسی خود را جهت شرکت در این کنفرانس اعلام نموده است.

چیانگ چینگ: سمبلی از مبارزه طبقاتی در چین



دادگاه رویزیونیستها و ضد انقلابی حاکم برجین مدتی است که به محاکمه چند تن از کمونیستها از جمله چیانگ چینگ پایان داده است. لیکن هنوز نتوانسته حکم قطعی را صادر نماید. این دادگاه اگرچه برای رفیق چیانگ - چینگ نقضاتی ایجاد کرده است اما مرتجعین کثیفی چون تنگ سیا شوپینگ هنوز جرات آنرا پیدا نکرده اند که بر نقضاتی ایجاد کمونیستها مهرتاشیدند. تنگ از چه میپراسد؟ پس از سر - کار آمدن رویزیونیستها و خاشن در چین، اگرچه دولت بورژوازی جدید به سرکوب گسترده ای علیه کمونیستها و طبقه کارگر و توده های آگاه دست زده است، اگرچه رویزیونیستها ما رکسیت - لنینیستها را از مرکز قدرت و از جمله از حزب اخراج نموده و به زندان انداخته و مورد شکنجه

روحی و جسمی قرار داده اند، اگرچه ضد انقلابیون مرتد، کمونیستها را به محاکمه کشیده و مسجون و قبیح ترین اتهامات مرتجعانه قرا داده اند، اما از اعدام کمونیستها و هشتاد و پنج درصد از آنها میداند و توده های آگاه و طرفدار کمونیستها میباشند، چرا که میدانند خون سرخ کمونیستها نفرت سنگینی را علیه رویزیونیستها در دل طبقه کارگر و سربازان پرتوده ها میافریزند. رویزیونیستها از اعدام کمونیستها میترسند چون چیانگ چینگ که در دادگاه دلاورانه ایستادگی نمود و رژیم ارتجاعی حاکم را به محاکمه کشیده است، میپراستند زیرا میدانند که خون سرخ ما رکسیت لنینیستها جریان مبارزه طبقاتی را سبیل تر و پرغشوش می نماید.

از همان فردای کسب قدرت توسط رویزیونیستها و خاشی، مقام و امت و مبارزه کمونیستها، کارگران انقلابی و توده های آگاه علیه دولت ضد انقلابی تنگ سیا شوپینگ شروع گردید. مبارزه طبقاتی حتی گاه در شکل مسلحانه نمود. علیه دولت رویزیونیستی جریان پیدا کرد. اگرچه رویزیونیستها پیوسته مدعوا نمیکند که کرده اند تا این مبارزه متوقف شده و یا لا فمصل پوشیده بماند تا شیر بر بخشهای وسیعتری از زحمتکشان نگذارد، اما علیرغم این ششجانه ضد انقلابی مبارزه طبقاتی کارگران و توده های آگاه در اشکال گوناگون ادامه داشته و بیش از پیش توده وسیعتری را در بر میگیرد. یک روزنامه رسمی چین بنام "آزادی شنهای" اخیراً نوشته است: "در حال حاضر در فاشنگهای و دیگر مناطق کشورمان نگرانی میده که قابل توجه است. بطور مثال عده ای سعی دارند مملکت را دچار هرج و مرج و بی نظمی کنند و از روشهای انقلاب فرهنگی برای تحریک و ایجاد مشکلات استفاده میکنند." این روزنامه همچنین می نویسد: "مردم بطرز وقیحا نه ای به ما خشن بجا اقسام کرده، اما علامه های ضد انقلابی علیه رهبری را بهین دیگران پخش میکنند و مشغول سازماندهی شبکه های از سازمانهای غیر قانونی هستند." روزنامه های دیگری که در شمال شرقی چین منتشر میشوند اخبار مشابهی را پخش کرده اند. نویسند: "تعدادی از این هرج و مرج ظلمت به ایجاد شایعه در بین مردم پرداخته و اعلامیه ها و پوستره های مرتجعانه بین مردم پخش میکنند." آری امروز در چین مبارزه طبقاتی ادامه دارد. کمونیستها و کارگران آگاه و بهاداران کمونیست رویزیونیستها پرداخته، به پیش روزگاری شینا مه دست زده به سازماندهی توده ها اقدام نموده و در پی هر چه گسترده تر کردن مغلوب مبارزه طبقاتی میباشد. آری در چین مبارزه طبقاتی نمرده است. اگر دیکتاتورین پرولتاریا سونگون گردیده اما مبارزه پرولتاریا و کمونیستها برای کسب دوباره قدرت ادامه دارد. و کمونیستها همچنان بر طبق رزم مبارزه طبقاتی میکوبند. آری امروز تنگ سیا شوپینگ مرتجع از اعدام بقیه در صفحه ۲۵

کوس رسوائی خلخال، در فضای جمهوری اسلامی بصدا درآمد!

نیروهای انقلابی و کمونیستی با رها چهره خلخال، این "میر غضب و جلال" رژیم کنونی را با رها افشا کرده اند و ما هیت ارتجاعی او را در پس توفا ن ادعا ها و عریده ها شای که او علیه خاشاک نشان رژیم گذشته و با مصلح در مبارزه با مواد مخدر بکار میبرد برای توده ها عیان ساخته اند اینک "شاهدی" نه از غیب، بلکه از درون خانه از درون رژیم و از درون دستگاه آقای خلخال رسیده است، او و جگر مبارزه توده ها در مصوف این "زندان دریا شای" که انقلاب خلقهای ما را به ناکامی کشانند و روز بروز بیشتر میشود و هر یک دیگری را رسوا تر می سازد.

شخصی بنام علی کریمی، سرپرست سابق انتظامات زندان قمر که همکار آقای خلخال بوده و در جنايات او شریک میباشد با او اختلاف پیدا کرده است که ما علت دقیق آنرا نمیدانیم ولی از سماعی سرگشاده ای که همین شخص خطاب به آیت الله خمینی نوشته و اندکی از جنايات بسیار خلخال (و در واقع رژیم جمهوری اسلامی) را برملا کرده است چنین بر می آید که آقای خلخال علی غمنا نما ز آب کشیدن و چهره قاطعانه شای علیه ما و اکپها و قاچاقچیان به چه جناياتی آلوده است. جناياتی که با رها مورد تاشید آیت الله خمینی قرار گرفته است. در نامه مزبور آمده است که:

۱- "خلخال میگوید ما ز متهمین را "بطریق معقول و معمول" محاکمه نکرد و حتی گاهی در کوتاهترین مدت مثلاً در مدت یک ساعت ۷۰ حکم صادر کرده است."

۲- "در کردستان دکتر رشوند سرداری بها طر ناسازی که به شخص آقای خلخال گفت بدون هیچ مجوز و دلیل و مدرکی تیرباران شد." در آن زمان چه دروغها که به نیروهای انقلابی و خلق دلاور کردند و نسبتند و چه لافا ثلاثی که در توجیه این جنايات خلخال (که جزئی از رژیم است) تبا فتند! خلخالی خون آشام به سهولت آب خوردن دستور کشتار خلق کرد و خلق ترکمن و خلق عرب و کمونیستها و انقلابیون را صادر میکرد. خلخال نه تنها "نور چشم ما" و شاگرد قدیمی او در قم، بلکه خود میباید بود و بر اساس ولایت فقیه حق دخل و تصرف در جان و مال مردم را داشت. خلخال با استفاده از همین "حق" و "موقعیت" بود که فرمان اعدام رفقای ما اشرافی و نیک اندام را نیز در آغا جاری صادر کرده بود.

۳- باغ جهان بینی در کرج در قبول آقای خلخال و با ندم مربوطه است. آنها در این باغ زندان دار کرده و سلاحهای سنگین حتی توپ دو رزن را نیز در اختیار دارند. آری میلیونها تومان از بیت المال عمومی در دست خلخال است و هر طور که میباید تعلق گرفت آنرا خرج

میکند. او پس از عملیات تخریب احقاً مقبره رضا شاه شان ۳۵ میلیون تومان از پول مردم زحمتکش ما را صرف ساختن مستراح های عمومی در شهر ری نمود. این در حالی بود که بیش از ۳ میلیون نیکار و ۱/۵ میلیون آواره هموطن ما نان بخور و نمیر روزانه شان را ندارند. ۴- آقای خلخال مثل پهلوان پنبه های قرون وسطی چه ادعا های دروغی که نکرد. ادعا های که بعنوان مضحکه های تاریخی دوران جمهوری اسلامی در ذهن مردم متمدیده ما خواهد ماند. یکبار در خیال خود هلیکوپتر را به مکتیک فرستاد تا شاهان را ترور کند و یکبار "فدائیان اسلام" را به تعقیب شاه و فرج میفرستاد و هر بار که دروغش آشکار میشد و قیامه تر از پیش ادعا های خود را تکرار مینمود.

در مورد "مبارزه با مواد مخدر" در نامه ای که همدست سابق خلخال به آیت الله خمینی نوشته چنین میخوانیم:

"در ساله مبارزه با مواد مخدر، آقای خلخال با تهیه طومارهای جعلی و سفارشی و تلفن ها و تلگرافهای آنچنانی به دفتر امام و دفتر ریاست جمهوری تصدی این پست را بخود اختصاص داد و در این مرحله از اقدامات خود روی تمام مدر و گویان عالم و جلادهای دنیا و جانیان معروف گذشته و روشو گیرها را سفید کرد تا جا شیکه لباس پاسداری بر تن نمود و به ملا بر و همسان رفت و در آنجا که حتی بقدریک بال مکن تریاک و با هر و شین کشف نکرد گروهي را به اعدام و زندان محکوم نمود که آنان افراد سابقه دار بوده اند. جالب آنکه از آنجا به من تلفن نمود که فلانی من سیمد کیلو هر و شین تحویل تو دادم تو هم آنها را سوزاندی! او بلافاصله در سانه های خبری به روغ بخش نمود که سیمد کیلو هر و شین توسط آقای خلخال کشف شد."

۴- نویسنده نامه در پایان میگوید: "آقای خلخال در بانک ملی شعبه دانشگاه پلیس جنب زندان قصر حسابی به شماره ۷۴۵۰ بنا خود افتتاح کرده که متاسفانه معرف ایشان برای این حساب جاری خود اینچنانب هستم. استعلام فرما شید چند میلیون پول به این حساب واریز شده و در چه مواردی مصرف شده است."

"خلافکارهای آقای خلخال را اگر بخواهم با داور و شوم ششوی هفتاد من کاغذ شود. شکنجه متهمین بنا مدشرعی! اخذ شوه های کلان بنا م صادره اموال اعدا های آنچنانی، سکونت در خانه ده میلیونی با اثاثه و اسباب دیگران و همچنین استفاده خود و فامیل و دوستان از ماشین های چند میلیونی بیت المال و بکار گرفتن افراد معلوم الحالی! چون ما شاه الله قصاب که ترورهای بدست او انجام شده گوشه ای از

شاهکارهای این حاکم شرع است." در اینجا نامه علی کریمی با این میگیرد. این از برکت اعتلای انقلابی و او جگر مبارزه توده ها است که دشمنان خلق دست یکدیگر را رو میکنند و جنايات شان را که در دادگاه خلخال مسلماً مطرح خواهد شد با مصلح انقلابی و ضد امپریالیستی جمهوری اسلامی یکی پس از دیگری - و چه زود - ما هیتشان آشکار شده است. روز بروز توده های بیشتری می فهمند که اینها با این ماهیت ضد انقلابی و پلیدشان "حق" داشته اند که با کمونیستها و نیروهای انقلابی دشمن باشند و آنان را به جوخه اعدام بسیار رند. "حق" داشته اند که نما پنده مجلس شورای اسلامی شوند و "حق" داشته اند که از طرف ریاست جمهوری برپا ست سازمان با مصلح مبارزه با مواد مخدر منصوب شوند. دشمنان خلق را در هر چهره مزورانه ای که بخود بکینند بر حمانه افشا کنیم.

آوارگان ماهشهر با مصادره انقلابی، خود را از باد و باران نجات دادند

براشرا زندگی شدید در ۲۶ آذر ماه، چادرهای آوارگان مستقر در تربیت بدنی ماهشهر را آب میگیرد. مردم که از این وضع فجیع زندگی به شدت خشمگین و ناراحت بودند و در حالیکه بر علیه آیت الله خمینی شعار داده و "مرگ بر رفسنجانی" و... فریاد میزدند به فرمانداری رفتند. فرماندار سعی نمود آنها را به "جهاد" و "بسیج" پاس دهد و دست بسر نما بد، جنگزدگان تصمیم میگیرند خود اقداما پندار فرما نداری به مدرسه منتقل رفت و علی غم مقامت مدیر مدرسه در تعدادی از کلاسها مستقر میشوند و سرپناهی موقتی برای خود تهیه میکنند.

مدیر مدرسه که در مقابل آوارگان عاجز شده بود تعدادی از دانش آموزان نا آگاه و فالانزرا بر علیه جنگزدگان تحریک میکند و آب برق مدرسه را بر روی آنان قطع میکند. آوارگان در مقابل این تشبیهات دست به تظاهرات زدند و فرماندار در مقابل مبارزه آنان عقب نشینی کرده و اظهار میدارد تا زمانیکه جایی برای آوارگان پیدا نشود همانجا بنما بند و قول میدهد آب برق مدرسه را واصل کند.

به این ترتیب زحمتکش آواره توانستند با اتحاد و همتی و با عمل انقلابی خود مسئولان رژیم را وادار به عقب نشینی ساخته و موقتاً مشکل ممکن خود را حل نمایند.

با تخلیس از "فریاد آوارگان" ۱۱ - کمیته خوزستان

در اینجا ما آخرین قسمت از اطلاعیه وحدت
رفقای پیکار خلق را درج مینماییم:



بیانیه
گروه انقلابیون
مارکسیست -
لنینیست
(پیکار خلق)

بخشم.

ما لازم به تاکید مجدد میدادیم که مضمون اصلی این مرحله از رشد جنبش کمونیستی قبا رزه در راه پی ریزی و تدارک فعالیت حزبی بوده و تنها زمانی میتوانیم واقعاً نقش پیشقراول را بازی کنیم که قادر گردیم فعالیت خود را در انطباق با این مضمون مرحله کنونی درآوریم و غیر از این دنیا له روخواهیم بود.

تا کید زیا دما بر ضرورت وحدت هرگز بمعنای تن دادن به هر نوع وحدتی نیست. ما خواهان آن وحدتی هستیم که اساس آن قبل از هر چیز وحدت نظری و مواضع اصلی جنبش که آن نیز از ستر یک مبارزه ایدئولوژیک سیاسی بیرون خواهد آمد، که مواضع اساسی وحدت را حل کرده و به مرحله بعدی یعنی وحدت تشکیلاتی منجر خواهد شد. میباید این اساس رسیدن به وحدت تشکیلاتی از آن جهت وحدت نظری و روی میبانی عقیدتی است، زیرا پراکندگی کنونی ناشی از عدم یکپارچگی ایدئولوژیک سیاسی میباید.

بنابر این هر گونه وحدت صوری و غیر اصولی نه تنها خدمتی به جنبش کمونیستی نمیکند بلکه آسیب نیز میرساند، با پستی با چنین متشکک شدن ناشی مانند "اول وحدت تشکیلاتی و سپس مبارزه ایدئولوژیک" ... مرز بندی نمود.

همچنین نباید وحدت ایدئولوژیک سیاسی را مطلق کرده و وحدت تشکیلاتی را منوط به حل کلیه اختلافات و ریز جوشی نمود. ما میبایست بین دوشوع اختلاف نظرها و تفاوت ثل شویسم: اختلاف بر سر مسائل کلی که اهمیت برنا مه ای داشته و هر گونه کار جدی مشترک عملی منوط به حل آن است. مثل اختلاف نظر بر سر ماهیت طبقاتی هیات حاکمه، دوستان و دشمنان انقلاب، مسئله رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم. نوع دوم اختلاف بر سر مسائل است که دارای اهمیت برنا مه ای و درجه اول نبوده و میتوانند مبنای مبارزه ایدئولوژیک درون سازمان قرار گیرند.

بنابر این ما در اینجا با دودیدگاه انحرافی در زمینه وحدت مرز بندی میکنیم:

۱- دیدگاهی که از اختلاف اصولی چشم پوشی کرده و اختلاف ایدئولوژیک - سیاسی را جایگزین وحدت اصولی مینماید.

گفتیم که از یکسو جنبش توده های مردم دگر بار روبه رشد می رود و از سوی دیگر جنبش کمونیستی ما دچار ضعف و بحران است، لذا مقدس ترین و عاجل ترین وظیفه در مقطع کنونی از بین بردن این دوگانگی میباید. پاسخگویی به نیازهای مبرم جنبش در حال اعتلا و انجاء وظایف سنگین در دستور کار، ضرورت وحدت اصولی نیروهای راستین کمونیستی را بیش از پیش نشان میدهد. امروز جنبش کمونیستی ما یک مرحله از حیثیات خود را پشت سر گذاشته و از دوران فعالیت گروهی و محفلی به دوران فعالیت و مبارزه سیاسی پی ریزی حزب کمونیست وارد شده است. امروزه وظایف پیش پای جنبش کمونیستی (اعم از آن وظایفی که جنبش توده ها آن را مطرح می سازند و آن وظایفی که مربوط به درون جنبش کمونیستی میباشد) آنچنان ابعاد گسترده و وسیعی بخود گرفته که دیگر فعالیت های خرد در محدوده محفلی و گروهی به هیچ روی متناسب با این وظایف گسترده نبوده و مهمترین وظیفه ای که پیش پای این نیروها قرار میگیرد، همانا خارج شدن از پوسته تنگ فعالیت گروهی میباید. زیرا مضمون اصلی این مرحله از رشد جنبش کمونیستی ما مبارزه در راه پی ریزی و تدارک فعالیت حزبی میباید. تفا دیبن وظایف گسترده پیش پای جنبش کمونیستی و پوسته تنگ فعالیت گروهی و محفلی عملاً موجب فرورفتن در خرده کاری، دنباله روی از جنبش توده ها، اکتون میسم و شستن سازمانی و عقب ماندگی میگردد. بنا بر این حرکت در جهت حل این تفا دور هم شکستن پوسته تنگ فعالیت های گروهی و محفلی از طریق تحقق امر وحدت با سایر نیروها برپا به یگانگی ایدئولوژیک سیاسی می بایست گام نخستین ما قرار میگیرد. بنا بر این ما بویژه تاکید داریم که دوران فعالیت - های پراکنده و تنگ محفلی و گروهی به پایا ن رسیده و درجا زدن در این چهارچوب عملاً بمفهوم در غلطیدن کامل به خرده کاری، عقب ماندگی و اکتون میسم میباید. لذا دیگر نیروها محق نیستند که هر یک به تنهایی فقط وظایف گروهی و سازمانی خود را به پیش برده و بر این پراکندگی صحه گذارند.

تنها اذعان به عدم کارائی نیروهای پراکنده و اعتقاد به امر وحدت کافی نیست، با پستی در راه انجام هر چه سریعتر آن نیرو گذارده، برنا مه را شده و قبل از هر چیز به مبارزه ایدئولوژیک را تسریع نموده و بعد از رسیدن به وحدت نظری و مواضع اساسی جنبش کمونیستی، وحدت تشکیلاتی را نیز تحقق

۲- دیدگاه مطلق گرایی که وحدت را منوط به حل همه و هر گونه اختلاف نظر نموده و بدنبال وحدت ناب است. این دیدگاه اساساً ایده آل بستی بوده و عملاً خود را را واقعیت مبارزه طبقاتی منطبق نمی سازد.

گفتیم که با پستی برای وحدت برنا مه نیز داشته ایم. به نظر ما وحدت جنبش کمونیستی یک مسئله عمومی برای کلیه نیروهای م ل می باشد، اما در عین حال وحدت برای هر نیروی مشخصی یکسری ویژگیهای مشخصی را مطرح می سازد. هیچ نیروی بدون در نظر گرفتن ویژگیهای خود نمیتواند در مسیر عمومی قرار گیرد.

برای وحدت همچنین با پستی معیار داشته ایم. ما مبارزه ایدئولوژیک سیاسی را حول آن معیارها و مواضع به انجام رسانده و وحدت نظری پیدا کنیم. امروز نیروی ما به پستی با پستی نکته تاکید نمود که مرکز ثقل مبارزه ایدئولوژیک مبارزه علیه رویزیونیسم در تمام بعدی می باشد. ما در نوشته های خود بارها مبنای وحدت و معیارهای را که اصولی و پذیرفتن آن را پیش شرط وحدت تشکیلاتی میدانیم، بیان کردیم. این مبنای معیارها در قطعاً به مشترک سازمان پیکار و گروه ما آمده و از تکرار آن در اینجا خودداری میکنیم.

گروه ما از همان بدو پیدایش در طرح دیدگاه وحدت و چشم انداز آن بر اصول مارکسیسم - لنینیسم تکیه داشته است. ما همواره بر این اعتقاد را سخ بوده ایم که اولاً یکی از مهمترین عرصه های مبارزه در راه ایجاد دسات در هری کنشده پرولتاریا - حزب کمونیست - مبارزه در راه تامین وحدت بین نیروهای م ل و ثانیاً وحدت بین نیروهای م ل تنها و تنها برپا به یگانگی در ایدئولوژی و سیاست میتوان دانست. این شود. گروه ما از همان زمان خارج از کشور با هر گونه دیدگاهی که اختلاف ایدئولوژیک - سیاسی و یا همکاری و آکسیون مشترک را جانشین وحدت ایدئولوژیک سیاسی مینماید، مبارزه کرده است. در آن زمان ما بطور جدی و شایسته ای نظرات اختلافی "اتحادیه کمونیستهای ایران" را افشا نمودیم و سپس در دیهشت ۵۸ مقاله مبسوطی در رد نظرات اختلافی و اکتون میستی "مبارزین" انتشار دادیم.

گروه ما همواره بر این اصل مارکسیستی تاکید داشته است که مبارزه ایدئولوژیک خطر سرخ اصلی مبارزه در جهت وحدت جنبش کمونیستی میباید.

اگر چه اساساً مواضع و بحث پرا تیک گرو در پرتو این دیدگاه مارکسیستی قرار داشته، اما ما در برخی موارد از این خط عمومی در ست منحرف شده ایم. مثلاً ما در ماههای اولیه تشکیل کنفرانس وحدت از سیاسی نادرستی آن می -

پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی

مینمودیم، مبنی بر اینکه گویا کنفرانس وحدت میتواند نظری جهت وحدت جنبش کمونیستی باشد. این ارزیابی تا صواب از کنفرانس وحدت بیان تنزل دادن اهمیت و نقش مبارزه ایدئولوژیک در تجمع نیروهای مارکسیستی - لنینیستی و در روند وحدت میباشد.

گروه ما توانست در پرتو خط جاکم در گروه این موضع انحرافی را اصلاح کند و در کنفرانس دوم گروه (شهریور ۵۸) ارزیابی خود را چنین تصریح کند:

"... در مورد کنفرانس (منظور کنفرانس وحدت) نیابتی دچار توهم گردیم که گویا کنفرانس با ترکیب کنونی واحبا نا اضا فاش شدن به آن میتواند به محلی برای وحدت تمامی آنها تبدیل گردد، با هم اکنون چنین محلی است، واقعیت این است که کنفرانس از تشکلاتی با مواضع متضاد است که امکان وحدت آنها بدون حل آن اختلافات موجود نیست تشکیل گردیده است. (ا سنا دکنفرانس دوم)

بدین ترتیب ما با تا کید بر اهمیت و نقش مبارزه ایدئولوژیک نسبت به کنفرانس وحدت دید انتقادی داشتیم. در ارتباط با تجمع چند نیرو که بعداً با برخی تغییرات و پیوستن برخی نیروهای دیگر بدان "وحدت انقلابی..." را تشکیل دادند، گروه ما در یک موضع دوگانه قرار گرفت: از یک سو ما با دید حل اختلافات عقیدتی، نظری و تحقق وحدت تشکلاتی بر پایه وحدت در ایده و سیاست که تجلی خود را در تدوین برنامه و تاکتیک واحدی از میباید، وارد این تجمع شدیم و از سوی دیگر مجموعه ای حداقل اکثریت نیرو - های شرکت کننده در این "تشکلات دوران گذار" دارای دید و برنامه ها متفاوت و وحدت تشکلاتی در وراء اختلافات عقیدتی - سیاسی بودند و در نتیجه طرحی که برای دوران گذار ارائه میدادند نیز نمی توانست جدا از تفکر اشتقاقی آنها باشد و ما بدون برخورد انتقادی به چنین طرحی عملاً در مقابل آن تمکین نمودیم، ما در تمام مدت زمانی که بحث بر سر تدوین برنامه و مضمون دستور کار بود، مجدداً در جهت مراحت کلام و برسر مواضعی که دارای اهمیت برنامه ای بودند - معیار وحدت محسوب میگردد - مبارزه نموده و آنجا که بیگانگی تشکلاتی در وراء میانسی و معیارهای عقیدتی - سیاسی وحدت در دستور العمل قرار گرفت از آن مجموعه خارج شدیم. انتقاد درست در این نکته است که ما وارد است که عملاً بر حرکت مجموعه ای که با دید اشتقاقی مجتمع شده اند، توجه گذاشته و با این حرکت همراهی نمودیم، بجای اینکه دید اشتقاقی که نقش رهبری کننده در این مجتمع دارد، را مورد انتقاد قرار دهیم، تمامی با سیاست می توانستیم در قدم نخست دید و برنامه اشتقاقی حاکم بر این مجمع را مورد انتقاد قرار میدادیم.

سومین انتقادی که در زمینه وحدت به گروه ما وارد است همانا نشان دادن یک برنامه دقیق و

فعالیت بر مبنای آن میباشد. اصولاً گروه ما مدتی برنا مبروشن برای تحقق امر وحدت نداشت.

ما در عین اینکه دارای دیدگاه صحیح وحدت بودیم، اما بی برنامه مکی و فقدان عمل نقشه بند ما الزاماً همان دیدگاه و اصول عقیدتی را نیز خدشه دار می نمود و گاه ما را به مواضع اشتقاقی نیز میکشاند، و مانع از حرکت و فعالیت مستمر و موثر در جهت وحدت اصولی میشد.

تنها از اردیبهشت امسال بود که گروه ما توانست با یک ارزیابی نسبتاً دقیق از اوضاع عمومی جنبش و اوضاع و احوال جنبش کمونیستی و وضعیت گروه، تریه با بیان رسیدن دوران گروهی را با به برنامه مریزی برای تحقق وحدت قرار دهد.

همانطور که در پیش مشروحات توضیح دادیم، جنبش کمونیستی میهن ما در پروسه رشد خود دوران فعالیت محفلی و گروهی را پشت سر گذاشته و فعالیت گروهی و محفلی دیگر به هیچ روی با سخگوی نیازها و وظایف گسترده کنونی نیست. بر این پایه وحدت بود که مسئله وحدت برای گروه ما غیر از اینکه بر پایه معیار ایدئولوژیک - سیاسی قرار می گرفت، همچنین با فاکتور خارج شدن از محدوده فعالیت محفلی و گروهی - مورد برنامه مریزی قرار میگردد. بر این اساس بود که ما در برنامه مریزی برای وحدت اساساً و در درجه اول با حرکت از تریه با بیان رسیدن دوران فعالیت گروهی و محفلی به سه نیروی "رزمندگان آزادی طبقه کارگر" و "وحدت انقلابی..." و "سازمان پیکار..." میبایست تماس می گرفتیم پس از اولین تماس (که البته از مواضع رسمی و عمومی آنها نیز قابل درک بود) معلوم گردید که گروه ما با "سازمان رزمندگان..." و "وحدت انقلابی..." بر روی مواضع برنامه ای و معیارهای وحدت اختلاف اصولی دارد که بدون حل آنها وحدت اصولی ممکن نیست: "با رزمندگان عمدتاً بر سر مسئله سوسیال امپریالیسم شوروی که آن را معیار وحدت عضویت میدانیم و همچنین مرحله انقلاب و حاکمیت خرده بورژوازی مرفه در دولت و با "وحدت انقلابی" عمدتاً بر سر همان دید اشتقاقی که منجر به شکل گیری این تشکلات شد و همچنین ناشی از آن اختلاف بر سر موضع در قبال قدرت سیاسی حاکم به عنوان حاکمیت ارتجاع و مسئله بورژوازی لیبرال.

اگرچه ما بر سر برخی مسائل با سازمان پیکار دارای اختلافات سیاسی بودیم اما این اختلافات از درجه اهمیت به مراتب کمتری از اختلافات نظری بر ما هیت حاکمیت سیاسی و مسئله سوسیال امپریالیسم برخوردار بود. ما همچنین در برنامه مریزی برای وحدت و مبارزه ایدئولوژیک در این زمینه بین دو نوع اختلاف نظر تفاوت قابل حس می نمودیم. اول اختلاف ایدئولوژیک - سیاسی که دارای اهمیت برنامه ای بوده و لذا توافق بر سر آن معیار وحدت اصولی محسوب میگردد. دوم آن دسته از اختلافاتی که میتواند و

با دیدمبای مبارزه ایدئولوژیک درونی قرار گیرد، اما وجود آنها مانع وحدت نمیشد. وحدت ایدئولوژیک بمفهوم مطلق آن، یعنی بر روی کلیه مواضع و نظرات مطروحه در جنبش، چه آنها شیکه معیار بوده و چه آنها شیکه میتوانند پروسه مبارزه آن در درون تشکلات ادا میباید، ایده الیستی و چپ روانه بوده، در عین حال کم بها دادن بدان نیز راست روانه و بیان دید اشتقاقی است.

گروه ما و سازمان پیکار محدوداً شش بحث و مبارزه ایدئولوژیک رقیفاً نه بر سر مسائل مورد اختلاف را به پیش برده اند. تا آنجا که این مبارزه ایدئولوژیک مربوط به ما میشود نقش فعال و خلاقانه ای را در توضیح و روشن شدن پاره ای از انحرافات درونی ما داشته است. مثلاً ما طی همین مبارزات و اساساً مبارزه ایدئولوژیک درونی بود که توانستیم مواضع انحرافی گروه در مورد مسئله دانشجویان مبارز و مسئله حقوق دیگران تیک نیروها در آکسیون مشترک و... را مورد انتقاد قرار ده و اصلاح نمائیم.

ما امروز درحالی که با سازمان پیکار وحدت می نمائیم، اما کاملاً واقعیت که بر روی برخی مسائل مثل ارزیابی از مقام خرده بورژوازی مرفه در پروسه انقلاب دارای اختلاف نظر هستیم. ما معتقدیم خرده بورژوازی مرفه نیروی است از لحاظ تاریخی بینا بینی که بین انقلاب و ضد انقلاب میخوابد و میزبان نفوذ اقتصاد بسیار ضعیف است. این قشر از یک سو بورژوازی متوسط نزدیک است که موجب نزدیکی وی با دشمنان انقلاب میشود و از سوی دیگر پیوندی با اقتصاد خرده بورژوازی دارد و دارای تضاد معینی با امپریالیسم میباشد. این لایه اجتماعی به علت ضعف اقتصادی شدیدش، به علت در مجموع خرده - بورژوا بودن و بطور خاص نزدیکی با بورژوازی متوسط کاملاً نا پیگیر و متزلزل میباشد و همواره خطر آن موجود است که بی - بورژوازی برو دویه اردوگاه مشترک ضد انقلاب بپیوندد و اگر پرولتا ربا در اس انقلاب قرار نداشته باشد حتماً چنین خواهد شد و امروز خرده بورژوازی مرفه در اردوگاه دشمن قرار دارد. معذالک در تحت شرایط معین دیگری میتواند به اردوگاه انقلاب کشیده شود اما در همین حال نا پیگیری و متزلزلات شدید از خود نشان میدهد و تلاش دارد در صفوف انقلاب اغتشاش بپا کند. لذا بدون انفراد کامل نا پیگیری و سازشکاری وی، انقلاب نمیتواند به پیروزی برسد. از این نظر - پرولتا ربا با دید متفاوتی و کاملاً هوشیار بوده و روشن دوگانه ای در مقابل آن پیش گیرد. در مرحله کنونی بدان برخورد دوگانه نمیشود، بلکه غرض در کل مرحله استراتژیک انقلاب میباشد.

انقلاب دمکراتیک - فدا امپریالیستی این

کمکهای مالی دریافت شده

شماره	نام	مبلغ	تاریخ
۱	آقایان: ل	۵۲۲۰۰	۱۳۰۰
۲	آقایان: ک	۱۷۰۰	۱۳۰۰
۳	آقایان: ی	۸۹۰۰	۱۳۰۰
۴	آقایان: ج	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۵	آقایان: ح	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۶	آقایان: ط	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۷	آقایان: ذ	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۸	آقایان: ر	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۹	آقایان: ز	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۱۰	آقایان: س	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۱۱	آقایان: ش	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۱۲	آقایان: ع	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۱۳	آقایان: ق	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۱۴	آقایان: ک	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۱۵	آقایان: گ	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۱۶	آقایان: ب	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۱۷	آقایان: پ	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۱۸	آقایان: ت	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۱۹	آقایان: ث	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۲۰	آقایان: د	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۲۱	آقایان: ذ	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۲۲	آقایان: ر	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۲۳	آقایان: ز	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۲۴	آقایان: س	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۲۵	آقایان: ش	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۲۶	آقایان: ع	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۲۷	آقایان: ق	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۲۸	آقایان: ک	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۲۹	آقایان: گ	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۳۰	آقایان: ب	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۳۱	آقایان: پ	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۳۲	آقایان: ت	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۳۳	آقایان: ث	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۳۴	آقایان: د	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۳۵	آقایان: ذ	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۳۶	آقایان: ر	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۳۷	آقایان: ز	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۳۸	آقایان: س	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۳۹	آقایان: ش	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۴۰	آقایان: ع	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۴۱	آقایان: ق	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۴۲	آقایان: ک	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۴۳	آقایان: گ	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۴۴	آقایان: ب	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۴۵	آقایان: پ	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۴۶	آقایان: ت	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۴۷	آقایان: ث	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۴۸	آقایان: د	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۴۹	آقایان: ذ	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۵۰	آقایان: ر	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۵۱	آقایان: ز	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۵۲	آقایان: س	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۵۳	آقایان: ش	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۵۴	آقایان: ع	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۵۵	آقایان: ق	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۵۶	آقایان: ک	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۵۷	آقایان: گ	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۵۸	آقایان: ب	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۵۹	آقایان: پ	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۶۰	آقایان: ت	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۶۱	آقایان: ث	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۶۲	آقایان: د	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۶۳	آقایان: ذ	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۶۴	آقایان: ر	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۶۵	آقایان: ز	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۶۶	آقایان: س	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۶۷	آقایان: ش	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۶۸	آقایان: ع	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۶۹	آقایان: ق	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۷۰	آقایان: ک	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۷۱	آقایان: گ	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۷۲	آقایان: ب	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۷۳	آقایان: پ	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۷۴	آقایان: ت	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۷۵	آقایان: ث	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۷۶	آقایان: د	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۷۷	آقایان: ذ	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۷۸	آقایان: ر	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۷۹	آقایان: ز	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۸۰	آقایان: س	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۸۱	آقایان: ش	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۸۲	آقایان: ع	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۸۳	آقایان: ق	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۸۴	آقایان: ک	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۸۵	آقایان: گ	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۸۶	آقایان: ب	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۸۷	آقایان: پ	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۸۸	آقایان: ت	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۸۹	آقایان: ث	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۹۰	آقایان: د	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۹۱	آقایان: ذ	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۹۲	آقایان: ر	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۹۳	آقایان: ز	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۹۴	آقایان: س	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۹۵	آقایان: ش	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۹۶	آقایان: ع	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۹۷	آقایان: ق	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۹۸	آقایان: ک	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۹۹	آقایان: گ	۱۱۰۰	۱۳۰۰
۱۰۰	آقایان: ب	۱۱۰۰	۱۳۰۰

«ملاحظات کوتاه»

دعوت مجانی!

اگر میخواهید رژیم جمهوری اسلامی را بدون
ما سک تماشا کنید،
اگر میخواهید زحمت افشاگری بخودسدهید و
ایدئولوژی و سیاست و اخلاق و مایهت طبقاتی
رژیم جمهوری اسلامی را آنطور که هست ببینید،
اگر میخواهید عمق وحشتناک عجز و ماندگی
و عقب ماندگی طبقاتی این رژیم را با اعیان
نظاره کنید،
اگر میخواهید پیوستگی این دینتوسوهای
تاریخ را از نزدیک حس کنید و ببینید که چقدر
"زهی سرشارند"،
اگر میخواهید یکینه عمیق طبقات ارتجاعی
علیه کمونیستها و نیروهای انقلابی را ببینید
اگر میخواهید قله حاکمیت رژیم را ببینید که
چگونه رویزیونیستها و خروشقی و سبها نی را
در کنار نیروهای انقلابی و کمونیستی قرار می-
دهد و با آنها همه را در یک کبسه میریزد،
اگر میخواهید ببینید رژیم جمهوری اسلامی
و بیژنه حزب حاکم در برابر جنبش خلق چگونه
نا توان شده و مثل غریق به هرخس و خاشاکی چنگ
میزند و چگونه دیوانه و ارباب کمونیستها و نیرو-
های انقلابی تهمت میزند و فحش میدهد و سرخود
را به در دیوار میکوبد،
اگر میخواهید مفهوم گندیدگی ایدئولوژیک
و طبقاتی را بوضوح حس کنید....
صفحه "چپ اندچپ" روزنامه جمهوری اسلامی
را بخوانید! فقط توصیه میکنم برای آنکه
بوی گندار ارتجاع مشامتان را کمتر سبازد،
جانوی بینی تان را با دستمال بگیرید! تسف
از داختن استنشاق شما جزا است!

"اخلاق سگ"

ر ویزیونیستهای حزب توده که مثل همبالکی -
های خو در در یگر کشورها کمربه خدمت خدا انقلاب
بسته و جز زهره بزدن به جنبش انقلابی و کارگری
هدفی را تعقیب نمی کنند اخلاق عجیبی دارند
که شاید بید، اخلاق سگ بتوان تشبیه کرد! حزب
توده در برابر نیروهای انقلابی چه کمونیست و
چهدمکرات را راست، دندان، میگیرد و میبکشد
مسموم خود را در پیکر جاسوس می پراکند، به-
کمونیستهای، راستین حمله میبرد و عو میبکند
ولی در برابر رضا انقلاب حاکم پوزه به خاک می -
ساید، با میدا استخوانی در یوزگی میکند و دم
تکان میدهد. حزب توده بغا طرما هیت بورژواشی
و رویزیونیستی، خود همیشه کاسه داغتر از آن بوده
و کاتولیک ترا، زبها پ! در دوره قدیم براسا س
بقیه در صفحه ۲۹

←
قشرا از نظر اقتصادی نابود نمیکند، بلکه ترا
محدود میسازد، بنا بر این خرده بورژوازی مرفه
از نظر استراتژیک نه جزء نیروهای اصلی انقلاب
بوده و نه در زمره دشمنان اصلی انقلاب محسوب
میکردد، بلکه نقش کلا مایهت بینی دارد.
ما امروز در حالی وحدت میکنیم که برخی از
انتقادات ما در زمینه اعمال سکتاریستی
ما زمان پیکار کماکان بصورت خود باقی است.
ما کماکان نسبت به برخی مواضع و نظرات
"جزوه انحلال طلبی..." انتقاد داشته و معتقدیم
که جزوه مذکور در عین اینکه از موضع درست و
پرویشری در رد تساوی طلبی غیر واقعی و خرده-
بورژواشی حرکت میکند اما در راهیابی و پاسخ
شخص به وظایف عملی معین با طرح "عامل
نیرو" دچار برخی مواضع سکتاریستی شده که
حقوق دمکراتیک نیروهای کوچک را نفی نموده
و حقوق دمکراتیک نیروهای بزرگ را مطلق
می نماید. این اعمال سکتاریستی در مواردی
مثل برخورد انفعالی به اکسیون مشترک در
جریان انتخابات مجلس و یا اکسیون مشترک در
اول ماه مه سال بخوبی منعکس است. در عین
اینکه اذعان داریم که ما از طرح برخی انتقادات
در زمینه سکتاریسم نسبت به ما زمان پیکار
اصولا با دیدگاهی که از موضع تساوی طلبی غیر
واقعی و انحلال طلبانه به ما زمان پیکار
میکرد، هیچگونه مرزبندی نداشته و نتیجتا خود
در خدمتشان قرار داشتیم. ما همچنین در برخی
موارد مثل مسئله دانشجویان مبارز و... از یک
دیدگاه کلا اشتلائی و در برخی موارد بطور کلا
غیر مسئولانه تنها با تکیه به اظهارات دیگران
مثل انتخابات در مجلس سلیمان و کردستان
ما زمان پیکار را مورد انتقاد قرار میدادیم.
ما معتقدیم که در وحدت اصولی با بدهم نکات
مورد توافق و همنگات مورد اختلاف دقیقا روشن
بوده و سر بیا علام گردد زیرا که بدون روشن
نمودن این خط و مرزها، وحدت ما امر موهومی
خواهد بود.
گروه انقلابیون ما رکنیست - لنینیست
"پیکار و خلاق"

بقیه از صفحه ۱۲ اقدامات...

وزارت آموزش و پرورش تا با رک شهر، مسوود
حمایت مردم قرار گرفت. و فرهنگیان مبارز نیز
حین راهپیمایی به افشاگری نیز دست زدند.
آنها پس از ورود به دهکده با استقبال گرم
آوارگانی که در آنجا ساکن بودند قرار گرفتند.
فرهنگیان مبارزان اقای خالی دهکده
ساکن شدند. در این هنگام سروکله ما موریس
وزارت کشور پیدا شده "زفرهنگیان ب-
سکونت مجوز قانونی خواستند. اما با اعتراض و
مقاومت متحدانه فرهنگیان مبارز قرار گرفتند و مجبور
به عقب نشینی شدند. مبارزان فرهنگیان مبارز
غوزستانی برای کسب با برخواستن ها ایشان
همچنان ادامه دارد.

شوراهای مردمی خاری در چشم رژیم جمهوری اسلامی!

رژیم مداخلتی جمهوری اسلامی از همان آغاز حکومتش دشمنی خود را با "تورا" های واقعی بنانده و سرکوب مبارزاتی که توسط این شوراهای رهبری میشد و دستگیری عناصر مبارز آنها در دستور کارش بوده و میباشد. در میان نمونه های بسیار از روستای "بلت" ورامین میتوان نام برد.

مردم روستای "بلت" ورامین بعد از سروری قیام و سرنگونی حکومت ناهلاد با انتخاب پنج نفر از میان خود "تورای" بنام "تورای وحدت" تشکیل دادند. کار این "تورا" اتحادیه کارهای مورد نیاز مردم، تهیه خواربار و تقسیم آن و سایر نیازهای زندگی مردم میباشد. توزیع دفترچه خواربار، تعمیر میدان اصلی ده، مصارف ده، آبراب فصول بنام "امیر حکمت" و درگیریهای که در این رابطه با دادگاه انقلاب! پیدا می نماید کارهای دیگر این شورا است. اما رژیم جمهوری اسلامی که از انجام کارهای مردم بدست خود آنها همیشه بیمناک بوده سعی میکند که این ده را هم زیر پوشش ارکان نهضت ارباعی خود درآورد. سپس منظور جندی بیست "دفتر تبلیغ معارف اسلامی وابسته به مدرسه شهید مطهری" دفتری در بلت باز می نماید. در تاریخ ۹۹/۱۰/۱۲ دو تن از کارمندان دفتر به همراه دو یاردار، جهت بخش دفترچه های مهر "دفتر تبلیغ" و جمع آوری دفترچه های "تورای وحدت" به میان مردم می آیند، اما اعضای "تورا" به اتفاق مردم، توطئه آنها را خنثی می نمایند. آنها که از این حرکت ناامید شده بودند، با دستگیری کردن دو تن از اعضای شورا و بردن آنان به "ستاد عملیاتی بعثت" (*) ما هیت خود را به نمایش میگذارند.

اهالی ده برای آزاد نمودن نمایندگان خود، با جمعیتی در حدود ۵۰۰-۶۰۰ نفر، جلوی درب "ستاد بعثت" جمع میشوند. عوامل ستاد، از ترس اشغال دفتر بدست مردم، اعضای شورا را آزاد میکنند.

اهالی برای کوتاه کردن دست "دفتر تبلیغ" و "ستاد بعثت" از سر خود، پیش فرماندار میروند اما فرماندار با زدن مارک ضد انقلاب! به نمایندگان همدستی خود را با رانش نشان میدهد. نمایندگان می گفتند اگر شما میخواهید دفترچه بدهید، به مناطقی بدهید که ملا دفترچه

(*) - ستاد بعثت ستادی است که تمام کمیته های منطقه شمال ورامین زیر نظر این ستاد اداره میشوند.

اخبار مبارزات توده های

ندارند، اینجا که ما خودمان داده ایم". اما توطئه های "دفتر تبلیغ" سر علیه اعضای شورا و اهالی ده همچنان ادامه میداد. در روز ۵ شنبه ۹۹/۱۰/۱۸ هیئتی میگردانیدند تا یک نفر از هیئت "بلت" را در سینه نفخ خالی میکند از طرف "ستاد" درب "بعثت" نفخ شده و با داری را جهت محافظت! در آنجا می گذارند. زنان زحمتکش ده که می بینند نفخ مورد احتیاجشان بوسیله رژیم توقیف شده با متوربت و تمهید شورا جمع شده و به شعبه نفخ حمله میبرند و با شکستن قفل آن، شروع به بخشش هیئت نفخ هر خانواده کرده و با فردای آذر ۱۸۰۰۰ لیتر نفخ را بین اهالی تقسیم می نمایند. و در حین تقسیم نمودن ما هیئت رژیم را برای دیگران افشای نماینده، مبارزه مردم و نمایندگان شورا با توطئه های عاملین رژیم جمهوری اسلامی همچنان ادامه دارد.

نورآباد ممسنی: مردم خواهان مجازات عاملین کشتار ۸ آذر میباشدند!

مبارزه معلمین آگاه با پشتیبانی زحمتکشان ادامه دارد!

روز ۱۱ دیماه حدود ۱۵۰ نفر از مردم زحمتکشان نورآباد با تجمع در یکی از مساجد شهر در مسعود واقع ما گذشتن شهر که منجر به شهادت ۵ معلم و زحمتکش انقلابی گردید به گفتگو و تبادل نظر پرداختند. در این مدت نه تنها کوچکترین ترتیبی برای به خواستهای معلمین متعدّد داده نشده است، بلکه قاتلین شهیدان نیز آزادانه میگردند (مردم شهر موسوی رئیس سپاه پاسداران و رئیس و معاون آموزش و پرورش را قاتلین فرزندان نشان میدانند) در این جلسه معلمین نورآباد با پشتیبانی مردم زحمتکش قطعنامه ای تهیه کردند. و خواستار اجرای مفاد آن تا ۲۲ دیماه گشتند. اگر دولت تا آن تاریخ به خواست آنان ترتیب اثر ندهند، معلمین بطور دسته جمعی استعفا خواهند داد. در این قطعنامه دستگیری و محاکمه مسببین و عاملین کشتار ۸ آذر، آزادی دستگیرشدگان، بازگرداندن دانش آموزان اخراجی به مدارس، تأمین خواستهای فرهنگی معلمین و... قید شده است. همچنین در این اجتماع تصمیم گرفته شد که

مراسم چهارم شهادت شهیدان با نگوشت و فاساد و نبرگزار گردد.

در مقابل مبارزه و اعتراض خشم آلود مردم مقامات جمهوری اسلامی با توطئه و تهدید و کوشش می نمایند که مردم شهر و بویژه با زماندگان شهید را به سکوت وادار نمایند. ولی با جواب دندان شکن توده های زحمتکش مواجه میشوند. دادستانی "انقلاب" نورآباد با احضار یک نفر از شهیدان و میزبانی "فکر میکنی قاتل فرزندت کیست؟" وی با اشاره به رئیس پاسداران و معاون آموزش و پرورش (موسوی و نامری مرتفع) میگوید "قاتل فرزندم اینها هستند" دادستان به پدر شهید یادآوری میکند که "این حرف را نزد پدر اینان بدمیشود" پدر زحمتکش شهید میگوید "از این پدر تمکن نیست، اگر من نتوانستم، دیگران انتقام خون فرزندم را خواهند گرفت"

پرخروش با دشمن فراینده توده های زحمتکش!

ژاندارمهای شاه علیه انقلابیون

'ناهوتی' (سراوان - بلوچستان)

رژیم جمهوری اسلامی که از گسترش مبارزات توده ها و خشت دارد، ژاندارمهای آریا مهری را در روستاها علیه انقلابیون و فعالیت آگاهان هکراشه آنان بسیج کرده است. ژاندارمهای مزدور در روستای "ناهوتی" شبها به تعقیب رفقای هوادار سازمان بیکار می بردند و اعلامیه ها و پوسترها و شعارهای آگاهان بخش سازمان را از دیوارها می کشند. این "دزدان سرگردنه" که سابقه "درخشانی" در سرکوب و چپاول مردم زحمتکش روستاها دارند، انقلابیون را تهدید و تعقیب میکنند اما این تلاشها مانع از آن نخواهد شد که کمونیست ها حتی در دوران فساد تریستن روستاها و با وجود شرایط سخت از فعالیت آگاهانه گراندها گراندها بازمانند. آنها قاصدین رهائی هستند.

فرماندهان مزدور، از احساسات ضد امریکایی سربازان وحشت دارند

در نیمه های دیماه دانشجویان کوهان ۵، گردان ۲ با دگان فرج آباد برای نشان دادن احساسات ضد امریکایی خود، کاریکاتور از "عمو سام" و ژنرال هیک کشیده و به دیوار زدند. بودند. فرماندهان کوهان به محض دیدن کاریکاتور فریاد میزدند و در کوه "دانشجویان حق مداخله در

به استقبال جنبش اوجگیرنده توده ها بشتابیم

اگر ریگی در کفستان نیست از چه وحشت دارید؟

دادگاه انقلاب اسلامی ارتش طی بخشنامه ای نسبت به افشاکری ها شی که نیروهای کمونیستی و انقلابی علیه ارتش دست پرورده آمریکا، فرماندهان مزدوران وروابطی که ارتش جمهوری اسلامی با آمریکا دارد انجام داده اند با مطلع همدارنده و برای نیروهای انقلابی درون ارتش که ایگونه استادار اختیار از مانیهای کمونیستی و انقلابی قرار میدهند خط و نشان کشیده است.

افشاکری های ما و دیگر انقلابیون علیه فریدها، مدنی ها باقری ها، شاکرها، علوی مقدم ها و... همه درست بوده و خود رژیم مجبور به اعتراف بدانها شده است.

رژیم افشاکری های ما را در قبال روابط
ارتش با امپریالیست های آمریکائی و انگلیسی و فرانسوی و خریدار سلحه و قطعات یدکی و مستشار - ان نظامی نمی تواند منکر شود (پیکار ۸۷) و از توجیه این خیانتها پیش مردم عاجز است. لذا تهدید میکند و با مصلاح "پرسنل خا ط ی" را به "دادگاه انقلاب ارتش" حواله میدهد، اما پرسنل انقلابی درون ارتش، آنها که همای توده های بیخاسته خلق علیه رژیم وابسته به امپریالیسم شاه خا ش قیا م کردند، آنها که سلاح را به نیروی فرماندهان سرسپرده ارتش کشیدند، آنها که از همافران قهرمان آموخته اند که چگونه باید به آرمای نهائی خلق وفا دار بود، آنها که از کشتار خلق کرد سرپا می زنند، آنها که حاضر نیستند رژیم و ارتش آ ن را ملی و خندا امپریالیست بخوانند، آنها که جنگ بین دور رژیم و خلقی ایران و عراق را بر ضرر توده های زحمتکش دو کشور می دانند و حاضر نیستند همان جنایات یعشی ها در ایران را در عراق تکرار کنند، و سرانجام پرسنل انقلابی درون ارتش که در این نهاد دخیل هستند و فعالیت آگاهانه و انقلابی دست میزنند و نشریات کمونیستی و انقلابی را بین سربازان و درجه داران تشریح و پخش میکنند و اسناد خیانت

مسا ئل سیاسی را ندارند و پس از توهین و تهدید دانشجویان فرمانده گردان را مطلع میکنند و کاریکا تورا از دیوار میکنند. این عمل با اعتراض دانشجویان روبرو میشود و در نتیجه ۷ دانشجویان زدا شت می شوند و موضوع با تهدید و ارباب دانشجویان پایان میابد.

آری فرماندهان ارتش اسلام آورده شاه هنوز به ارباب خود وفا دارند و از دیدن حتی کاریکا تورا امپریالیسم آمریکا نیز وحشت ندارند. آنها نیک میداند که اگر احساسات ضد امپریالیستی دانشجویان و سربازان را خفه نکنند آتش بیبا خوا هند کرد که این مزدوران نیز در آن خوا هند سوخت. اما این فرماندهان مزدور غافلند که با سرکوب و تهدید نمیتوان احساسات مبارزه جویانه توده ها را خاموش ساخت!

مجاهدین مشاطه گری چهره لیبرالها!

حداقل چیزی که در تفسیر خیر زیر می توانی بگوئی این است که برای مجاهدین عیب است به مشاطه گری چهره لیبرالها بپردازند. اینرا با هیچ سرازوی انقلابی نمی توان سنجیده و توجیه کرد گوش کنید:

مجاهدین ۱۵۵۵ دارد اما خبری مربوط به یکی از موارد شکنجه در اوز نوشته است:

"پس از آن علی (یکی از هواداران مجاهدین که در معرض شکنجه و ضربات شلاق شرعی حاکم شرع اوز قرار گرفته است) همراه سربین به منزل آقای طاهری اما جمعه اوز (در حالی که با مشا ور رئیس جمهور در حال خروج بودند) می روند علی در بیرون از خانه لباس خود را کهنه و آثا ر شقای را به آنها نشان میدهد، آنها از دیدن این صحنه به شدت ناراحت شده (عجب؟! ووی را با تا ق جنگ نزد آقای بنی صدر میرسد، علی ما چرا برای رئیس جمهور شرح داده و آثا ر ضربات شلاق را نشان میدهد که آقای بنی صدر از شدت ناراحتی چندین بار الله اکبر میگویند و خبرنگاران را دعوت میکنند که زیشت و عکس گرفته و در نشریات منعکس کنند."

مجاهدین چه میدی را می خوا هند نسبت به بنی صدر در دل مردم بجا دکنند، به کدا متوهم دیگر میخوا هند از من بزنند آ یا مثل توهمنائی که نسبت به امام "دامن زدند با بدو سال یا کمتر و بیشتر صبر کردند و توده ها و زحمتکشان باید تا و اش را بپردازند تا رسماً با تلویحا پس گرفته شود؟ آ یا بنی صدر که خیلی مریخ پس از جنایت هولناک اعدام ۴ رهبر خلق ترکمن گفت "اگر من هم بودم در باره آنها همین رای را میدادم" حق دارد چهره آ زادیخواهی و "مدشکنجه و ظلم" را بخود بگیرد؟ و آرن بالانتر آ یا مجاهدین حق دارند به تظہیر دستهای آلوده بنی صدر بپردازند ما میگوئیم هرگز! مجاهدین چنین حقسی را ندارند.

ملاحظات کوتاه

بقیه از صفحه ۲۷ اخلاق...
منافع ارباب خود، چنان فروش اسلحه شوروی به شاه را توجیه میکرد و چنان اصلاحات ارضی شاه را مترقیانه و انمود میکرد که خود رژیم شاه صورت می خورد! اما بمحض اینکه رژیم شاه در نتیجه او جگیری مبارزات مردم متزلزل شد حزب توده مخالف خوانی را آغاز کرد، دزد و دزد و دزد و دزد... اسلامی هم تا وقتی با قدرتمندان طرف بوده در بوزگی میکرد و بمحض اینکه متدلی فلان مشول حکومتی شل میشد حزب توده بنی پارس گردن را میگذارد، است، بر خود حزب توده به بازگان بزدی، قطب زاده و... نمونه است. حالا همچنان در خط امام است که از خود ما هم بهتر راستی اگر از حزب توده بهیستی نظرش در باره حرفهائی که ما علیه شوروی می زند چیست جز این خواهد گفت که ما هم خط خود را تشخیص نمیدهد؟ حزب توده در باره بر ضد انقلاب حاکم همیشه نقش گسادی سا مراه را بازی کرده است که از هر در بیرونش کنی از در دیگر بد داخل میابد! اگر روزی مثلاً خط امام حاکم نباشد حزب چنان پشتگی میزند که شایسته شرکت در المپیک مسکو میشود تو گوئی از اول با "خط امام" مخالف بوده است!

اینهمه در بوزگی در باره بر ضد انقلاب حاکم از یکطرف و هاری در مقابل نیروهای انقلابی و کمونیستی از طرف دیگر را به چه چیز جز اخلاق سک، سک پاسبان بورژوازی، می توان تشبیه کرد؟!

- های رژیم را آگاهانه و جسورانه در اختیار سازمانهای انقلابی می گذارند، از تهدیدهای "دادگاه اند ب ارتش" نمی ترسند، آنها به وظایف انقلابی خود در باره بردن آگاهیه سیاسی و انقلابی درون ارتش و در ایجا دشواری های پرسنل انقلابی و فادار میباشند، اینک قسمتی از متن بخشنامه جیت - الاسلامی شهری رئیس "دادگاه انقلاب ارتش":

از: معاونت پرسنل نژا (مدیر مسئول - قوانین)
به: نیروان (همه رز)
موضوع: معرفی پرسنل غاطی وند انقلاب به دادگاه انقلاب ارتش
بدینوسیله در تشریف نامه ۸۱- ۶۶- ۵۹۱۰۱- ۵۹/۲/۲۹ دادگاه انقلاب ارتش که شماره ۸۱- ۶۶- ۵۹۱۰۱- ۵۹/۲/۲۹ دارد، مقرر گردید به جهت در نظر گرفتن آثار آن پرسنل زیرالان میگرد
معاین پرسنل نژا - سرعشتاد آدرشامین
لذا در ضمن اینکامین کوتاه که اما بعد بواسطه وجود پرسنل متعهد و موین در نیروها راه جانی نخواهد بود لکن با توجیه به شرایط جاری، به انانکامین فرماندهان نظامی و امنیتی و پرسنل دریائی و عوانی و اند ارمری شهبانی و شپاه پاسداران و ریسان سازمانهای تأمین میسرانند و آتیا که دایر ماده واحده مسعود و از انقلاب کلیه جراح نظامی در رابطه با انقلاب در صلاحیت دادگاه انقلاب ارتش - جمهوری اسلامی ایران (و آتیا در تهران چهار اهر) میباشند فرماندهان مسئولیت دارند در صورت وقوع خلفاتی از قبیل موارد نوزمن جلوگیری از اتمام امارت و راه دادگاه انقلاب ارتش و گزارش پرسنل غاطی را به تهران مرکز تحویل دهند.

دادگاه انقلاب ارتش - جمهوری اسلامی ایران محمد نری شهری

مبارزات هواداران سازمان برای بازگشایی دانشگاه در مشهد

هماهنگ با فعالیتهای سرتا سری سازمان در جهت گشودن دانشگاه سنگرمبارزاتی همیشه مستحکم، رفقای مادرشهرهای مختلف برنامهمای افشاگران و تبلیغی در اعتراض به زیربنا کشیده شدن دانشگاهها برقرار میکنند. در مشهد نیز، در روزهای ۲۲، ۲۱ دی برنامهمتبلیغی همراه با بحثهای روشنگرانه درمابعمومی و بخش اعلامیههای در توضیح علل تعطیلی دانشگاه و لزوم مبارزه برای بازگشایی آن از طرف سازمان دانشجویان و دانشآموزان پیکار - خراسان برگزار گردید. در روز ۲۳ دیماه تظاهراتی از میدان تقی آبا دتا دانشگاه پزشکی برگزار گردید که با استقبال تودههای مردم روبرو گردید.

در کلیه این فعالیتها روبرویونیستهای خائن توده ای و "اکثریت" بنابه وظیفه ای که دارند به دفاع از بورژوازی و حمله به کمونیستها می پردازند که با افشای گریه های قاطع رفقای ما روبرو شده و تقابلازچهره شان بر گرفته میشود.

نیروهای کمونیستی دیگر، در این کارزار افشاگران و مبارزاتی تحرک چندانی نشان ندادند.

بقیه از صفحه کارخانه...

دومین مسئله ضرورت افزایش آگاهی انقلابی و طبقه ای است. تنها در این صورت است که خواهیم توانست فرق بین دوستان و دشمنان طبقه کارگر را بشناسیم. بخصوص که در شرایط کنونی جامعه ما دشمنان و خائنین به طبقه کارگر در لباسهای مختلف و به اشکال مختلف (همچون عملکرد خائنه روبرویونیستهای اکثریت در کارخانه یا بر)، مشغول تفاق افکتن در میان ما و منحرف کردن مبارزاتمان هستند. مسئله سوم این است که باید تمامی دشمنان طبقه کارگر (از روبرویونیستهای خائن روسی و آمریکائی گرفته تا دروازه داران و دستفروشان جمهوری اسلامی و لیبرالها و نوکران امپریالیسم آمریکا نظیر بنیادین و...)، مرزبندی بنماییم. کارگران آگاه و انقلابی وظیفه دارند تا به افشای این خائنین به خلق پرداخته و کارگران نا آگاه و متوهم نسبت به حرکت از این مرتجعین را از اشتباه خود خارج کرده و با حمله واقعیات را برایشان تشریح نمایند. مثلاً به کارگزارانی نظیر آن کارگر که خائنه یا برکهرژیم جنایتکار شاه را بهتر از رژیم ضد مردمی کنونی میدانست باید توضیح داد:

همانطور که کارگران زمانیکه جامعه سرمایه داری برقرار است استثمار میشوند و دود و دغرفروشان زندگی میکنند، سرمایه دار و رژیم مافوق هم وظیفه اش استثمار کارگران و سرکوب مبارزاتشان میباشد. حال هر لباسی که میپوشند به تن میکنند، در اصل مطلب تاثیر نمیکند، بنابراین لازم است که هرگاه آگاهانه تر و متحد تر مبارزات خود را پیش ببریم

تظاهرات انقلابی هواداران سازمان در شهرهای مختلف

آمل - راهپیمایی برای بازگشایی دانشگاه

دلاوری زحمتکشان برای بازگشایی دانشگاه... تظاهرات کنندگان قریباً دمی کشیدند "تعطیلی دانشگاه توطئه ارتجاع"، "آزادی سیاسی - خواسته توده ها"، "بهشتی و بنی صدر، در سرکوب خلق متحد و برادر"، "دانشگاهها بس سنگر آزادی گشوده باید گردد"، و... در حین راهپیمایی متنهای تبلیغی گوناگونی در رابطه با علت تعطیلی دانشگاه و ضرورت بازگشایی مجدد آن و جنبش خلق قهرمان کرد و... خوانده میشد.

استقبال توده های برای خرید شیریات و گرفتن اعلامیه ها بسیار گریختنی و حمایت مردم از مبارزات انقلابی برای بازگشایی مجدد دانشگاه میباشند.



تظاهرات و راهپیمایی رفقای هوادار در زاهدان

با ردیگر مهربان کیدیزنند.

این تظاهرات که پیش از یک ساعت طول کشید مورد استقبال زحمتکشان قرار گرفت مردم زحمتکش اعلامیه ها را با علاقه گرفته و در باره آنها بحث میکردند. چندانفر و با شوقشیدند تظاهرات را برهم میزنند که در شیر خوردا مولی مردم ناکام ماندند.

رفقای با شعراهای چون "علیه حزب جمهوری علیه لیبرالها، زنده باد دیکتاتور توده ها"، "خائنین، لیبرالها، جمهوری اسلامی دشمن خلق بلوچ - زحمتکشان ایران حامی خلق بلوچ"، "دانشگاهها بس سنگر آزادی، بهشت توده ها، گشوده باید گردد"، "زندانی مبارز بهشت توده ها آزادی باید گردد" و... به افشای رژیم جمهوری اسلامی و همسنگی با خلقهای مبارز ایران پرداختند.

بنقل با اختصار از نشر بلوچ شماره ۵۸ نشریه تشکلات بلوچستان

هماهنگ با مبارزات سازمان برای بازگشایی دانشگاهها، روز ۲۳ دیماه راهپیمایی برشوری از طرف "سازمان دانشجویان و دانشآموزان پیکار" و "دانشجویان و دانشآموزان هواداران زحمتکشان" در آمل برگزار شد.

در این راهپیمایی که حدود ۱۰۰۰ نفر شرکت داشتند با پلاکاردهای افشاگران و شعارهای انقلابی بر علیه هیات حاکمه و امپریالیسم و برضد "انقلاب فرهنگی" ارتجاع و خواست بازگشایی مجدد دانشگاه و پشتیبانی از خلق کرد و... توانست توجه وسیع توده ها را برانگیزد. پلاکاردهای راهپیمایی عبارت بودند از: "علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد پیکار توده ها"، "گرامی باد ۲۳ دی سیاه آور

۲۳ دی امسال در حالیکه بیش از ۹ ماه از تعطیلی دانشگاه توسط رژیم جمهوری اسلامی میگذرد مبارزه نیروهای انقلابی و توده های زحمتکش جهت بازگشایی دانشگاه و جی دیگر یافت و در همین رابطه اعلامیه ها و تراکتهای از طرف سازمان و رفقای هوادار در سطح منطقه پخش شد و همچنین تظاهراتی برگزار گردید. روز پنجشنبه ۲۵ دیماه تظاهراتی از طرف سازمان دانشجویان و دانشآموزان پیکار و "درجه راه رسولی زاهدان" برگزار گردید. این تظاهرات فرا رسد در روز ۲۳ دیماه برگزار شود که به علت توطئه های رژیم و احتمال سوءاستفاده از طرف ارتجاع محلی بویژه مولوی عبدالملک به روز پنجشنبه موکول گردید.

در این روز زحمتکشان با ردیگر بیچشم خود دیدند که کمونیستها با قامتی استوار و سربلین و زندان در زیر چتر سیاه خفا و پنهان خواستند تا عشق خویش را به زحمتکشان و وکینه و نفرتشان را نسبت به ارتجاع و امپریالیسم

نقشه ارضه ۳۲ با آزادی...

مسئله مبارزه با امپریالیسم حل میشود.
اما چنین سخنان خائسانه‌ای حرفیست
بوده‌ها نیست چرا که تنها در یک مبارزه انقلابی
امپریالیسم را میتوان افشا و خنثی و قول و قرار
گرفتن نه تنها چیزی را حل نمیکند، بلکه توده‌ها
را میفرسند که گویا امپریالیسم قول و قرارش
میشود، البته ما در اینجا نمیخواهیم در این
را بطنه سخن گوئیم، تنها به این اشاره میکنیم که
آمریکا حتی این شرط مجلس را نیز نپذیرفت ولی
گروگانها آزاد شدند، در قرار داد میخواهیم:

"ایالات متحده آمریکا تعهد می‌دهد که
سیاست ایالات متحده، این است و از این
پس این خواهد بود."

ما هم که در پیکار ۸۰ همین را گفتیم، و انما
که تعهد آمریکا این بوده و خواهد بود! راستی
جمهوری اسلامی میخواهد این اراجیف
امپریالیست‌ها توده‌های ما را بفریبد، آیا اگر
امپریالیسم دیگر کشورها را زیرا نقیض اقتصاد
سیاسی و... در دنیا ورد، دیگر میتواند امپریا -
لیستی وجود داشته باشد؟ و جالب اینجا است که
رژیم جمهوری اسلامی همان اصول خائسانه
جنس را نیز اجرا نکند.

ب- رژیم جمهوری اسلامی در طی ۱۴ ماه اخیر
ادعا کرده که تا آخرین دینار و مال شاه را از
آمریکا تکمیل و سرخسختی هم از آزادی جاسوسها در
میان نخواهد بود. ما در همان هنگام گفتیم که
این نمیتواند مبارزه‌ها امپریالیستی باشد،
چرا که تنها نیروی میتواند ادعای مبارزه علیه
امپریالیسم کند که با یکا هدا خلیش سرمایه -
داری وابسته و ارتش و دولت حامی آن مبارزه
سازد، اما جالب اینجا است که همین شعار هم که
برای فریب توده‌ها مطرح میشد، اکنون به
کناری رها شده و نویی در صحنه دیوتلو بیژونی -
ان در ۲۹ دیماه میگوید، اما با پولی از شاه در
آمریکا نموده که بگیریم و بدین ترتیب با زین
گرفتن اموال شاه هم عملی نمیشود (و از ما هیست
چنین رژیمی جز اینها انتظار نمی‌رود) جالب
اینجا است که دولت جمهوری اسلامی قبلا حداقل
۱۰ میلیارد دلار بعنوان اموال شاه از آمریکا
مطالبه کرده بود و بیک کلام، جمهوری اسلامی
حداقل ۱۰ میلیارد دلار را به امپریالیسم آمریکا
سپرده است.

ج- رژیم جمهوری اسلامی که تنها می
ادعاهاش در مورد محاکمه جاسوسان، محاکمه
امپریالیسم، قطع روابط اقتصادی و... با
امپریالیسم، گرفتن اموال شاه را برپا نهاد
با به عمل با امپریالیسم برود و با وحشت
سها مدعا میکند که سیرده‌های ایران را که به
بمن نامیمون رژیم جمهوری اسلامی بسیار
بسیار "خدا امپریالیست!!" در ۱۰ ماهه پس از
عنا می‌برد و بیکای آمریکا نگهداری میشود،
با ریس گرفته است، اما این دروغی بیش نیست
طبق گفته‌های خود رژیم ۸۰، میلیار دلار و ۲/۲
میلیار دلار، در خزانه‌های سیرده‌های ایران

بود و حدود چهار میلیارد دلار که پولش
پرداخت شده بود، یعنی جمعا ۱۴ میلیارد دلار،
نبوی در مصاحبه ۲۹ دیماه آنکارا اعتراف کرد
که ۲/۲ میلیارد دلار پول وجه امپریالیسم
کالا قبلا نزد امپریالیسم آمریکا باقی میماند
تا با حکمت حل شود، (یعنی کشت!) و پس رژیم
جمهوری اسلامی با بوق و کرنا اعلام کرد که ۸
میلیار دلار به حساب ایران واریز شده است،
اما خبر زیر نقل از کیهان ۱ بهمن رسوایان
را رسوا نمیکند:

"تنها ۲/۸۸ میلیارد دلار به ایران تعلق
گرفت که این مبلغ معادل تقریباً یک چهارم
پولی بود که ایران ادعا میکرد در آمریکا
متوقف شده است." "نقشه ۸ میلیارد دلار بعنوان
غرامت به کمپانیهای امپریالیستی پرداخت
شده است به همانها که پس از گروگانگیری اعلام
کردند تحریم اقتصادی به آنها ضرر زده و جمهوری
اسلامی باید غرامت بپردازد آزادی ۵/۵ میلیارد دلار
ثروت ایران به بمن نامیمون رژیم فدخلقی جمهوری
اسلامی به شکم "بانکهای خصوصی آمریکایی و نیزه ۳۰
شرکتی که ادعای خسارت کرده‌اند" (کیهان اول بهمن)
سرا زیر میشود، آیا رژیم جمهوری اسلامی پس از این
خیانت آشکار و باج بزرگ امپریالیسم میتواند
- ما را بفریبد، آیا از این غارت بزرگتر امپریالیسم
بخواهد هم میدهد؟

آری رژیم جمهوری اسلامی و اقباعا گروگانگیری
امپریالیسم را برون‌ر آورد آید تمهیدها مبارزه علیه
سرمایه‌داری وابسته و حکومت حامی آن، بلکه با
پرداخت ۲۱ میلیارد دلار باج به امپریالیسم سرکوب
انقلاب و کوشش و از نرو در مبارزای سرمایه‌داری وابسته

سوم: الحزایر و دلال سیاسی

مسئله گروگانها، تنها مشق جمهوری اسلامی
را با زینکرد، بلکه دولت سرمایه‌داری الحزایر
را نیز که به سیستم جهانی سرمایه‌داری وابسته
است، رسوا و ساخت، الحزایر از هیچ کوششی
برای ساخت و پاخت ایران و آمریکا و برای
اجرا مقدمات وابسته ترک کردن ایران به
آمریکا دریغ نکرد، این اولین بار نبود که
الحزایر دلالی میکرد، قبلا نیز وابسته رژیمهای
ارتجاعی شاه‌هاش و صدام حسین در ۱۹۷۵ همین
نقش را بازی کرده بود، خلقهای قهرمان ایران
والحزایر بر توطئه‌های تنگنای دولت ارتجاعی
الحزایر در دلالیش برای وابسته ترک کردن
ایران به آمریکا و نیزوا سطکی میان شاه و صدام
را نخواهند بخشید، از روزیونیستهای خائسانه
توده‌ای وفادار (اکثریت) که مداح بسیاری از
رژیمهای سرمایه‌داری هستند، انتظار می‌رود
نمیرود، اما سازمان مجاهدین خلق با بستنی
با سخ دهد، چگونه چنین رژیمی را انقلابی و
مترقی میداند، سازمان مجاهدین با بستنی
با سخ دهد، نقش الحزایر در دلالی سیاسی
چه بوده و این نقش خائسانه ارتباطی با
ما هست سرمایه‌داری دولت الحزایر دارد؟

چهارم: لیبرالها، ارجو حال در پوست

نمی‌کنند

لیبرالها که از همان ابتدا خواهان آزادی
فوری گروگانها بودند، اینک که جناح حزب با
خفت و غواری گروگانها را با پرداخت باج کلانی
به امپریالیسم آزاد ساخته، سروصدا بشان بلند
شده است، لیبرالهای خائسانه جبهه ملی در شماره
اخیر و ق پار به پیام جبهه ملی سخن از "مبارزه
علیه امپریالیسم" به میان آورده‌اند! و راه
حلها ی حزبها برای آزادی گروگانها را بضرر
مردم میدانند، انقلاب اسلامی نیز در شماره اول
بهمن خود صحن چاپ مقاله سال گذشته یعنی صدر
اعلان میکند که جناح حزب مسئله را از موضع ضعف
حل کرده است، با بیده توده‌ها بگوئیم، لیبرالها
دارند و فیلم بازی میکنند، آنها برای بدست
آوردن موقعیتی بهتر در حکومت به فریبکاری
توده‌ها می‌پردازند و در حالیکه با طرز آزادی
گروگانها در پوست نمی‌کنند و در آزادی روابط
بهتر با امپریالیسم بر می‌برند، در تبلیغات
خود، طوری وانمود میکنند که از حزبها "فد
امپریالیست‌ترند و اگر حل مسئله گروگانها
بمعهد آنها بوده‌اند از حزبها اینقدر "و انمی
- دادند"، اما توده‌های ما میدانند که حزب و

لیبرالها هر دو بدترند و هیچیک بهتر از دیگری نیست
پنجم: چگونه سازش‌نگین رژیم را افشا کنیم

در خاتمه باید بگوئیم که در تبلیغات
خوبش با بستنی بر فریبکاری رژیم، بر دروغها و
وعده‌های که به توده‌ها داد تا مبارزه علیه
امپریالیسم را منحرف کند و طبق ما هیست
طبقا تیش به آن عمل نیز نکرد، بر اهداف ضد
انقلابی و در گروگانگیری و همینطور آزادی
جاسوسان انگشت بگذارد، تبلیغ از این موضع
که رژیم حتی قرارهای مجلس را نیز اجرا نکرد و
با قولهایش را که به توده‌ها داد اجرا ساخت تنها
با توضیح کامل علت گروگانگیری و ما هیتر رژیم
با بستنی صورت گیرد، در غیر اینصورت تبلیغ
جنبه فریبستی میباید، اگر بگوئیم که مثلا اگر
خواستهای مجلس اجرا میشد، اقدامی بحق بود و
با مثلا رژیم میبایستی گروگانها را محاکمه
میکرد... ما با بستنی به توده‌ها توضیح دهیم که
مبارزه علیه امپریالیسم به بوسیله دولتی انقلابی
ارتجاعی، بلکه تنها بوسیله دولتی انقلابی
ممکن است و بدین ترتیب انتظار داشتند از
جنبه رژیم برای کوچکترین مبارزه ضد
امپریالیستی در واقع چشم‌پوشیدن از امر
انقلاب توده‌هاست، در بحثها، نظا هرات موضعی
و... با بیده توده‌ها بگوئیم حزبها چرا گروگان
- گیری کردند؟ لیبرالهای خائسانه
را دنبال کردند؟ چرا این رژیم نمیتواند ضد
امپریالیست باشد؟ چرا این رژیم از گرفتن حتی
اموال شاه و سیرده‌های ایران عاجز است و چرا
برای سازش با امپریالیسم باج هنگفت چند
میلیار دلار می‌دهد و آزادی گروگانها چرا
نتیجه محتوم سیاستهای فدخلقی رژیم است؟
آزادی گروگانها بیش از پیش رژیم را نزد
توده‌ها رسوا ساخته است، با تبلیغات وسیعتر و
افشای هر چه بیشتر رژیم بگوئیم توده‌ها را بیشتر
و بیشتر جذب انقلاب سازیم.

با آزادی

جاسوسان آمریکائی:
بازی تمام شداول: حزب جمهوری یکد امیک از اهدافت
د رگروگانگیری رسید؟

سازمان ما، از همان اوائل گروگانگیری (علیرغم انعکاس انحراف بر است در روزهای اول) همواره اهداف ضد انقلابی رژیم جمهوری اسلامی از گروگانگیری را افشا ساخته است. ما از همان ابتدا گفتیم که:

او یکیری مبارزات توده ها، مبارزات سراسری کارگران بیکار، جنبش مقاومت قهرمانان خلق کرد، جنبش دانش آموزی، زحمتکشان بی مسکن، صیادان انزلی و... رژیم را به هراس افکند. حزب جمهوری اسلامی برای منحرف کردن مبارزه توده ها بر علیه سرمایه داری وابسته نقشه چید، اما این تمام دلیل نبود. حزب جمهوری اسلامی با لیبرالها و آمریکاییها عزم وحدتشان در مقابل انقلاب دارای اختلافاتی نیز بودند، (البته اختلاف چیزی جز دعوا میان دردها نبود) و از طرف دیگر وحدتشان جنبه غالب داشت. شدت مبارزه طبقاتی بر اختلافات آنها می افزود و بدین ترتیب حزب جمهوری برای بائین کشیدن لیبرالها از سرکردگی حکومت و به تباعیت خویش درآوردن آن در پی چاره بود.

او فکر میکرد با اشغال لانه جاسوسی کاغذ اهداف خود را برآورده میکند، یعنی با دادن شعارهای دروغین خدا میریایستی، توده ها را می فریبد، انقلاب توده ها بویژه جنبش مقاومت خلق کرد را سرکوب میکند و نیز قاف در می شود لیبرالها را از سرکردگی حاکمیت بائین بکشد و به آمریکا که بیشتر از لیبرالها حمایت میکرد ضرب شت نشان دهد.

امروز حزب جمهوری اسلامی سرکردگی حاکمیت را بدست آورده و بدین ترتیب به یکی از خواسته های خود جامعه عمل پوشانده است. همچنین حزب موفق شد، برای مدتی از کارهایش توهمنده ها نسبت به خود جلوه گیری کرده و از درغلطیدن کامل به سراسر شیب انفرادی و گریزی کند. اما او یکیری بیش از پیش انقلاب را و روز بروز سوا تر ساخته و اینک می توان گفت که بخش بسیار عظیمی از توده ها دیگر کاملاً ما هیت ارتجاعی حزب جمهوری اسلامی را در پافته اند و نسبت به دیگر هر چند حزب در کوتا مدت توانست توده های وسیعی را با واقعه سفارت بسوی خویش بکشد و زدا منه گرفتن بیشتر و بیشتر مواج اعتلا تا حدودی

یادداشت های
سیاسی
هفت گه

تلوکیرد، اما در مدتی نه چندان دراز، سوده ها دستان آلوده به خوشت را در سرکوب مبارزات کارگران و زحمتکشان، خلق کرد، سرکشی، دانشجویان انقلابی و کمونیست، همدست با لیبرالها و در جهت منافع امیرالایسم بدینند و در پس دروغهای رژیم چهره کره بسرو حافط منافع امیرالایسم را مانده کردند. بدین ترتیب هر چند حزب توانست خود را بگریستن لیبرالهای خاش بماند به سرکرده ها کمیت کرد، اما آنطور که خود می پنداشت، گروگانگیری به کشیدن توده های وسیع برای مدتی دراز بسوی حزب و خفه کردن انقلاب منجر نگردد و آنشت انقلاب از زیر خا کسیرهای سرکوب، کشتار، خفغان، ربا و دروغ و تزویر لیبرالها و حزبهای خاش زبانه کشیده و میگذد. بدین ترتیب حزبها نیز برای مقابله با آتش انقلاب اینک راه حلی را که لیبرالها از پیش ارائه میدادند پذیرفتند. حزبها که می پنداشتند با افزایش توهمنده ها بهتر میشود سرمایه داری وابسته را زسازای کرد اینک می پذیرند که وجود گروگانها که موجب تیره شدن روابط امیرالایسم با ایران گردیده (هر چند که امیرالایسم همچنان مجاز سوده از طریق سرمایه های وابسته کارگران و زحمتکشان ما را غارت کند) و تحریم اقتصاد و... را بدنیال داشته، به سرکشی و تثبیت رژیم سرمایه داری وابسته به امیرالایسم میگردد. از اینرو تصمیم به آزادی گروگانها گرفتند. اینک سرکرده جدید حاکمیت نیا زداشت روابط خود را با امیرالایسم عادی سازد و از برخی مخالفتها ی خود با آمریکا بکاهد، چرا که صنایع وابسته و تانین اسلحه به

قابل توجه
نشریات محلی سازمان

رفقا! در نشریه پیکار، ارگان مرکزی سازمان، برخی افشاگریها و مطالب مهم حاصل تبلیغی را با ۳ ستاره مشخص میکنیم تا مجدداً بوسیله رفقا در سراسر سرکوب و کشتار گردد و نشریات محلی کمتر آنها را منعکس میکنند. از رفقای مسئول نشریات محلی میخواهیم که در تکثیر مطالب ستاره دار حتماً اقدام کنند.

جنبش روا بطی و تحکیم سرمایه داری وابسته و غارت زحمتکشان احتیاج داشت.

جنبش بود که جمهوری اسلامی به غفلت بار - ترین اقدامات تن داد، تا با زش خاشانه های رای رای وابستگی بیشتر به امیرالایسم تدارک ببیند.

دوم: باج ۲۱ میلیارد دلاری جمهوری
اسلامی به امیرالایسم آمریکا

درواقع، در کنار اختلافاتی که بر سر شیوه سرکوب (چماق بویا چماق و تان شیرینی) و بر سر شیوه بازی سرمایه داری وابسته میان حزب و لیبرالها و آمریکا یعنی میان دشمنان توده ها وجود داشت، مسئله اصلی که همواره چهره گروگانگیری و چهره دزدان کردن گروگانها بعنوان قانون اصلی مشخص میشود، ضدیت حاکمان قدرت با انقلاب است. در آغا گروگان - گیری این مسئله بصورت منحرف کردن مبارزات توده ها بر علیه سرمایه داری وابسته، ارتش و دولت حامی منافع امیرالایسم و فریب توده ها جلوه گر شد. در خالیکه اینک این مسئله بصورت ساری ننگین با امیرالایسم برای خرید سلاح از امیرالایسم (برای کشتار زحمتکشان، خلق کرد و انقلابیون و نیز دزدیدن برآتش جنگ غیر - عادلانه کنونی) و نیز گسترش روابط استعمار - گرانده اقتدای برای برآنداختن صنایع وابسته و تحکیم سرمایه داری وابسته انجام میگردد. و در این راه حتی باجی گران نیز به امیرالایسم بعنوان مقدمه ای برای وابستگی بیشتر به امیرالایسم و ساری ننگین برداخت میشود.

آمریکا که از ما هیت طبقاتی رژیم جمهوری اسلامی اطلاع داشت و حفظ و حراست منافعش را در ایران (سرمایه ها و صنایع وابسته) بدست حزبها و لیبرالها مشاهده میکرد، میدانست که جمهوری اسلامی برای سرومان دادن به سرمایه داری وابسته به هر خفتی تن میدهد و بدین ترتیب شرایطی را به رژیم جمهوری اسلامی تحمیل کرده که بسیار ننگین تر و خفت بار تر از شرایط مجلس شورای اسلامی بود. اما قبلاً در مورد "ها هو بسیار بر سر هیچ" بودن خواسته های حشیر مجلس شورا برای سازش با امیرالایسم سخن گفته ایم (پیکار ۸۵)، اینک نشان میدهم که چگونه در ساری بزرگ جمهوری اسلامی باجی بزرگ به امیرالایسم میپردازد و دخالتی بزرگ و تارخی را بنا میخورد به شت میرساند.

الف - در افشای خواسته های حقیر مجلس شورا گفتیم که درخواست از آمریکا که قول و قرار بدهد که در ایران دیگر دخالت نمیکند، چیزی جز خاک پاشیدن به چشم توده ها نیست. چرا که بدین ترتیب به توده ها گفته میشود با قول گرفتن از امیرالایسم

بقیه در صفحه ۳۱

مبارزه با امیرالایسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست